

فصل نامه علمی - تخصصی (دو زبانه)

# جهان نما

شماره دوم . زمستان ۱۴۰۳

گنجینه دانش و اندیشه



گنجینه دانش و اندیشه





## شناسنامه نشریه:

صاحب امتیاز: اتحادیه انجمن های علمی دانشجویی علوم سیاسی ایران

مدیر مسئول: آروین تنها

سردبیر: امیرحسین کریمی

ویراستار: نیما یوسفی، علی مینایی فر

طراح گرافیک: نگار قراباغی

## Journal Information:

License Holder: Union of Iranian Student Scientific Associations of  
Political Science

Managing Director: Arvin Tanha

Editor-in-Chief: Amirhossein Karimi

Editors: Nima Yousefi – Ali Minaei Far

Graphic Designer: Negar Gharabaghi

## فهرست

سخن سردبیر

نقش رسانه در روند های سیاسی

تقاطع سیاست های ترامپ و صنعت نفت ایران

آینده پژوهی تغییر جایگاه چین در نظام بین الملل

دیاسپورای عرب و مسئله توسعه در آمریکای لاتین

تاثیر سیاست خارجی بر صنعت توریسم

## Editor's Note

The Role of Media in Political Processes

The Intersection of Trump's Policies and Iran's Oil Industry

Futures Studies on China's Changing Position in the International System

Arab diaspora and the issue of development in Latin America

The Impact of Foreign Policy on the Tourism Industry

## Contents

## "سخن سردبیر"

با سلام و احترام به تمامی خوانندگان، پژوهشگران و دانشجویان عزیز،

بسیار مفتخریم که در نخستین شماره از فصلنامه جهان نما در فصل سردبیری جدید، به عنوان یک تیم علمی و دانشگاهی، فرصتی یافته‌ایم تا در مسیر ارتقای دانش و تحلیل مسائل حیاتی روابط بین‌الملل گام برداریم. نشریه جهان نما در نظر دارد تا نه تنها به تحلیل تحولات جهانی بپردازد، بلکه از طریق این تحلیلات، نقشی مؤثر در بهبود جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی ایفا کند.

روابط بین‌الملل امروز بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر تحولات سریع و پیچیده‌ای است که کشورهای مختلف، به ویژه ایران، را با چالش‌های جدیدی روبرو کرده است. در چنین دنیایی، آگاهی از تحولات جهانی و تحلیل دقیق آن‌ها، ابزاری ضروری برای پیشبرد اهداف ملی و دفاع از منافع کشور است. جهان نما در این مسیر، به عنوان یک فصلنامه علمی، به بررسی دقیق و همه‌جانبه مسائل جهانی خواهد پرداخت و سعی دارد تا درک عمیق‌تری از نحوه تعامل ایران با دیگر کشورها و قدرت‌های جهانی به دست دهد.

یکی از مهم‌ترین اهداف این نشریه، تقویت دانش و توانمندی‌های علمی در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. ایران در دوران کنونی، بیش از پیش به تحلیل‌های دقیق و کارشناسانه در عرصه جهانی نیاز دارد تا بتواند جایگاه خود را در دنیای پیچیده و پر از چالش امروز به درستی پیدا کند و از فرصت‌ها به بهترین شکل استفاده نماید. جهان نما به عنوان یک نشریه علمی، قصد دارد تا فضایی برای بحث و تبادل نظر در این حوزه فراهم آورد و در این مسیر، همگان را به تفکر علمی و مسئولانه درباره آینده ایران عزیزمان فراخواند.

با توجه به اینکه این نشریه از دل جامعه دانشگاهی و علمی کشور شکل گرفته است، باور داریم که پژوهش‌های دقیق و مستند در حوزه روابط بین‌الملل می‌توانند ابزاری مؤثر برای تقویت سیاست‌های خارجی کشور، بهبود روابط با همسایگان و دیگر کشورها، و در نهایت تحقق اهداف توسعه‌ای ایران در سطح بین‌المللی باشند. نشریه جهان نما مصمم است تا در این راه، نقش خود را ایفا کرده و به عنوان یک رسانه علمی، در ارتقای سطح فهم و تحلیل در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشور، قدمی مؤثر بردارد.

ما در این فصلنامه تلاش داریم تا با ارائه مقالات علمی و تحلیلی، نه تنها به تحلیل مسائل جهانی بپردازیم، بلکه توجه ویژه‌ای به وضعیت ایران در دنیای امروز و چالش‌هایی که پیش‌روی کشور است، داشته باشیم. از امنیت ملی گرفته تا چالش‌های اقتصادی، سیاست‌های خارجی و جایگاه ایران در سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی، تمامی این مباحث از موضوعاتی خواهند بود که در شماره‌های مختلف جهان نما به طور جدی مورد بحث قرار خواهند گرفت.

از تمامی پژوهشگران، اساتید و دانشجویان علاقمند به مسائل روابط بین‌الملل دعوت می‌کنم تا با مشارکت‌های خود، ما را در پیشبرد این اهداف یاری کنند. این نشریه نه تنها مکانی برای تبادل افکار علمی و پژوهشی است، بلکه گامی در راستای پیشرفت و توسعه ایران در عرصه جهانی به شمار می‌آید.

بیایید با هم، در این فصل نو، به تحلیل و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی ایران بپردازیم و تلاش کنیم تا با هم، ایران را در جایگاه شایسته‌اش در دنیای روابط بین‌الملل قرار دهیم.

امیرحسین کریمی

# نقش رسانه در روند های سیاسی

( مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ۲۰۲۰ )

مهرداد مرادی

## چکیده

امروزه در عصر دیجیتال تقریباً تمام ابعاد زندگی اجتماعی بشر با ارتباطات و به طور خاص رسانه گره خورده و سیاست نیز از این قضیه مستثنی نمی باشد. رسانه ها بر ابعاد مختلف سیاست تاثیر می گذارند و روند های سیاسی نیز از این قضیه مستثنی نیستند. این پژوهش با هدف بررسی نقش رسانه ها در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا تدوین شد. این تحقیق هم از لحاظ زمانی یعنی از آنجایی که به یکی از مسائل روز دنیا می پرداخت حائز اهمیت بود و هم آنکه یک مسئله مورد بحث و مناقشه بر انگیز را روایت کرده و به دنبال بررسی آن بوده است. پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ دادن به آن است این گونه طرح می شود که رسانه چه نقش و تاثیری در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا و نتیجه آن داشته است. پژوهش حاضر با نگاهی به نظریه حادواقعیت پست مدرن به دنبال پاسخ به پرسش فوق بوده و در یافته است که رسانه های ایالات متحده به طور خاص فاکس نیوز و سی ان ان فارغ از فعالیت های خود در راستای پیشبرد اهداف انتخاباتی و فراهم کردن شرایط و بستری برای پیروزی نامزد مورد حمایت خود باعث مشارکت هرچه بیشتر شهروندان در انتخابات می شوند. یافته های این تحقیق از آن رو اهمیت دارد که رسانه و انتخابات به عنوان دو متغیر مهم این پژوهش وابستگی و تعلق به زمان، جغرافیا و تفکر خاصی ندارند و یک موضوع عام و فراگیر تلقی می شوند. روش انجام پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی و روش گردآوری داده ها و مطالب از منابع کتابخانه ای و اینترنتی بوده است.

واژگان کلیدی : رسانه، روند های سیاسی، آمریکا، انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰

رسانه از دیرباز نقش مهمی بر زندگی مردم و عوامل تاثیرگذار بر زندگی مردم داشته است. با پیچیده تر شدن و گسترش جوامع اهمیت رسانه در بعد سیاسی دو چندان می شود تا حدی که می توان گفت در شرایط فعلی رسانه یکی از اجزای اصلی زندگی سیاسی می باشد. با توسعه رسانه ها و جذب مخاطب هرچه بیشتر کنشگران و دولت ها در این صدد برآمدند تا از رسانه به عنوان یک چارچوب اثرگذار در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی استفاده کنند و آن را در راستای اهداف خود به کار بگیرند. مثال های مختلفی در طول تاریخ درباره این مسئله وجود دارد. برای مثال در جنگ دوم جهانی فعالیت رسانه های متفقین معطوف با تفکرات ضد فاشیستی و به دنبال اعلام انزجار و محکوم کردن آن بود در مقابل رسانه های کشور های محور در کنار تبلیغ تفکرات و اندیشه های ناسیونالیستی و فاشیستی به اهریمن سازی از دشمنان می پرداختند. یا می توان به فضای بازدارنده جنگ سرد

اشاره نمود که شاهد فعالیت های رسانه ای و تبلیغات سیاسی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی علیه یکدیگر هستیم. در عصر حاضر نیز رسانه ها هم در عرصه داخلی کشور و هم در عرصه بین الملل حائز اهمیت هستند. بدیهی است که کنشگران با توجه به اهداف خود و در راستای تحقق این اهداف رسانه را به کار بگیرند و ازین فضا استفاده کنند اما چالش از آنجایی آغاز می شود که رسانه ها سهوا یا عمدا واقعیت ها را به شکل دیگری نمایش می دهند که ممکن است همراه با تحریف واقعیت، نشان دادن تصویری متفاوت یا جدید همراه باشد و یا حتی تصویر واقعیت را از واقعیت بهتر منعکس کند و یا اینکه واقعیت جدیدی را خلق نماید (واقعیت رسانه ای) همانگونه که نظریه پردازان پست مدرن از جمله آلبرت بورگمان، ژان بودریار و بسیاری از متفکران این حوزه به این مسئله اشاره می کنند. با توجه به مسائل پیش تر ذکر شده و موضوع طرح شده در این مقاله این سوال مطرح می شود که رسانه های ایالات متحده آمریکا چه تاثیری بر انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ این کشور و نتایج این انتخابات داشته اند. این تحقیق از این رو دارای ضرورت و حائز اهمیت می باشد زیرا اولا کمتر از یکسال تا انتخابات جدید ریاست جمهوری آمریکا باقی مانده در حالی که همچنان بحث پیرامون



انتخابات ۲۰۲۰ و نتیجه آن تمام نشده است و در واقع یکی از مسائل مورد بحث روز می باشد. مضاف بر آن اهمیت انتخابات آمریکا به دلیل جایگاه این کشور در نظام بین الملل دوچندان است و در ادامه با علم به این که قدرتی که رسانه ها با اتکا به کنشگران و یا به طور خاص نامزدهای انتخاباتی ایجاد می کنند و در اختیار می گیرند ضروری می باشد که نقش رسانه در روند سیاسی بسیار مهمی همچون انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بررسی شود. این پژوهش با بهره گیری از اسناد مکتوب کتابخانه ای، مقالات پژوهشی و منابع اینترنتی این هدف را دنبال می کند تا نقش رسانه ها و فعالیت آنها را پیرامون انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا تحلیل نماید و در نهایت به این سوالات پاسخ دهد که آیا رسانه در نتیجه این انتخابات تاثیرگذار بوده است؟ در صوت مثبت بودن پاسخ این تاثیرگذاری به چه شکل بوده است. مطالب مورد بحث این مقاله در چند بخش سازماندهی شده که به شرح ذیل است ابتدا سعی شده تا مفهوم رسانه، انواع رسانه و عوامل مرتبط با آن و همچنین چالش ها و فرصت های این پدیده بررسی شود. سپس به نقش رسانه و ارتباط آن با سیاست در ابعاد مختلف پرداخته شده و در پایان به بررسی تاثیر و نقش رسانه های ایالات متحده آمریکا به طور خاص سی ان ان و فاکس نیوز بر انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ در این کشور پرداخته شود و تلاش می شود تا به سوالات مطرح شده پاسخ های صحیح و دقیق ارائه دهد

## ۱- چارچوب نظری پژوهش (فراواقعیت، بازنمایی)

پست مدرنیسم دوره جدیدی است که همه مولفه های دوره مدرن و نیز دوران سنت را به نقد می کشد. فرهنگ پست مدرن، فرهنگ رسانه ها و دنیای مجازی است که در آن قطعیت فرهنگی از بین می رود و سطحی نگری رسانه ای، امکان تفکر و تعقل عمیق را از کنش گران اجتماعی می گیرد. (دهبانی پور، خرم پور، ۱۳۹۵ : ۵۳)

ژان بودریار، فیلسوف معاصر و از پایه گذاران و نظریه پردازان پستمدرن، بازنمایی را در دنیای معاصر عاملی



برای محو شدن امر واقع می‌داند. واقعیت به عنوان دیرینه‌ترین مفهوم در فلسفه غرب، یکی از مفاهیم اساسی در اندیشه بودریار است از منظر بودریار جهان معاصر در مسیر خود با فراموش کردن واقعیت اصیل به واقعیت دیگری روی آورده که این واقعیت برساخته انسان است و واقعیت را در مسیر تبدیل شدن به نشانه‌ها و وانموده می‌داند. بودریار براساس سلسله مراتب چهارگانه، وانمایی را به مراحل بازتاب واقعیت عینی، پوشش واقعیت، نشانه بجای واقعیت (واقعیت مجازی) و نشانه‌های خیالی طبقه بندی می‌کند به اعتقاد او در دنیای معاصر، به مدد رسانه‌ها، تصاویر، وانموده‌ها و نشانه‌ها به گونه‌ای در جهان تسلط یافته‌اند که امر واقعی را محو کرده‌اند. بودریار همیشه به نقش رسانه‌ها با بدبینی نگرسته تا جایی که بسیاری از اتفاقات در دنیای خارج را مصداق بارزی برای فراواقعیت می‌داند. (همایونفر، مصطفوی، اردلانی، ۱۴۰۱: ۵)

بودریار بنیاد و بنّال جهان پستمدرن را جهانی شبیه سازی شده از جهان واقعیات میدانست. بشریت واقعیتهای را از طریق گونه ای شبیه سازی واقعیت (وانموده) (simulation) دریافت کرده و می‌شناسد، بازنمودهایی که در طیف گسترده ای از رسانه های مختلف الکترونیکی و اینترنتی پخش شده‌اند. در سایه این دیدگاه، نشانه‌ها، مفاهیم و معانی تحت کنترل و هدایت نوعی نظام و شبکه های اطلاعاتی با تکنولوژی های خاص و پیشرفته، آنقدر تولید و تکثیر انبوه یافته‌اند که دیگر انسان قادر به تشخیص تفاوت و تمایز افکندن میان حقیقت از خطا و یا واقعیت از توهم نخواهد بود. از این منظر معانی و تعاریف در روند شبیه سازی که در حقیقت نوعی فرآیند بازنموده و وانمود است، دچار وضعیت فراواقعی یا فوق واقعی میشوند که بودریار برای توصیف و کالبدشکافی این حالت فراواقعی از واژهٔ حادواقعیت بهره میگیرد. بدینسان حاد واقعیت، وضعیتی است که در آن دیگر نمیتوان میان یک امر واقعی و بازآفرینی های آن تمیز داد. در چنین شرایطی این بازتولیدها چنان واقعی تر از اصل بیان میشوند که امر حادواقعیتی یا فراواقعی،

از تجربه امر واقعی رضایت بخش تر تجربه میشوند. پیامد آنها نیز از هم پاشیدن و اضمحلال هرگونه مفهوم و معنای حقیقی است و آنچه درنهایت برجای می ماند، مجموعه معلق بی ریشه ای از نشانه‌ها، رمزها، الگوها، انگاره‌ها و وانموده‌هاست. از منظر بودریار،

تسلط این مجموعه بازنموده شده در جهان کنونی به گونه ای است که امر واقعی اصلی چنان از پایه محو شده که اگر روزی بخواهیم به حقیقت مراجعه کنیم، دیگر مرجع اولیه و علل عینی وجود نخواهد داشت. (عطارزاده، جمالی، ضیمران، ۱۴۰۰: ۴۰۰)

حاد واقعیت ترجمه اصطلاح (hyper-reality) است که از سوی بودریار به کار رفته است. این اصطلاح را به چندگونه به فارسی ترجمه کرده‌اند؛ فرا واقعیت، فزون واقعیت و حاد واقعیت از نمونه ترجمه های آن است. وی حاد واقعیت را امری به غایت شبیه امر واقعی، بلکه عین امر واقعی و تسخیر کننده جایگاه آن می‌داند به طوری که حاد واقعی غیاب و نبود امر واقعی را پنهان می‌سازد و کسی متوجه این جابجایی و پنهانکاری نیست در این حالت حاد واقعی، واقعی تر از امر واقعی می‌شود البته حاد واقعی

نه تنها جای امر واقعی را می‌گیرد بلکه هیچ ربطی هم بدان ندارد یعنی رونوشتی از امر واقعی نیست حاد واقعی به چیزی ورای خود ارجاع نمی‌یابد و امری خود بنیان است. وی در یک تقسیم بندی سه نوع بدل یا وانموده از واقعیت را مطرح می‌کند (جعل، تولید، وانمایی) بودریار برای سطح سوم که شدید ترین



حالت است مثالی میزند با این مفهوم که وانموده‌ها مانند بت هایی هستند که جای خدای واقعی را می‌گیرند و گویی همین‌ها اصلند و خدایی وجود ندارد. (پرهیزکار ۱۳۸۹: ۲۰۰-۱۷۹)

نکته جالب درباره نظریه فوق این است که به گفته صاحبان اثر فیلم سینمایی هالیوودی ماتریکس بر اساس این نظریه و با نگاه بر آن ساخته شده است در صورتی که صاحب این نظریه یعنی ژان بودریار سینما و هالیوود را نیز جزیی از رسانه‌هایی می‌داند که با بازنمایی و شبیه سازی حاد واقعیت را شکل می‌دهند میدانند. به طور کلی بودریار معتقد است جهان پسامدرن جهان وانموده است و به همین دلیل دیزنی لند و تلویزیون واقعیت های آمریکا را تشکیل می دهند از نظر وی ما وارد جهان فراواقعی شده‌ایم به عبارت دیگر واقعیت تولید می‌شود ولی از قدرت ما خارج است.

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با در نظر گرفتن و نگاهی عمیق به نظریه وانمایی و حاد واقعیت ژان بودریار نقش

رسانه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا بررسی شود و در نهایت به این سوال پاسخ دهد که رسانه چه تاثیری بر نتیجه این انتخابات گذاشته است.

## ۲- رسانه

رسانه، زبان گویا و غیرقابل کنترل عصر ماست. رسانه به عنوان يك نهاد مدني وطني و جهان وطني، واسطه

فعال ارتباط و تفاهم میان شهروندان واحدهای ملی و فراملی است. از این، رو هم می‌تواند پیام آور صلح، آرامش و امنیت باشد و هم زمینه ساز جنگ، ناآرامی و بحران. در عصر حاضر، رسانه‌ها به عنوان حاملان و عاملان ارتباط و اطلاع، بیش از هر بازیگر رسمی و غیررسمی دیگر می‌توانند در وصل یا فصل جان‌ها و دل‌ها و رفتارها و کردارها نقش ایفا کنند. رسانه‌ها، نه مرز انسانی می‌شناسند، نه مرز جغرافیایی و نه مرز گفتمانی، فرهنگی و تمدنی. با این حال، بیش از هر نهاد دیگر میتوانند به مناسبات و ملاحظات تشنج زا و بحران آفرین رسوخ کنند و شرایط را برای تحقق يك جامعه امن ملي و فراملی فراهم آورند. افزون بر این، رسانه‌ها به دلیل خاصیت بوم شناختی خود (که تأکید بر وسعت و قابلیت تأثیرگذاری آنها در تحولات اجتماعی سیاسی جامعه دارد)، نه تنها قادر به فضا سازی سریع هستند، بلکه می‌توانند همه چیز را دگرگون کنند. همچنین میتوانند به افکار عمومی شکل دهند و احساسات عمومی را به غلیان و هیجان بیاورند و انسان‌ها را در فضای حاد واقعیتهای قرار دهند که در آن به ستیز و بحران بیندیشند یا برعکس میتوانند پرده از جهان‌های وانموده و حاد واقعیتهای بردارند و انسان‌ها را در يك جهان واقعی، همزیست و همگرا کنند و میتوانند سازنده جهانی‌ها و پرحالش باشند که در آن جنگ همه علیه همه برپا است؛ و به این ترتیب موجد «بحران یا تدبیر بحران» باشند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

امروزه تقریباً همه چیز با رسانه‌های اجتماعی سر و کار دارد در علم ارتباطات رسانه ابزاری برای رساندن داده یا اطلاعات است به بیان دیگر می‌توان گفت هر ابزار و وسیله‌ای که برای ارتباط به کار برود رسانه است اصطلاح رسانه media در کاربرد مدرن خود اولین بار توسط مارشال مک لوهان نظریه پرداز کانادایی حوزه ارتباطات به کار برده شد. از دیدگاه برخی صاحب نظران و نویسندگان مانند هارولد رینگولد می‌توان تمام ابزارهایی که سبب انتقال پیام شده‌اند را رسانه تلقی کرد از نقاشی‌های داخل غارها یا فرستادن پیام با دود در گذشته تا روزنامه، سینما، رادیو، تلویزیون





در سالهای اخیر مقدمات احیای قدرت روسیه به مانند دوران پیش از فروپاشی در توفیقات استراتژیک این کشور در مناقشات اوکراین و سوریه ظهور و بروز یافت که آمریکا موفق شد حداقل در خصوص اوکراین با استفاده پروپاگاندا و تا حدودی بازنمایی تعهدات ناتو و علت اصلی درگیری را در اذهان عمومی از بین برده و بیشتر به جنبه متخاصم و متجاوز بودن روسیه بپردازد (اسماعیلی، ملائکه، ۱۳۹۷: ۸۰)

مثال های بسیاری در خصوص رویکرد سیاسی رسانه ها توام با بازنمایی و در نهایت منجر شدن به پدیده حاد واقعیت وجود دارد این مثال ها حتی به عرصه خارجی دولت ها محدود نمی شود و گاهی نقش رسانه در روند های سیاسی داخلی یک کشور مانند انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بسیار پررنگ تر و قابل بحث تر است که در ادامه به بررسی این مهم خواهیم پرداخت.

#### ۴- رسانه و انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا

یکی از مهم ترین رویداد های سیاسی در ایالات متحده آمریکا انتخابات ریاست جمهوری می باشد که می توان گفت سالهاست وارد یک فضای دو قطبی و رقابتی میان حزب جمهوری خواه و حزب دموکرات شده است و یکی از پر حاشیه و مورد بحث ترین انتخابات های

آن توضیح داده خواهد شد؛ نکته قابل توجه درباره این سیاست رسانه آمریکا در واقع حدود بیست سال پیش از رخ دادن جنگ اوکراین است جایی که پس از وقوع حادثه یازده سپتامبر به مدت یک دهه توجه رسانه های آمریکا ابتدا به القاعده و سپس اسلام و فعالیت های مسلمانان معطوف شد. چنانکه خبرهای مربوط به مسلمانان در فاصله زمانی چند سال بعد از سال ۲۰۰۱ به شکل محسوسی با مقوله جنگ علیه ترور پیوند داشته اند اولین مرحله از این بازنمایی با چاپ کاریکاتورهای موهن درباره پیامبر اکرم (ص) اجرایی گردید که یادآور چاپ کاریکاتورهای بود که نازی ها علیه کسانی که دشمن خود قلمداد میکردند، انتشار دادند. در آن ایام با وجود اعتراض گسترده مسلمین سراسر جهان، حداقل ۱۴۳ روزنامه در ۵۴ کشور کاریکاتور های ضد اسلامی را منتشر کرده بودند.

پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پروژه بازنمایی و جنگ رسانه ای آمریکا معطوف به شوروی و اقمار و ایدئولوژی آن بود. به بیان دیگر پیش از مطرح شدن مفاهیمی همچون بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، لیبرال دموکراسی در تقابل ایدئولوژیک با کمونیسم قرار داشت. این دوره نسبتاً طولانی، پیشینه ای از عملکرد رسانه ای آمریکا در قبال بسط هژمونی از طریق بازنمایی و محدود کردن جذبه ایدئولوژیک رقیب را ارایه مینماید

مرز ها را به حداقل رسانیده و این امکان را داشت تا افکار و دانش بشری اسان تر و بی حد و مرز تر تبادل شود اما برخی سیاست گذاری ها موجب این امر شد تا مسیر رسانه ها بیشتر به سمت تبلیغات علیه ایدئولوژی مقابل بروند تا جایی که برای مثال رسانه ها لطیفه و جوک های رییس جمهور امریکا را درباره اتحاد جماهیر شوروی پوشش میدادند (رونالد ریگان) و یا به شکل جدی تر در سال ۱۹۵۳ ساموئل فول فیلمی به نام جیب بر خیابان جنوب با مضامین مبتنی بر روس هراسی ساخت؛ فیلمی که منتقدین از آن به عنوان یک اثر زننده ضد کمونیستی یاد کردند همچنین فیلم های بیلی وایلدر و تای گارنت و گوستاوو گاوراس نمونه ای دیگر از رویکرد بازنمایی هیولای کمونیسم توسط رسانه های ایالات متحده و هالیوود محسوب می گردد

رسانه ها امروزه نقش عمده ای را در جهان سیاست خصوصاً تصمیم گیری سیاست خارجی کشورها ایفا می کند. پس از پایان جنگ سرد و تغییر ساختار جهانی قدرت، رسانه ها نیز در پی انقلاب ارتباطات و اطلاعات تحولاتی را پشت سر گذاشته اند به گونه ای که نقش آن ها نیز در حوزه سیاست و روابط بین الملل دستخوش تغییر شده است. (حاجی مینه، ۱۳۹۳: ۱)

البته این تمام ماجرا نیست رسانه ها در خدمت سیاست گاه ها فراتر از این اقدامات فعالیت نموده و نقش مهمی در بازنمایی و ساخت واقعیت های جدید به نفع دولت یا کنشگران مورد حمایت خود بازی میکنند تا جایی که از منظر بسیاری از صاحب نظران و متفکران پست مدرن از جمله ژان بودریار رویداد هایی همچون رسوایی واتر گیت، جنگ خلیج فارس و یا حتی جنگ ویتنام مورد بازنمایی و شبیه سازی قرار گرفته اند. و واقعیت هرگز آنچه که منعکس شده است نبوده (منصوریان، ۱۳۹۲: ۶۴)

از دیگر مثال های بازنمایی می توان به سیاست گذاری رسانه ای آمریکا اولاً در باب اسلام هراسی و سپس علیه روسیه با استفاده از هالیوود با هدف روسیه هراسی و نوعی جنگ سرد نوین اشاره کرد که در ادامه درمورد

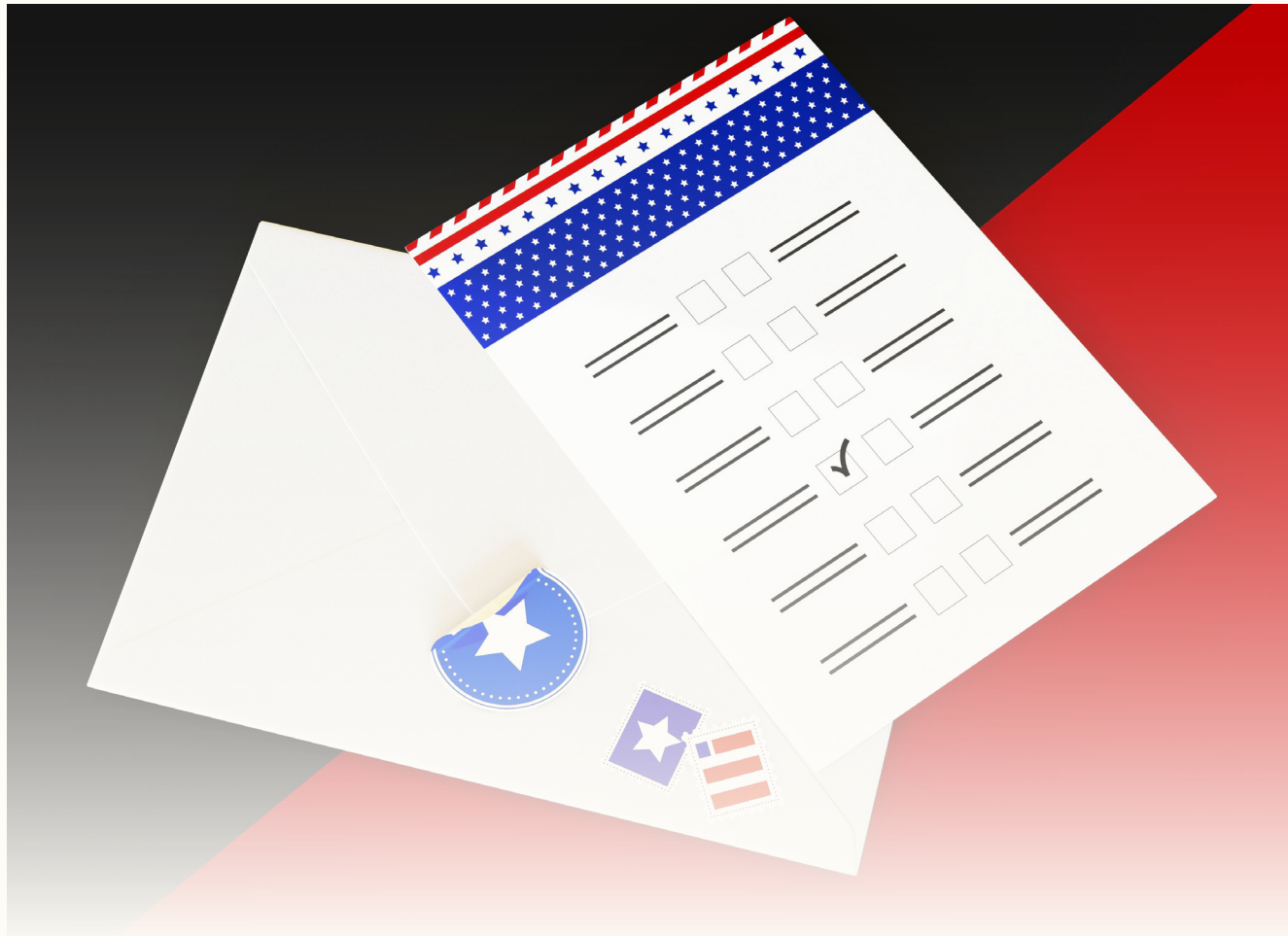
و پایگاه های اینترنتی و شبکه های اجتماعی. لازم به ذکر است رسانه ها، همچنین از منظری دیگر و به اعتباری دیگر، کاربردی دوگانه دارند: هم به عنوان یک «رسم» و هم به عنوان یک «فعالیت» رسانه های گروهی، هم اطلاعات میدهند و هم سرگرم می کنند و چشم اندازهای تازه ای از دنیای اطراف را در معرض دید ما می گذارند. اما کاربرد رسانه ها به عنوان یک «رسم» است که به زندگی روزمره شکل می دهد؛ گوش دادن به اخبار، فقط برای اطلاع از خبرها نیست، بلکه برای دانستن ساعت دقیق هم هست یا وقتی روزنامه صبح به موقع نمی رسد، عصبانی شدن خواننده روزنامه به دلیل اطلاع نیافتن از محتویات و مطالب آن نیست بلکه به این دلیل است که نبودن آن، کل روال صبحانه خوردن او را تغییر می دهد در این حالت، رسانه به عنوان امتداد هستی و وجود فرد تعریف می شود و او همواره خود را در رسانه و رسانه را در خود احساس میکند (تاجیک، ۱۳۸۷: ۵۶)

#### ۳- رویکرد سیاسی رسانه ها

سیاست با هر تعریفی در تعامل با اطلاعات و رسانه های ارتباطی خواهد بود. چیستی و چگونگی فرآیند ها و ساخت های سیاسی تحت تاثیر ارتباطات و اطلاعات و فناوری های مربوط به آن بوده و نیز بر آنها تاثیر میگذارد. یک سویه یا دو سویگی فرآیند ارتباطات در هرم قدرت نیز به ترتیب با ایجاد و فعالیت حکومت آمرانه یا دموکراتیک تناسب دارد. حکومت ها نیز سعی می کنند با بهره گیری از فناوری های ارتباطی حاکمیت خویش را تحکیم می بخشند و مشروعیت حاکمان و سیاست هایشان را در افکار عمومی شهروندان محک می زنند. (ابوالحسنی، بابایی، ۱۳۹۰: ۵)

همانطور که پیش تر در بخش های آغازین مقاله اشاره شد رسانه ها پس از جذب مخاطب و مورد توجه قرار گرفتن توسط کنشگران سیاسی بازیگر جدید وادی سیاست بوده اند از مثال های متعدد این مسئله می توان به نقش مهم رسانه در طول جنگ سرد اشاره کرد که با وجود مرز های فیزیکی که تحت کنترل و تدابیر امنیتی شدید بودند به گونه ای میتوانست تا





فاکس نیوز به بازار کابلی آن وارد شده در میزان کسب رای جمهوری خواهان در این شهرها ارتباط مستقیم و سهم داشته است (بابایی، ابوالحسنی، ۱۳۹۰: ۸-۱۰)

شرکت خبری فاکس، یکی از مهمترین رسانه های آمریکایی است فاکس به دلیل رابطه تنگاتنگ با گروه های جمهوری خواه، در بحث های رسانه ای، در شمار رسانه های جهت گیر قرار میگیرد (آزادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۳)

نکته قابل توجه در خصوص انتخابات ۲۰۲۰ نرخ بالای مشارکت (۶۳ درصد) و همچنین رکورد هردو نامزد در تعداد آرا حتی نامزد مغلوب از برنده انتخابات دوره های پیشین موفق به اخذ آرای بیشتری شده بود که در نوع خود قابل توجه است. (ابراهیمیان و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۴۰)

با علم بر این موضوعات حال می توان مثالهایی از فعالیت های این دو شبکه پیرامون انتخابات ۲۰۲۰ ارائه کرد سی ان ان بیشتر در تلاش بود تا با حمله و وارد کردن هجمه علیه شخصیت دونالد ترامپ بیشتر مردم را قانع کند که چنین شخصی مناسب میند ریاست

عمومی را در انتخاب نامزد حزب رقیب عوض کند و یا با برجسته سازی به مانور خبری بپردازد لازم به ذکر است در تمام این عوامل امکان رخ دادن بازنمایی و حتی شبکه ای از بازنمایی که منجر به همان پدیده فراواقعیت بودریار می شود وجود دارد.

اثر فاکس نیوز: در سال ۲۰۰۶ میلادی دو اقتصاد دان به نام های استفانو دلا ویگنا و ایتان کاپلان نتایج پژوهشی را منتشر کردند که در آن نشان داده شد چگونه گسترش پوشش یک شبکه تلویزیونی خاص می تواند بر جهت گیری سیاسی افراد آن منطقه به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری تاثیر بگذارد نویسندگان این پژوهش در واقع تاثیر جهت گیری رسانه را بر نوع رای دهی بررسی کردند آنها نشان دادند رابطه ای مهم بین تغییر در فضای رسانه ای آمریکا یعنی گسترش جغرافیایی پوشش کابلی فاکس نیوز بین سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ و افزایش میزان دسترسی آن با نوع رفتار رای دهی افرادی وجود داشته است که در معرض این تلویزیون قرار گرفته اند. بررسی آنها نشان داد این شبکه تا سال ۲۰۰۰ در ۹ هزار و ۲۵۶ شهر که در آن شبکه

اثر سی ان ان : شبکه خبری تلویزیونی بین المللی ۲۴ ساعته شبکه خبری کابلی سی ان ان تأثیر عمده ای بر اجرای سیاست خارجی ایالات متحده در اواخر دوره جنگ سرد داشت رقبای صنعتی بعدی آن تأثیر مشابهی در دوران پس از جنگ سرد داشته اند مانند سقوط کمونیسم در اروپای شرقی و اولین جنگ خلیج فارس. یکی از مهم ترین نقد ها بر آمار ارائه شده و مستند در خصوص سی ان ان آن است که فعالیت های آن معمولاً در بعد سیاست خارجی قابل بررسی است نه سیاست داخلی

برخی صاحب نظران بر این باورند که رسانه ها امروز بعضاً سریع تر از کارگزاران عرصه سیاست به موضوعات سیاسی می پردازند و اهمیت آن را برای جامعه بازگو می کنند ( یا حداقل اهمیتی که می خواهند مردم بپذیرند) اثر سی ان ان یکی از نمونه های متاخر تاثیر گذاری رسانه است که این تاثیر گذاری را در سه مقوله دسته بندی می کنند

#### ۱-عامل شتاب زا ۲-عامل بازدارنده ۳-عامل برجسته ساز

با نگاهی به این سه عامل می توان فعالیت های این شبکه خبری را در حوزه انتخابات مورد بررسی قرار داد که چگونه با استفاده از کمپین های تبلیغاتی تلاش میکند تا مردم را برای رای دادن به نامزد حزب دموکرات ترغیب نماید یا با عامل بازدارنده نظر اذهان

چند سال اخیر پنجاه و نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا یعنی انتخابات سال ۲۰۲۰ میان دونالد ترامپ نامزد حزب جمهوری خواه و جو بایدن نامزد حزب دموکرات می باشد. این انتخابات از جهات بسیاری حائز اهمیت بود که این مسئله موضوع مورد بحث ما نمی باشد. یکی از مهم ترین عوامل و بازیگران این رویداد رسانه ها بودند که فعالیت ها و مواضع جالب توجهی پیش از انتخابات، در حین برگزاری و پس از اعلام نتایج و پایان انتخابات اتخاذ نمودند به دلیل تعدد رسانه های ایالات متحده و در عین حال خلاصه شدن حوزه فعالیت اغلب آنها در طرفداری از یکی از دو حزب مهم و اصلی در ایالات متحده به بررسی گرایش دو رسانه پر بیننده این کشور خواهیم پرداخت یعنی فاکس نیوز (FOX NEWS) و سی ان ان (CNN)

فاکس نیوز با توجه به تاریخچه و فعالیت های خود معمولاً به عنوان یک شبکه خبری محافظه کار و مورد حمایت حزب جمهوری خواه شناخته می شود این شبکه اغلب نقد های دموکرات ها را کاهش می دهد و دیدگاه های محافظه کارانه را ترویج می کند در نقطه مقابل سی ان ان مورد حمایت حزب دموکرات بوده و کاملاً در نقطه مقابل فاکس نیوز قرار دارد. (smith, ۲۰۱۹: ۸)





جمهوری امریکا نیست و در وهله دوم به دنبال امار و ارقام و نقاط ضعف ترامپ در دوره پیشین ریاست وی بود این درحالی بود که فاکس نیوز پاسخ‌های مناسب و درخوری برای انتقاد از عملکرد ترامپ در اختیار داشت در حالی که در خصوص هجمه‌های وارد شده علیه شخص وی عملاً سیاست سکوت کردن را اتخاذ کرد که بنظر می‌آید سیاست مطلوبی نبوده. (www.adnel.co)

عملکرد رسانه‌های جریان اصلی در قبال دوئل ترامپ - بایدن رویکرد رسانه‌های حامی دو جریان عمده آمریکا در قبال انتخابات این کشور را شاید بتوان در سه مرحله مورد بررسی قرار داد:

نخست؛ یک رویکرد به ایام انتخابات و قبل از اعلام نتایج این رویداد باز می‌گردد. حمایت از نامزد حزب متبوع، طبق رویکرد سنتی رسانه‌های حامی دو جریان، و البته پشت پرده مالکان و سیاستگذاران این رسانه‌ها (به نوعی سنت جنگ قدرت میان رسانه‌ها) پیگیری شد. اما آنچه که در رسانه‌های عمده آمریکایی نظیر فاکس نیوز، سی ان ان، سی بی اس و ان بی سی به چشم می‌خورد، بیشتر استفاده از کارشناسان و تحلیلگران در بیان حمایت‌ها بود. به نوعی این تقابل به صورت کارشناسی در این رسانه‌ها به چشم می‌خورد دوم؛ پیشتر برخی ناظران، رقابت رسانه‌های حامی دو جریان عمده در اعلام نتایج انتخابات را چالشی برای جامعه آمریکا و رسانه‌های این کشور قلمداد می‌کردند، اما آنچه که رخ داد جالب توجه است. رسانه‌ها در اعلام نتایج، رقابت چالش برانگیزی از خود به نمایش نگذاشتند. همچنانکه اعضای ارشد دو رسانه مطرح فاکس نیوز و سی ان ان در روزهای منتهی به اعلام نتایج، تاکید کردند «ما رسانه‌ها، در اعلام نتایج انتخابات مسابقه نخواهیم داد؛ این کار به ضرر همه ماست.» استناد رسانه‌ها به کمیسیون انتخابات، تا جایی مشهود بود که فاکس نیوز رسانه حامی ترامپ نیز همپای سی ان ان با اعلام مرحله به مرحله شمارش آرا و پیشتازی بایدن یا ترامپ در ایالت‌های مختلف، نهایتاً بایدن را به عنوان پیروز انتخابات معرفی کرد. حتی نخستین رسانه‌هایی بود که بایدن را دارای ۲۹۰

رأی اکثرال اعلام کرد؛ رویکردی که گاهی با انتقاد تیم انتخاباتی نامزد جمهوری خواهان نیز مواجه بود. و سوم رفتار رسانه‌ها بعد از اعلام نتایج برای مثال قطع سخنرانی ترامپ هنگام ادعای تقلب در کنفرانس خبری از سوی شبکه‌های مهم خبری هر دو جریان (گرچه بعد ها فاکس نیوز به دلیل دامن زدن و نشر اکاذیب درخصوص چند شرکت صاحب دستگاه‌های اخذ رای به دلیل تخلف در انتخابات متحمل غرامت و جریمه گزافی شد) و از سوی دیگر استناد به نتایج کمیسیون ایالت‌ها بعد از ادعای تقلب در انتخابات حتی از سوی فاکس نیوز، گویای این مطلب است که رسانه‌های رسمی (احتمالاً در برابر ادعاهای ضدامنیت ملی ترامپ) تابع سیاست مشخصی هستند. این رویکرد در رسانه‌های اصلی این کشور در شرایطی که این کشور خود را مهد

آزادی اطلاعات و اطلاع‌رسانی می‌داند، به معنای آن است که در پروتکل‌های حرفه‌ای کار رسانه‌ای، آنچه باید بیش از هر چیز مطمح نظر قرار گیرد، تلاش برای حفظ انسجام داخلی، حمایت از ساختارهای قانونی و پرهیز از تهییج افکار عمومی جهت تحقق اهداف سیاسی است. این رویکرد نشان می‌دهد نه رسانه‌ها رعایت این پروتکل‌ها را مخالف با آزادی و شفافیت می‌دانند و نه افکار عمومی آنها را در نقش برهم زننده ساختارها دانسته و می‌خواهند. (kayhan.ir)

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث پیش تر گفته شده رسانه‌ها در عصر حاضر ارتباط تنگاتنگی با سیاست دارند و بر آن تاثیر می‌گذارند این مهم پس از بررسی رسانه‌ها و واکنش و ارتباط آن‌ها با روند‌های سیاسی به طور

خاص انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا رفتار و تاثیر رسانه در آن مشخص شده است. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش بودیم که رسانه‌های ایالات متحده چه نقشی بر انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ این کشور داشتند و تا چه حد در نتیجه آن تاثیر گذار بودند؟ ابتدا به بررسی رسانه و بازنمایی‌های آن در ابعاد مختلف پرداختیم که چگونه فراواقعیت‌ها را شکل می‌دهند سپس به فعالیت و نقش و تاثیر رسانه‌های ایالات متحده مخصوصاً فاکس نیوز و سی ان ان در انتخابات ۲۰۲۰ پرداخته شد و در سه بازه زمانی پیش از انتخابات، در زمان برگزاری انتخابات و پس از اعلام نتایج و روشن شدن نتیجه بررسی شد و می‌توان گفت حضور رسانه در روند سیاسی همچون انتخابات آمریکا فارغ از تاثیری که با فعالیت‌های رسانه در پرتو بازنمایی می‌گذارند و ممکن است کفه ترازو را به سمت نامزد مورد نظر خود سنگین کنند یا با طرح سیاست گذاری غلط موجب شکست نامزد مورد نظر خود شوند (مانند شکستی که برای دونالد ترامپ رخ داد و در مقابل پیروزی بایدن) باعث می‌شود تا با تکرار و مورد بحث قراردادن این مسئله زمینه مشارکت هرچه بیشتر مردم را فراهم نموده گرچه ممکن است این مشارکت به دلیل واقعیت‌های وانموده و نه به دلیل حقایق شکل بگیرد اما از نظر شکلی آماری به نوعی قابل توجه می‌باشد. در مسیر جمع‌آوری اطلاعات و کسب نتایج مطلوب مهم‌ترین مشکل پیش روی محققان در واقع محدودیت منابع مورد نظر بود که دلیل عمده آن موضوع پژوهش و بازه زمانی مورد بررسی در این پژوهش بود.

### منابع

حاجی مینه، رحمت. (۱۳۹۳). « بررسی نقش رسانه‌ها در روابط بین الملل؛ کارگزاران دولتی یا بازیگران بین المللی». نشریه مطالعات میان فرهنگی، شماره ۲۳، زمستان، صص ۱۰۳-۱۱۳  
پرهیزکار، غلامرضا. (۱۳۸۹). «واقعیت رسانه و توده در حاد واقعیت بودریار» نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره چهارم، پاییز، صص ۲۰۰-۱۷۹





# تقاطع سیاست های ترامپ و صنعت نفت ایران



علیرضا بهین راد

اعمال تعرفه‌ها یا تحریم‌ها بدون پرداختن به مسائل ساختاری زیربنایی، اغلب منجر به پیامدهای ناخواسته می‌شود. به عنوان مثال، در حالی که ترامپ تلاش کرد عدم توازن تجاری آمریکا و چین را از طریق تعرفه‌ها کاهش دهد، چنین اقداماتی تنها باعث انتقال تولید به دیگر اقتصادهای کم‌دستمزد شد، بدون آنکه مشکل اصلی را حل کند. به طور مشابه، اعمال مجدد تحریم‌ها بر ایران پس از خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۲۰۱۸، توانایی ایران را برای صادرات جهانی نفت به شدت محدود کرد. این تحریم‌ها صادرات نفت ایران را مختل کرده و کشور را وادار به یافتن بازارها و سازوکارهای قیمتی جایگزین کرد [۱].

## لغو سیاست‌های زیست محیطی ترامپ و پیامدهای آن برای ایران

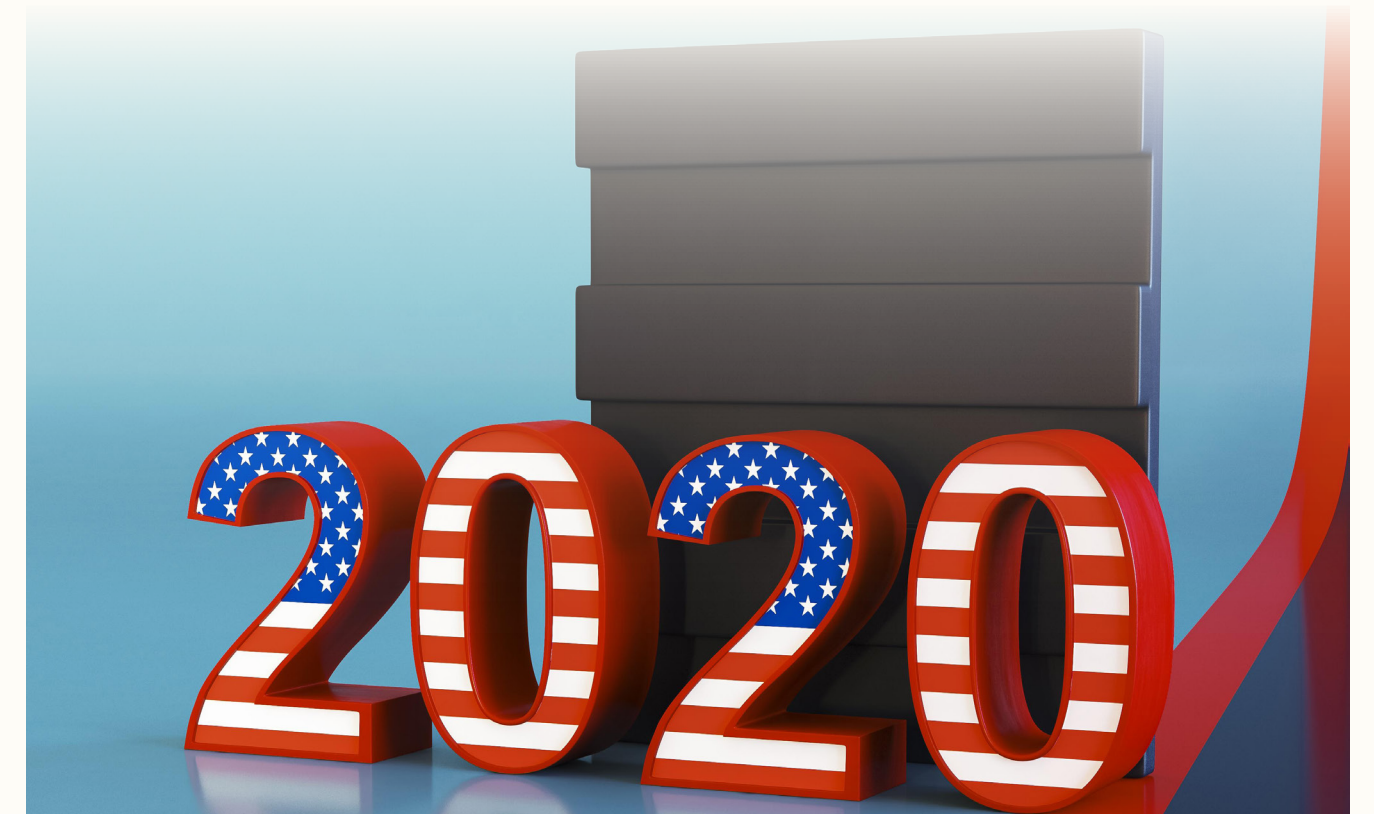
یکی از اقدامات بحث‌برانگیز ترامپ، تصمیم به خروج ایالات متحده از توافق‌نامه اقلیمی پاریس بود. پژوهش ایوان دیاز-راینی و همکاران (۲۰۲۰) تحت عنوان ترامپ در برابر پاریس: تأثیر سیاست‌های اقلیمی بر بازده و نوسانات شرکت‌های نفت و گاز آمریکا نشان می‌دهد که امضای توافق پاریس تأثیر منفی بر کل بخش نفت و گاز، به ویژه شرکت‌های فعال در حوزه اکتشاف و حفاری، داشته است. از سوی دیگر، پیروزی ترامپ در انتخابات و خروج او از این توافق، نتایج متفاوتی به همراه داشت؛ به گونه‌ای که برخی زیربخش‌ها سود بردند، در حالی که برخی

چشم‌انداز انرژی جهانی و روابط بین‌الملل در سال‌های اخیر، به ویژه تحت تأثیر دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. این مقاله سیاست‌های ترامپ را به طور انتقادی بررسی کرده و بر پیامدهای آن برای صنعت نفت ایران و جایگاه ژئوپلیتیکی گسترده‌تر آن تمرکز دارد. با استفاده از یافته‌های پژوهشی و تحلیل‌های سیاست‌گذاری، این مقاله راهبردهایی را برای ایران جهت مقابله مؤثر با اقدامات تحمیلی یک‌جانبه ترامپ و حفظ منافع ملی خود ارائه می‌دهد.

## سیاست‌های اقتصادی ترامپ و تأثیر آن بر تجارت جهانی

دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ با موضع‌گیری تهاجمی در برابر عدم توازن تجاری، به ویژه با چین، همراه بود. بر اساس پژوهش جاستین ییفو لین (۲۰۱۸) تحت عنوان اقتصاد ترامپ و عدم توازن تجاری چین و آمریکا، کسری تجاری ایالات متحده عمدتاً ناشی از چین نیست، بلکه به تغییرات ساختاری در مزیت‌های نسبی اقتصادهای شرق آسیا مربوط می‌شود. به طور مشخص، تولیدات کاربر از سایر کشورهای شرق آسیا به چین منتقل شد که بخشی از تکامل طبیعی اقتصاد است. با این حال، تمرکز ترامپ بر تعرفه‌ها و اقدامات حمایتی، عدم قطعیت گسترده‌ای را در روابط تجاری جهانی ایجاد کرد. اگرچه این مطالعه مستقیماً به ایران اشاره نمی‌کند، اما نکته مهمی را برجسته می‌سازد:

اسماعیلی، بشیر؛ ملائکه، سید حسن. (۱۳۹۷). «سیاست گذاری رسانه رسانه‌ای آمریکا علیه روسیه؛ هالیوود، جنگ سرد نوین و احیای روسیه هراسی» نشریه تحقیقات سیاسی و بین الملل، شماره ۳۶، پاییز، صص ۷۵-۱۰۰  
عطارزاده، مهدی؛ جمالی، مریم و ضیمران، محمد. (۱۴۰۰). «واقعیت مجازی و جلوه‌های ویژه در سینما با رویکرد ژان بودریار، در وضعیت حاد واقعی» نشریه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۴۳، صص ۴۱۰-۳۹۹  
همایونفر، راشنو؛ مصطفوی، شمس الملوک و اردلانی، حسین. (۱۴۰۱). «تحلیل هنر تعاملی بر اساس نظریه فراواقعیت بودریار؛ مطالعه موردی: چیدمان تعادلی دیجیتال» فصلنامه کیمیای هنر، شماره ۴۴، پاییز، صص ۷-۲۲  
تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۷). «رسانه و بحران در عصر فراواقعیت (با تأکید بر بحران هویت)» نشریه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۱۵، صص ۹۳-۷۰  
منصوریان، سهیلا. (۱۳۹۲). «هنر و حقیقت رسانه در روزگار پست مدرن» فصلنامه کیمیای هنر، سال دوم، شماره هشتم، پاییز، صص ۷۱-۵۹  
ابراهیمیان، لیلیا و دیگران. (۱۴۰۱). «شبکه‌های اجتماعی و مدیریت رفتار جامعه با تأکید بر انتخابات ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ آمریکا از دیدگاه صاحب نظران» فصلنامه علمی جامعه، فرهنگ و رسانه، سال یازدهم، شماره ۴۴، پاییز، صص ۲۵۹-۲۳۸  
دهبانی پور، رضا؛ خرم پور، یاسین. (۱۳۹۵). «بررسی مولفه‌های پست مدرنیسم و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: جوانان شهر یزد)» فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۴، بهار، صص ۷۷-۵۳  
ابوالحسنی، سید رحیم؛ بابایی، محمد. (۱۳۹۰). «رویکردی نظری به رابطه رسانه و سیاست» فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان، صص ۲۲-۱۰  
حسینی، سید حسن. (۱۳۹۰). «فلسفه رسانه چیست؟» نشریه مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۵۰-۱۲۳  
U.S ۲۰۲۰ Analyzing voter behavior on social media during the Belcastro.louis and other presidential election campaign» NIH national library of medicine  
www.adnel.co  
kayahan.ir





دیگر متضرر شدند. جالب توجه است که تولیدکنندگان داخلی غیر بورسی بیشترین سود را بردند، در حالی که شرکت‌های بورسی با افزایش نوسانات ناشی از عدم قطعیت در سیاست‌های اقلیمی مواجه شدند [۲، ۳]. برای ایران، لغو مقررات زیست‌محیطی توسط ترامپ هم فرصت‌هایی ایجاد کرد و هم تهدیدهایی به همراه داشت. از یک سو، کاهش نظارت‌های زیست‌محیطی در آمریکا می‌توانست منجر به افزایش رقابت در بازارهای سوخت‌های فسیلی شده و قیمت‌های جهانی را تحت فشار قرار دهد. از سوی دیگر، کنار گذاشتن ایران از توافق‌های بین‌المللی مانند توافق پاریس- به دلیل تحریم‌های آمریکا- مشارکت آن در مباحث جهانی پیرامون انرژی پایدار را محدود کرد. این انزوا، تلاش‌های ایران را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در فناوری‌های سبز و تنوع‌بخشی به سبد انرژی خود دشوار ساخت.

### کمپین انتخاباتی ترامپ و صنعت نفت

در آستانه رقابت انتخاباتی ۲۰۲۰، ترامپ به‌طور جدی به دنبال حمایت صنعت نفت بود (شکل ۱) و وعده داد که در صورت انتخاب مجدد، بسیاری از سیاست‌های زیست‌محیطی جو بایدن را لغو خواهد کرد. گزارشی

از جاش داوسی در واشنگتن‌پست تحت عنوان ترامپ از مدیران نفتی ۱ میلیارد دلار کمک مالی درخواست کرد و وعده محدودسازی خودروهای برقی را داد نشان می‌دهد که ترامپ از مدیران شرکت‌های نفتی درخواست تأمین مالی کرده و در ازای آن متعهد شده است که مقررات زیست‌محیطی را کاهش دهد. از جمله وعده‌های کلیدی او، برداشتن محدودیت‌های صادرات گاز طبیعی مایع (LNG) و گسترش قراردادهای اجاره‌ای برای حفاری‌های فراساحلی در خلیج مکزیک بود.

این اقدامات تعهد ترامپ به اولویت‌بخشی به منافع سوخت‌های فسیلی بر نگرانی‌های زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. در حالی که این سیاست‌ها ممکن است به‌طور موقت سودآوری شرکت‌های نفتی آمریکا را افزایش دهد، اما در عین حال خطر تشدید گرمایش جهانی و تضعیف همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تغییرات اقلیمی را نیز به همراه دارد [۴]. برای ایران، این رویکرد یک شمشیر دو لبه است: از یک سو، بر وابستگی جهانی به منابع انرژی سنتی تأکید دارد که با اولویت‌های ایران همسو است، اما از سوی دیگر، وابستگی جهانی به سوخت‌های فسیلی را تداوم می‌بخشد و گذار به منابع انرژی پاک‌تر را به تأخیر می‌اندازد-انتقالی که در درازمدت می‌تواند برای ایران

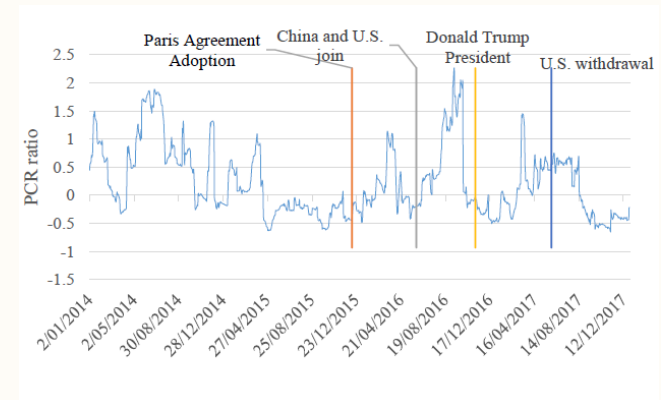


شکل ۱. دونالد ترامپ در کنار جیف بورگوم فرماندار ایالت نورث داکوتا و عضو حزب جمهوری‌خواه که رهبر توسعه‌ی سیاست انرژی ترامپ در حال حاضر است [۴].

سودمند باشد.

### تضعیف تلاش‌های ضد فساد توسط ترامپ

یکی دیگر از جنبه‌های مهم سیاست‌های انرژی ترامپ، لغو ابتکارات ضد فساد در صنعت نفت بود. مطابق با گزارشی در نیویورکر تحت عنوان دولت ترامپ تلاش‌های ضد فساد در صنعت نفت را تضعیف می‌کند (۲۰۱۷)، دولت ترامپ قانون «کاردین-لوگار» را لغو کرد که شفافیت پرداخت‌های صنایع استخراجی به دولت‌های خارجی را الزامی می‌کرد. علاوه بر این، ایالات متحده از «ابتکار شفافیت صنایع استخراجی» (EITI) خارج شد، که استانداردهای جهانی برای پاسخگویی در مدیریت منابع را تضعیف کرد (شکل ۲) [۵]. این عقب‌نشینی از شفافیت، خطراتی را برای ایران ایجاد می‌کند، در غیاب چارچوب‌های بین‌المللی قوی برای ترویج حکمرانی اخلاقی، احتمال افزایش فساد و سوءمدیریت منابع بیشتر می‌شود. علاوه بر این، فقدان شفافیت، اعتماد بین ایران و شرکای بین‌المللی بالقوه را کاهش داده و تلاش‌های کشور را برای جذب سرمایه‌گذاری و همکاری‌های لازم جهت نوسازی زیرساخت‌های خود پیچیده‌تر می‌سازد.



شکل ۲. نسبت مجموع اختیار فروش به اختیار خرید با وزن دهی بر اساس ارزش برای شرکت‌های یکپارچه غیر آمریکایی [۵].

### ملی‌سازی صنعت نفت ایران: زمینه تاریخی و پیامدهای مدرن

تحقیقات مهدوی (چرا رهبران صنعت نفت را ملی می‌کنند؟ سیاست‌های مصادره منابع، ۲۰۱۴) بینش‌های ارزشمندی درباره پویایی ملی‌سازی ارائه می‌دهد و درس‌های مرتبطی

برای وضعیت کنونی ایران دارد. مهدوی استدلال می‌کند که رهبران برای حداکثرسازی درآمدهای دولتی و حداقل‌سازی هزینه‌ها، از جمله واکنش‌های بین‌المللی و محدودیت‌های سیاسی داخلی، اقدام به ملی‌سازی می‌کنند. بر اساس داده‌های تاریخی، او سه عامل اصلی را در بروز ملی‌سازی شناسایی می‌کند:

۱. **قیمت‌های بالای نفت:** ملی‌سازی‌ها در دوره‌هایی که قیمت نفت بالاست و مزایای مالی از ریسک‌های مصادره بیشتر است، محتمل‌تر هستند.
  ۲. **انتشار فراملی ملی‌سازی:** ملی‌سازی‌ها معمولاً به‌صورت موجی اتفاق می‌افتند، زیرا پس از اقدام کشورهای دیگر، احتمال واکنش‌های بین‌المللی کاهش می‌یابد.
  ۳. **ملی‌گرایی منابع:** درک ناعادلانه بودن ترتیبات تقسیم درآمد میان دولت‌های میزبان و شرکت‌های خارجی احتمال ملی‌سازی را افزایش می‌دهد.
- ملی‌سازی شرکت نفت انگلیس و ایران (AIOC) در سال ۱۹۵۱ نمونه‌ای از این پویایی‌هاست. مهدوی خاطرنشان می‌کند که احساس ناعدالتی در تقسیم درآمد میان ایران و بریتانیا نقش مهمی در تصمیم‌گیری برای ملی‌سازی ایفا کرد [۶].

### پاسخ‌های راهبردی ایران

برای مقابله مؤثر با سیاست‌های ترامپ و حفاظت از منافع حیاتی خود، ایران باید یک رویکرد چندجانبه را در پیش بگیرد که شامل تعاملات دیپلماتیک، تنوع‌بخشی اقتصادی و نوآوری‌های فناورانه باشد.

#### ۱. تقویت اتحادهای منطقه‌ای

یکی از مؤثرترین راه‌های مقابله با تحریم‌های آمریکا، تعمیق روابط با کشورهای همسایه و قدرت‌های منطقه‌ای است. همکاری‌های مشترک در حوزه‌هایی مانند توسعه خطوط لوله، پروژه‌های پالایشگاهی و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی می‌تواند دسترسی ایران به بازارهای جدید را افزایش داده و جریان‌های درآمدی را متنوع کند. برای مثال، همکاری با چین از طریق ابتکار کمربند و جاده (BRI) پتانسیل قابل‌توجهی برای گسترش تجارت و جریان سرمایه‌گذاری دارد [۷].

۱ Anglo-Iranian Oil Company

۲ Belt and Road Initiative



علاوه بر این، تعامل با مؤسسات مالی غیرغربی، مانند بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا (AIIB<sup>۳</sup>)، می‌تواند جایگزین مناسبی برای سیستم‌های بانکی غربی فراهم کند. این مؤسسات اغلب پروژه‌های توسعه‌محور را در اولویت قرار می‌دهند که با اهداف بلندمدت ایران همخوانی دارد [۸].

## ۲. بهبود حکمرانی داخلی و شفافیت

بهبود حکمرانی و ترویج شفافیت در صنعت نفت ایران برای جلب اعتماد شرکای بین‌المللی ضروری است. اگرچه ترامپ در آمریکا برخی از اقدامات ضدفساد در صنعت نفت را لغو کرد، ایران می‌تواند با اجرای بهترین شیوه‌های مدیریت منابع، خود را از این روند متمایز کند. اجرای اصلاحاتی مبتنی بر اصول ابتکار شفافیت صنایع استخراجی (EITI<sup>۴</sup>)—حتی بدون عضویت رسمی—می‌تواند تعهد ایران به شفافیت را نشان دهد [۹]. این اقدامات موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و جذب سرمایه‌های خارجی موردنیاز برای نوسازی زیرساخت‌های کشور خواهد شد.

## ۳. سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر

با توجه به تمرکز جهانی بر انرژی‌های پایدار، ایران باید در فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کند تا رقابت‌پذیر باقی بماند. تحقیقات پاشا مهدوی بر اهمیت سازگاری با تقاضای جهانی و تضمین توزیع عادلانه درآمد تأکید دارد (مهدوی، ۲۰۱۴).

با توسعه نیروگاه‌های خورشیدی، بادی و تولید هیدروژن، ایران می‌تواند خود را به‌عنوان یک پیشگام در تولید انرژی پاک مطرح کند، حمایت‌های بین‌المللی را جذب کرده و وابستگی خود را به بازارهای نفتی بی‌ثبات کاهش دهد. همچنین، همکاری‌های بین‌المللی در زمینه توسعه فناوری‌های سبز می‌تواند به کاهش انزوای ایران کمک کرده و حسن نیت میان شرکای جهانی را تقویت کند.

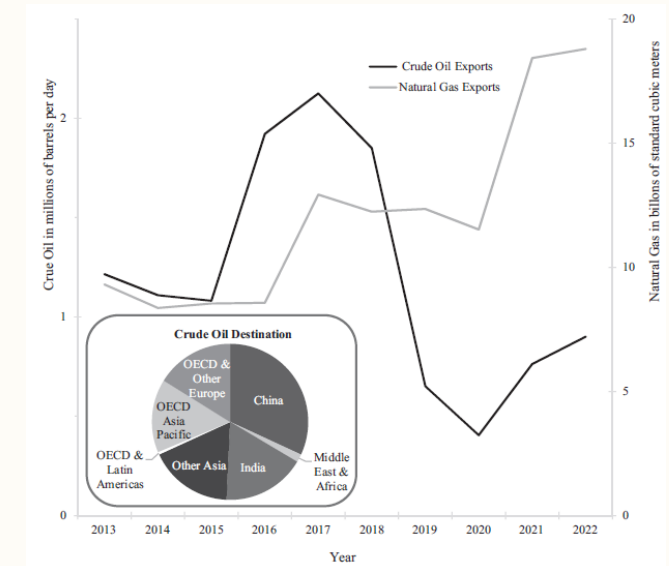
## ۴. توسعه بازارهای صادراتی جایگزین

برای جبران زیان‌های ناشی از تحریم‌های آمریکا، ایران باید به‌طور فعال به دنبال بازارهای صادراتی جدید در خارج از حوزه‌های سنتی باشد. ایجاد روابط تجاری قوی‌تر با کشورهای جنوب آسیا، آسیای جنوب شرقی و آفریقا می‌تواند مسیرهای جدیدی را برای صادرات نفت ایران فراهم کند. علاوه بر این، بهره‌گیری از روش‌های

قیمت‌گذاری نوآورانه، مانند توافقات تهاثری یا معاملات مبتنی بر رمزارز، می‌تواند تجارت را با وجود محدودیت‌های ژئوپلیتیکی تسهیل کند. همچنین، تقویت توافقات دوجانبه با کشورهایی مانند هند و ترکیه می‌تواند موقعیت ایران را در بازارهای انرژی جهانی مستحکم‌تر کند. این مشارکت‌ها علاوه بر تأمین منافع اقتصادی کوتاه‌مدت، حضور راهبردی ایران را در مناطق کلیدی تقویت می‌کنند.

## ۵. استفاده از دیپلماسی

ایران باید تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای تعامل سازنده با قدرت‌های جهانی افزایش دهد. مشارکت در گفتگوهای چندجانبه و مجامع بین‌المللی می‌تواند تصورات جهانی را نسبت به ایران به‌عنوان یک بازیگر مسئول در حوزه انرژی تغییر دهد، در شکل ۳ شاهد روند صادرات در سالهای مختلف هستیم. ایران می‌تواند با اتحادیه اروپا، که همواره مخالف تحریم‌های آمریکا بوده است، همکاری کند. این تعاملات می‌تواند منجر یافتن چارچوب‌هایی برای حل اختلافات شود که تعهد ایران را به حل مسالمت‌آمیز منازعات تقویت می‌کند [۱۰].



شکل ۳. صادرات هیدروکربنی ایران و مقصد نفت خام (۲۰۱۳-۲۰۲۲). منبع: داده‌های استخراج‌شده از اوپک (۲۰۲۳) [۱۰].

## پرداختن به آسیب‌پذیری‌های اقتصادی

سیاست‌های ترامپ آسیب‌پذیری‌های اقتصادی ایران را با محدود کردن دسترسی به بازارها و سیستم‌های مالی جهانی تشدید کرد. برای مقابله با این اثرات، ایران باید بر

سه حوزه کلیدی تمرکز کند:

- **تنوع‌بخشی اقتصادی:** کاهش وابستگی به صادرات نفت مستلزم سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند تولید، کشاورزی و فناوری است. توسعه صنایع با ارزش افزوده می‌تواند اشتغال ایجاد کرده و منابع درآمدی جایگزین را فراهم کند.
- **نوآوری تکنولوژیکی:** سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته استخراج و بهبود کارایی عملیاتی می‌تواند رقابت‌پذیری ایران را در بازار جهانی افزایش دهد. استفاده از ابزارهای دیجیتال و خودکارسازی فرآیندها می‌تواند هزینه‌ها را کاهش داده و بهره‌وری را افزایش دهد.
- **تاب‌آوری مالی:** تقویت سیستم‌های مالی داخلی و بررسی استفاده از ارزهای جایگزین برای تجارت بین‌المللی می‌تواند ایران را در برابر تحریم‌ها مقاوم‌تر کند. ارزهای دیجیتال و فناوری بلاک‌چین راهکارهای نوآورانه‌ای برای دور زدن محدودیت‌ها ارائه می‌دهند.

## چالش‌های تحریم‌های ترامپ

اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا علیه ایران تأثیر قابل توجهی بر صادرات نفت آن گذاشت. طبق نظر مهدوی، تحریم‌ها توانایی ایران در جمع‌آوری درآمدها را کاهش داده و قدرت چانه‌زنی آن را در مذاکرات با شرکتهای خارجی تضعیف کرد. برای مقابله با این اثرات، ایران می‌تواند راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهد:

- **مذاکره برای قراردادهای منعطف:** تجدیدنظر در قراردادهای موجود برای کاهش شکاف در تقسیم سود میان ایران و شرکتهای خارجی می‌تواند احتمال ملی‌سازی را کاهش دهد. همان‌طور که یوجین هولمن، رئیس وقت شرکت استاندارد اوپل (نیوجرسی) بیان کرد، شرکت‌های عملیاتی باید بپذیرند که دولت‌های میزبان "به درستی انتظار مشارکت مناسب در درآمدها را دارند" [۱۱].
- **سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین:** سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته استخراج می‌تواند بهره‌وری و رقابت‌پذیری را افزایش داده و به ایران کمک کند تا علیرغم تحریم‌ها سهم خود را در بازار حفظ کند.
- **افزایش آگاهی عمومی:** شفاف‌سازی و ارتباط مؤثر با افکار عمومی می‌تواند حمایت داخلی از راهکارهای

مذاکره‌شده را افزایش دهد و فشار برای ملی‌سازی کامل را کاهش دهد.

## روندهای جهانی و ارتباط آن با ایران

چشم‌انداز جهانی انرژی به سرعت در حال تغییر است که ناشی از پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تغییر ترجیحات مصرف‌کنندگان است. مطالعه لوکاس هرمویل و همکارانش (۲۰۱۸) بررسی می‌کند که چگونه صنعت سوخت‌های فسیلی تحت تأثیر توافق پاریس و انتخاب ترامپ قرار گرفت. در حالی که برخی بخش‌ها از مقررات‌زدایی سود بردند، دیگر بخش‌ها به دلیل افزایش پذیرش انرژی‌های تجدیدپذیر با کاهش تقاضا مواجه شدند [۱۲].

برای ایران، رقابت‌پذیری در این محیط در حال تغییر نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک است. تنوع‌بخشی به منابع انرژی، افزایش بهره‌وری عملیاتی و مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند به ایران در گذار موفق کمک کند. علاوه بر این، استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی خود برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران را در برابر قدرت‌های جهانی افزایش دهد.

## نتیجه‌گیری

سیاست‌های ترامپ چالش‌های جدی برای صنعت نفت ایران ایجاد کرد اما با اتخاذ استراتژی‌های پیشگیرانه مبتنی بر همکاری منطقه‌ای، نوآوری تکنولوژیکی، بهبود حکمرانی، تنوع‌بخشی به بازارها و تعامل دیپلماتیک، ایران می‌تواند این موانع را به‌طور مؤثر مدیریت کند.

تقویت اتحادهای منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و ترویج شفافیت در مدیریت منابع، گام‌های کلیدی برای عبور ایران از پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی معاصر محسوب می‌شوند. در عین حال، پرداختن به آسیب‌پذیری‌های اقتصادی از طریق تنوع‌بخشی و توسعه فناوری، تاب‌آوری طولانی‌مدت در برابر فشارهای خارجی را تضمین می‌کند.

در نهایت، واکنش ایران به سیاست‌های ترامپ باید تعادلی میان بقا در کوتاه‌مدت و رشد در بلندمدت برقرار کند. با به چالش کشیدن اقدامات یکجانبه و تقویت روابط همکاری‌محور با شرکای جهانی، ایران می‌تواند جایگاه خود

۳ Asian Infrastructure Investment Bank

۴ Extractive Industries Transparency Initiative





## چکیده:

یک بلوک جدید با جلب نظر کشورهای کوچکتر از طریق استفاده از قدرت نرم خود و ارائه کمک‌های اقتصادی به این کشور دارد و به عنوان دروازه ای برای دستیابی به سرمایه گذاری های دیگر، مبتنی بر سیاست عملی و به دور از پیشنهاد بوده است. موضوع تحقیق به چین و موازنه های بین المللی در ابعاد مختلف آن، به ویژه مواردی که مربوط به حوزه های مشارکت و اشتراک منافع چینی و بین المللی است، می پردازد. و همچنین ماهیت تعاملات بین آنها در سطح مسائل منطقه ای و بین المللی با در نظر گرفتن نقش محیط بین المللی در تعیین الگوی این رابطه که شاهد تحولاتی در سطح ساختار خود و همچنین در سطح قواعد کنترل کننده آن، با گذار از تضاد بین المللی با بهره گیری از مؤلفه های ایدئولوژیک، فلسفی و سیاسی آن، از دو قطبی به یکجانبه گرایی و تبلور در الگوهای تعامل بین المللی و قواعد حاکم بر آن بوده است. در این چارچوب، الگویی از روابط چندجانبه و دوجانبه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت که با متغیرهایی متفاوت از متغیرهایی که محیط بین المللی در طول دوره های جنگ، فرموله شده است، اداره می شود. در اینجا چین به عنوان یکی از واحدهای سیاسی منتفع از این تغییر در ساختار نظام بین الملل ظاهر شد که باعث شده است، چین موقعیت خود را در محیط بین الملل اصلاح کند و سبک تطبیقی که در سیاست خارجی خود دنبال می کند را کاربردی کند.

موضوع پژوهش حاضر آینده پژوهی تغییر جایگاه چین در نظام بین الملل می باشد. رفتار راهبردی چین در سیاست بین الملل بسیار پیچیده تر از کلیشه های رایج همچون «چالشگر» یا «تجدیدنظرطلب» است. این کشور در نظم هژمونیک در موقعیت چالشگر، در نظم موازنه قدرت به مثابه جستجوگر امنیت و در نظم نهادینه به عنوان بازیگر نظم ساز رفتار کرده است. قاره آسیا به دلیل وزن استراتژیک خود که منجر به رقابت قدرت های بزرگ در مناطق مختلف ژئوپلیتیکی آن شد، متمایز است. انتقال مرکز قدرت به آسیا، چین را وادار کرد تا با گسترش در محیط منطقه ای خود، تلاش کند تا به قطب بین المللی صعود کند. با بهره گیری از پتانسیل ها و شاخص هایی که در این صعود به آن کمک می کند، اما این صعود با مشکلات زیادی مواجه است، از جمله مسائلی که مانع از آن می شود، معضل امنیتی در جنوب آسیا و همچنین جهت گیری اوراسیا در استراتژی روسیه است که بر نفوذ منطقه ای چین تأثیر می گذارد. به ویژه در آسیای مرکزی، علاوه بر نقش ایالات متحده آمریکا در آسیا و توانایی آن در تغییر حرکت موازنه استراتژیک از طریق محورهای امنیتی، توانایی چین برای رویارویی با تحولات جدید در سیاست بین الملل بستگی به نحوه مدیریت روابط خود با قدرت های بزرگ در آسیا و تلاش این کشور برای تشکیل

را به عنوان یک بازیگر برجسته در عرصه انرژی جهانی تثبیت کرده و در عین حال، به ثبات و رفاه منطقه ای کمک کند.

## مراجع:

1. Lin, J.Y. and X. Wang, Trump economics and China-US trade imbalances. Journal of Policy Modeling, 2018. 40(3): p. 579-600.
2. Diaz-Rainey, I., et al., Trump vs. Paris: The impact of climate policy on US listed oil and gas firm returns and volatility. International Review of Financial Analysis, 2021. 76: p. 101746.
3. Galloway, M., Shed a Tier: An Analysis and Critique of Coastal States' Ability to Oppose Trump's 2019-2024 Offshore Oil and Gas Proposal. J. Envtl. L. & Litig., 2020. 35: p. 397.
4. Dawsey, J. and M. Joselow, Trump turns to oil barons to boost his White House bid. The Washington Post, 2023: p. NA-NA.
5. Coll, S., The Trump administration rolls back anti-corruption efforts in the oil industry. New Yorker, 2017.
6. Mahdavi, P., Why do leaders nationalize the oil industry? The politics of resource expropriation. Energy Policy, 2014. 75: p. 228-243.
7. Shariatinia, M. and H. Azizi, Iran and the Belt and Road Initiative: Amid hope and fear, in China's Global Reach. 2020, Routledge. p. 153-163.
8. Weiss, M.A., Asian infrastructure investment bank (AIIB). 2017, Congressional Research Service Washington, DC.
9. Short, C., The development of the extractive industries transparency initiative. Journal of World Energy Law and Business, 2014. 7(1): p. 8-15.
10. Kamel, A.M., The art of the Trump-Iran deal: An unsuccessful coercive foreign policy. Global Policy, 2024. 15(2): p. 234-246.
11. Madureira, N.L., Middle East and the global oil pricing system. 2018: Editorial Académica Española.
12. Hermwille, L. and L. Sanderink, Make fossil fuels great again? The Paris Agreement, Trump, and the US fossil fuel industry. Global Environmental Politics, 2019. 19(4): p. 45-62.



## کلید واژه ها : آینده پژوهی- تغییر جایگاه چین - ساختار نظام بین‌الملل

### مقدمه:

قدرت یابی چین می تواند تاثیرات پراهمیتی بر نظام بین الملل موجود داشته باشد. «چین به عنوان بازیگری چالشگر»، به کلیشه رایج در ادبیات روابط بین‌الملل فارسی‌زبانان و تا حدی در زبان رایج علمی جهان بدل شده است. در قالب این کلیشه، چین به گونه‌ای فزاینده نظم موجود را به چالش می‌کشد و روابط این کشور با ایالات متحده رو به تیرگی بیشتر است. اما به نظر می‌رسد که این کلیشه، نگرش و رفتار چین در سیاست بین‌الملل کنونی و همین‌طور واقعیات پیچیده و چندلایه نظام بین‌الملل را بیش از حد ساده می‌کند. عموماً «نظم» را در نقطه مقابل آشوب یا نبود جنگ تعریف می‌کنند. اما پرسش این است که در شرایط «گذار قدرت» در عرصه بین‌المللی، چگونه می‌توان از وجود «نظم» سخن گفت. یکی از راه‌های شناخت نظم بین‌المللی در شرایط گذار، بررسی «نظم‌های مختلف» با درجات متفاوتی از شمولیت و تأثیرگذاری بر روابط بازیگران بین‌المللی است. تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از مدل‌های آرمانی<sup>۳</sup> نظم یا سناریوهای محتمل نظم آینده بین‌المللی ارائه شده است. از جمله مرشایمر از نظم‌های واقع‌گرایانه، لیبرال و آگنوستیک، باری بوزان از نظم‌های تک‌قطبی، دوچند قطبی و چندقطبی، تیرین فلاکهارت از نظم‌های نظریاتی که برمسالمت آمیز بودن ظهور چین و تداوم ثبات در روابط آن با ایالات متحده به عنوان هژمون تاکید دارد. نظریاتی که چالش را بودن ظهور چین و رقابت، تنش و شکنندگی روابط آن با آمریکا را در کانون توجه دارد. قدرتیابی چین بالضروره نوعی خاص از الگوی رفتاری را در میان قدرتهای بزرگ حاکم خواهد ساخت. در این وضعیت تعامل میان چین و قدرت مسلط (هژمون) و نیز نحوه ی تأثیرگذاری این مؤلفه بر سایر قدرتهای موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. از این رو در نظریه‌های موجود، تأکید ویژه‌ای بر سمت و سوی روابط استراتژیک دو کشور آمریکا و چین در آینده صورت گرفته است. ذیلاً هر یک از این رویکردهای نظری مختصراً تبیین خواهد شد. یکی از نکات جالب



توجه در بررسی رویکردهای نظری ارائه شده پیرامون ظهور چین و آینده روابط آن با آمریکا آنکه در هر دو نحله قائلین به مسالمت آمیز بودن یا نبودن ظهور چین نمایندگانی از سه جریان اصلی نظریه‌پردازی در سیاست بین‌الملل یعنی رئالیست‌ها، لیبرالها و تکوین‌گرایان حضور دارند. گر چه اغلب قائلین به مسالمت آمیز بودن ظهور چین را لیبرالها تشکیل می‌دهند؛ اما برخی رئالیست‌ها نیز در این طیف قرار می‌گیرند.

### چارچوب نظری رفتار استراتژیک چین:

رفتار استراتژیک چین در حال ظهور یکی از متغیرهای کلیدی شکل‌دهنده به سمت‌وسوی روند تغییر سیستمیک محسوب می‌شود. از همین رو پژوهش‌های روزافزونی در مورد سیاست خارجی این کشور، انتخاب‌های استراتژیک آن و رفتار چین در سیاست بین‌الملل رو به دگرگونی انجام‌شده است. در مورد جایگاه چین در نظم بین‌المللی و رویکرد این کشور به آن را در دودسته کلی می‌توان جای داد: دسته نخست، ظهور چین در عرصه بین‌المللی را از منظر نظریه‌های روابط بین‌الملل بررسی کرده‌اند. از جمله شیرخانی و محروق دیدگاه‌های کلان نظریه روابط بین‌الملل در مورد ظهور و افول قدرت‌ها، به‌ویژه از منظر تبیین خیزش

چین پرداخته و ایراداتی را مطرح کرده‌اند (شیرخانی و محروق، ۱۳۹۷). قلی زاده و شفیع نیز نظریه سیکل قدرت را برای تبیین روابط چین و آمریکا به‌کاربرده و بر این نظرند که عدم پذیرش نقش فزاینده چین در امور بین‌المللی از سوی ایالات متحده، زمینه افول آمریکا را فراهم خواهد کرد. دسته دیگر از محققان، جایگاه چین در مناسبات جهانی را عمدتاً در بستر روابط دوجانبه با آمریکا موردبحث قرار داده‌اند. از جمله بهرامی مقدم با استفاده از نظریه نو واقع‌گرایانه ثبات هژمونیک رابرت گیلپین نشان داده است که چگونه رشد اقتصادی چین به‌تدریج منابع و ضرورت‌های گسترش قدرت دریایی این دولت را افزایش داده است و تفوق دریایی ایالات متحده در پیرامون قلمرو دریایی چین به‌طور فزاینده‌ای با چالش ظهور چین روبرو می‌شود (بهرامی مقدم، ۱۳۹۷). جانسیز و بهرامی مقدم نیز خیزش چین را پدیده‌ای مخرب برای نظم آمریکا در محور شرق آسیا برشمرده و توازن سازی در برابر این قدرت را راهبرد ایالات متحده در این منطقه برشمرده‌اند (جانسیز و بهرامی مقدم، ۱۳۹۴). تقی زاده انصاری نیز استدلال می‌کند که مقابله با خیزش چین، عامل اصلی گرایش دولت اوباما به موافقت‌نامه تجارت آزاد موسوم به مشارکت فرا پاسیفیکی بوده است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۵). ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی

بر این نظرند که عامل اصلی نوسان روابط چین و آمریکا، همراه شدن تعامل دو کشور در حوزه‌های موضوعی چهارگانه (امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) با متغیرهای الگویی متفاوت است که از یک طرف، مانع همکاری راهبردی و از طرف دیگر، مانع جنگ بین دو کشور شده است (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۳). سازمند و ارغوانی نیز امکان اجرایی‌شدن انتخاب‌های استراتژیک چین در محیط بین‌المللی را موردبحث قرار داده و استدلال کرده‌اند که تحقق خیزش مسالمت‌آمیز در حوزه ژئوپلیتیک با چالش‌های فزاینده‌ای مواجه خواهد شد (سازمند و ارغوانی، ۱۳۹۱).

### چارچوب نظری: نظم‌های بین‌المللی

از منظر ایکنبری، نظم بین‌المللی به معنای ترتیبات اداره امور در تعاملات گروهی از دولت‌هاست که شامل قواعد بنیادین، اصول و نهادهاست. او استدلال می‌کند که چگونگی طراحی، فروپاشی و معماری مجدد نظم، کلیدیترین مسئله روابط بین‌الملل است. در چارچوب این تعریف، شکل‌گیری و تداوم نظم‌های بین‌المللی منوط به شکل‌گیری و تداوم نوعی توافق هنجاری میان دولت‌های عضو آن نیست بلکه می‌تواند بر مبنای روابط حداقلی دولت‌ها، اجبار یا موازنه قدرت شکل گیرد. در قالب این تعریف، او نظم‌های بین‌المللی را به سه دسته مبتنی بر موازنه قدرت، هژمونیک و نهادینه تقسیم می‌کند. این سه دسته نظم بر اساس نحوه توزیع و اعمال قدرت به‌مثابه اصول سازمان دهنده نظم بین‌المللی، از یکدیگر تفکیک شده‌اند. به‌علاوه این نظم‌ها از لحاظ محدودیت‌هایی که در قالب آن‌ها بر به‌کارگیری قدرت از سوی دولت‌ها اعمال می‌شود، منابع انسجام و همکاری میان دولت‌ها و شرایط بنیادینی که به ثبات یا بی‌ثباتی نظم‌ها شکل می‌دهند نیز با یکدیگر متفاوت‌اند (Ikenberry, ۲۰۱۵).

نظم موازنه قدرت بر بنیان آنارشی به معنای نبود اقتدار مرکزی شکل می‌گیرد. نبود اقتدار مرکزی معنای امنیتی را به معضلی دائمی در روابط دولت‌ها بدل می‌کند و آن‌ها را به‌سوی موازنه سازی در برابر رقبا یا در مواردی نادر



به‌سوی همراهی با آنان سوق می‌دهد. به دیگر سخن در چنین نظامی، توازن سازی به انتخاب و اضطراب راهبردی دولت‌ها بدل می‌شود، زیرا راهی غیر از این برای تأمین امنیت و بقا پیش پای دولت‌ها نیست. از همین‌طور توازن‌سازی بنیان شکل‌دهنده و دگرگون‌کننده چنین نظامی است. نظم‌های موازنه قدرت و هژمونیک محصول نحوه توزیع قدرت در سیاست بین‌الملل‌اند. نظم‌های موازنه قدرت تجلی پاسخ سامانمند دولت‌ها به تغییر توزیع قدرت به‌سوی چیرگی‌اند. نظم‌های هژمونیک نیز بر بنیان نحوه متمرکز توزیع قدرت شکل می‌گیرند و تداوم می‌یابند.

نظم نهادینه نظامی است که بر محور نهادهای حقوقی و سیاسی موردتوافق دولت‌ها سامان می‌یابد، نهادهایی که کارویژه آن‌ها تخصیص حق و محدود کردن و کانالیزه کردن اعمال قدرت در جامعه بین‌المللی است. از منظر ایکنبری، مهم‌ترین موضوعی که نظم نهادینه را از دو نظم دیگر متمایز می‌کند، وجود مکانیسم‌های کنترلی مشخص بر اعمال قدرت است، مکانیسم‌هایی که در قالب نهادهای بین‌المللی عملیاتی می‌شوند؛ اوتنظام‌های لیبرال دموکراتیک غربی را نمونه اعلاي چنین نظامی می‌داند و استدلال می‌کند.

### سیر تکوین دانش روابط بین‌الملل در چین

مطابق نظریه کالینز، اولین پرسش در رابطه با خلق و شکوفایی اندیشه‌ها معطوف به فضایی است که شبکه‌ای از ایده‌ها در آن ظهور می‌کند. به عبارتی این اندیشمند استدلال می‌کند که نظریه‌ها در سریع‌ترین حالت خود در صحنه آکادمیک شکل می‌گیرند (Collins, ۲۰۱۹). بنابراین این بخش ابتدا تمرکز خود را بستری معطوف خواهد کرد که مبانی نظریه‌های بومی چینی در آن ایجاد و روند تکاملی خود را طی کرده است و سپس سه رویکرد را در مورد اهداف روند نظریه‌پردازی در چین پیشنهاد می‌کند.

در اوایل دهه ۱۹۵۰ حزب کمونیست رشته علوم سیاسی را به عنوان یک رشته مستقل (بورژوازی) لغو کرد. در دوران مائوئیستی، ایدئولوژی کمونیسم و ترسیم انقلاب پرولتری تنها منبع مشروع روشنفکری بود. در طول

انقلاب فرهنگی، زندگی فکری به‌طورکلی در دانشگاه‌ها برجسته شد و حتی پس از بازگشایی توسط کمیته‌های انقلابی اداره می‌شد و تنها دانشمندان مارکسیست روابط بین‌الملل مورد حمایت مالی و سازمانی بودند. از آنجا که تنها یک شبکه فکری وجود داشت، امکان بحث فکری و دیدگاه انتقادی محدود بود. (Shoude, ۲۶: ۱۹۹۷)

### چین در نظام بین‌الملل

تبیین نگرش و کنش چین در قبال نظم هژمونیک چندان دشوار نیست. در دهه‌های پس از انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹، مخالفت با چنین نظامی همواره در سیاست‌های اعلامی این کشور ابراز شده است. در دوره زمامداری مائو، مخالفت با هژمونی‌گرایی در قالب مقابله با امپریالیسم بیان می‌شد و یکی از اصول ثابت شکل‌دهنده به سیاست خارجی این کشور در قبال دو ابرقدرت بود.

در دوره اصلاحات و سیاست درهای باز، مقابله با امپریالیسم شوروی به‌عنوان یکی از اهداف اعلامی و اعمالی در سیاست خارجی این کشور واجد اهمیت بود. با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، از یکسو بنیان

همکاری‌های راهبردی چین با ایالات‌متحده که بر مقابله با توسعه‌طلبی شوروی شکل‌گرفته بود فرو ریخت و از دیگر سو چین به‌طور فزاینده‌ای از هژمونیک شدن موقعیت ایالات‌متحده در سیاست بین‌الملل احساس ناامنی کرد. از همین رو مخالفت با هژمونیک به مفهومی پرتکرار در ادبیات سیاست خارجی این کشور بدل شد. بررسی متون سیاست خارجی چین در این دوره نشان می‌دهد که موقعیت هژمونیک ایالات‌متحده به نگرانی راهبردی جریان اصلی نظریه‌پردازی چینی در مورد نظم بین‌المللی و جایگاه چین در آن بدل شد. محققین برجسته چینی استدلال می‌کردند که آمریکا در موقعیت چیرگی بر نظم بین‌المللی قرار گرفته و این تحول علیه منافع ملی چین است. چیرگی ایالات‌متحده از منظر آنان از یکسو آزادی عمل بین‌المللی چین را محدود می‌کرد و از دیگر سو زمینه را برای مداخله این کشور در امور داخلی چین فراهم می‌آورد. حزب کمونیست چین نیز در این نگرانی با آنان شریک بود. (Blum, ۲۰۰۳) ایالات‌متحده از هنگام برقراری روابط با چین در اوایل دهه ۱۹۷۰ تا به قدرت رسیدن دولت ترامپ در ۲۰۱۶، همواره استراتژی کلان



”تعامل” را در قبال چین پی می‌گرفت. یکی از اهداف کلیدی استراتژی کلان تعامل، پیوند زدن چین به نهادهای نظم بین‌الملل لیبرال و استحاله نظام سیاسی آن به‌نوعی لیبرال دموکراسی بود. (Mearsheimer, ۲۰۱۹, p. ۲۳)

### تغییر جایگاه چین و موازنه قدرت در نظام بین‌الملل

نظم مبتنی بر موازنه قدرت در متن توزیع قدرت آنارشیک شکل می‌گیرد، محدودیت‌ها بر تجمیع قدرت در این نظم از طریق شکل‌گیری و تداوم ائتلاف‌های متعارض پدید می‌آید و برابری در منابع قدرت بازیگران مهم‌ترین منبع ثبات و دوام چنین نظامی است. نظم‌های مبتنی بر موازنه قدرت بسیار بیش از سایر انواع نظم، در سیاست بین‌الملل تکرار شده‌اند. پیمان وستفالی در ۱۶۴۸ که بسیاری آن را سرآغاز روابط بین‌الملل مدرن و شکل‌گیری جامعه بین‌الملل برمی‌شمارند، بر بنیان موازنه شکننده قدرت شکل گرفت. در سده‌های بعد نیز تاریخ اروپا به‌عنوان کانون شکل‌دهنده به سیاست بین‌الملل مدرن عمدتاً در قالب شکل‌گیری، تداوم و تغییر نظم‌های مبتنی بر موازنه قدرت متحول شد.

چین کمونیست در متن نظم بین‌الملل مبتنی بر موازنه قدرت دوقطبی متولد شد. از همین رو در روند دگرذیسی در این نظم تنیده شد و از تحولات آن به‌شدت متأثر گشت. تبیین و تحکیم جایگاه چین در موازنه قدرت بین‌المللی یکی از اولویت‌های کلیدی نسل اول رهبران به‌ویژه مائوزدوونگ بود. او بر موازنه سازی داخلی در قالب شکل‌دهی به ارتشی قدرتمند تأکید داشت و آن را اولویت نخست کشور برمی‌شمرد. بر همین مبنا چین مائویی دست‌یابی به سلاح هسته‌ای را در کانون توازن سازی داخلی قرارداد، در ۱۹۶۴ به جمع دارندگان تسلیحات هسته‌ای پیوست و بازدارندگی حداقلی را جامعه عمل‌پوشید. در توازن سازی خارجی نیز او نظراتی چون تکیه بر یک‌قطب برای مقابله با قطب‌دیگر و نظریه سه جهان ارائه داد که موازنه گرایی در کانون آن‌ها بود. ایالات‌متحده فشار ژئواکونومیک-ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک را برچین افزایش داد. فشارهای چندلایه هژمون در شرایطی رو به افزایش بود که روسیه به‌شدت ضعیف شده بود و به‌دشواری پیامدهای پس از



فروپاشی امپراتوری را مدیریت می‌کرد. از دیگر سو شکاف شرق و غرب اروپا از میان رفته بود و اتحادیه اروپا به عنوان قدرتی اقتصادی-هنجاری و پشتیبان ایالات متحده ظهور کرد. (شریعتی‌نیا ۱۳۹۸)

### قدرت نرم و تغییر جایگاه و هژمونی چین در نظام بین الملل

در بحث قدرت نرم و جایگاه چین در نظام جهانی، که به نوعی تداعی کننده ی ارائه ی کلای خوب در حکمرانی جهانی و ثبات هژمونیک است، هویت از کانونی ترین مفاهیم می باشد به گونه ای که برداشت دیگران و دیگر کشور ها از مبانی هویتی این چهار بعد از قدرت نرم می تواند در تعیین جایگاه دو کشور و تغییر موازنه به نفع آنها نقش کلیدی ایفاء نماید. در این رابطه، یکی از مباحث مهم و مرتبط با مسأله هویت از نظر سازه‌انگاران، سیال بودن و به عبارت دیگر متحول بودن هویت‌ها می‌باشد.

هویت می‌تواند تحت شرایط هادی سیال باشد و کار مهم سازه‌انگاران این است که می‌توانند این تغییر و سیالیت را توضیح دهند. چرا که به نظر آنها هویت امری است اجتماعی به این معنا که در ساختن خود، دیگری هم ساخته می‌شود. برای همین است که در نگاه آنها برداشت کنشگران از خود، منافع و اهدافشان تغییرپذیر است و به تبع شکل‌گیری یک هویت جدید، منافع جدیدی هم برای یک دولت مطرح می‌شود. در این میان، بسترهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیار ساختارمند و تراز شده هستند و فرصت‌ها و محدودیت‌ها را به گونه‌ای نابرابر در اختیار کنشگران قرار می‌دهند. بنابراین، بسترهای مورد نظر در حالی که ممکن است کنشگران دارا و توانگر را در پیشبرد منافع خود یاری کنند، به همان اندازه ممکن است موانع جدی بر سر راه رسیدن کنشگران کم توان به نیت استراتژیک خود بوجود آورند. آنچه عملکرد چین نشان می‌دهد این است که گر چه این کشور خواهان رسیدن به جایگاه هژمونی و رهبری در حکمرانی جهانی است اما مسیری که در حال حاضر در آن گام بر می‌دارد مسیری میانه است که با ترکیب چهار راهبرد استیلای هژمونیک به توسعه طلبی، به چالش کشیدن وضع موجود، تلاش برای همرنگ شدن با قدرت مسلط و توسعه غیرعلنی و ماهرانه



(چن، ۱۳۹۰: ۱۷۹)، سعی در ایجاد تعادل و توازن نظم بین المللی موجود دارد. از این رو، همان طور که برژنیسکی استدلال می‌کند چین پیشتر نقش مشارکت کننده را دارد تا یک چالش گر (چن، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

### ظهور هژمونی تغییر چین و تأثیر آن بر افول جایگاه آمریکا در نظم نوین جهانی

رشد اقتصادی چین در پی اصلاحات اقتصادی سال ۱۹۷۸ آغاز شد؛ چین در سال ۲۰۱۲ به بزرگترین دولت تجاری جهان تبدیل شد. در دیگر زمینه ها نیز اقتصاد چین به طور فزاینده‌ای رشد کرده است. در زمینه تجارت خارجی، چین به بزرگترین واردکننده و بزرگترین صادرکننده تبدیل شده است. در مجموع، در سال ۲۰۰۶، ایالات متحده بزرگترین شریک تجاری ۱۲۷ کشور محسوب می شد و هم زمان با آن، چین نیز شریک تجاری ۷۰ کشور جهان بود، ولی در سال ۲۰۱۱ این تناسب بدین سان تغییر کرد که چین به بزرگ ترین شریک تجاری ۱۲۴ کشور

به سیاست‌های حمایت گرایانه دونالد ترامپ توجهات جهانی بسیاری را به خود جلب کرد (میرترابی و کشوریان، ۱۳۹۹: ۱۵۰-۱۴۹).

از نگاه دکتر ویجای ساخوجا، مدیر بنیاد ملی دریانوردی ۳ در دهلی‌نو، هدف چین تبدیل شدن به یک قدرت جهانی، مبتنی بر به کارگیری توان سیاسی و اقتصادی در گستره منطقه ای و فرمانطقه ای است (کرمی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۸: ۱۴۴). از نظر ژانگ های بینگ، کمک‌های خارجی چین به تدریج از پشت صحنه به خط مقدم منتقل شده است. همچنین از اشکال ساده کمک های انسانی، سرمایه ای و تجهیزاتی به کمک‌های پیشرفته و چندوجهی و از کمک‌های دوجانبه به همکاریهای توسعه سه جانبه و چندجانبه تغییر شکل یافته است (کرمی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۸: ۱۴۰). این کشور سالهاست که سهم عمده ای در توسعه جهانی و اهداف توسعه پایدار دارد. کمک های چینی از جمله کمک های بشردوستانه و سیاسی، عنصر اصلی سیاست خارجی این کشور است. برخلاف کمک‌های سنتی که بیشتر به شرکای جامعه مدنی برای ارائه کمک های بشردوستانه متکی است، نمی‌توان منکر این شد که چین دارای منابع وسیعی است و مقیاس وسیع کمک های بشردوستانه آن، یک استراتژی موفق قدرت نرم بوده است (مولاکالا و هونگ بو، ۲۰۲۰). همچنین از جمله مهم‌ترین انگیزه‌های اعلام شده که می تواند به کمک های بین‌المللی چین در مبارزه با شیوع کووید ۱۹ نسبت داده شود، نشان دادن این کشور به عنوان یک قدرت بین‌المللی با نگرش مسئولانه و متمرکز بر همکاریهای بین‌المللی است (کوبیرچکی و کوبیرچکا، ۲۰۲۱).

پیشرفت های چین به عنوان یک قدرت فضایی نیز به هزینه از دست دادن تفوق و رهبری ایالات متحده تمام خواهد شد؛ اما رویکرد این کشور در توسعه صنایع فضایی دارای وجوه نظامی، دیپلماتیک، تجاری و اقتصادی است و در تمام این وجوه در حال رقابت با آمریکا است (کرمی و شاه محمدی، ۱۳۹۸: ۱۴۲). به طور کلی در تاریخ سرمایه‌داری سه قدرت هرچند به طور نسبتاً کوتاه به هژمونی دست یافته اند؛ سرزمین های متحده که امروزه هلند خوانده می شود

تبدیل شده و ارتقا پیدا کرد و سهم آمریکا به بزرگ ترین شریک تجاری برای ۷۶ کشور تنزل یافت (تقی زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۳). رهبران چین معتقدند آنچه می‌تواند ظهور چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ در قرن بیست و یکم را تسهیل کند توانایی این کشور در تداوم رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی است (وئوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵).

اقدامات چین در راستای افزایش نقش این کشور در نهادهای لیبرال اقتصاد بین‌المللی است تا قواعد این نظم را هم راستا با منافع خود بازسازی کند. سیاست پکن از لحاظ منطقه ای و جهانی رفتارهای لیبرالی را همانند درهای باز، چندجانبه‌گرایی، کثرتگرایی، اقتصاد بازار، همکاری امنیتی و اقتصادی، احترام به حاکمیت دولت‌ها و... را بازتاب می‌دهد. لی که چیانگ، نخست وزیر چین، در مارس ۲۰۱۷ اعلام کرد که چین مدافع نظم بین المللی موجود است و می‌خواهد به‌طور اساسی به بازیگری ویژه در حکمرانی نظم اقتصادی بین الملل تبدیل شود. این موضع با عنایت



در میانه قرن هفدهم، بریتانیا در میانه قرن نوزدهم و ایالات متحده در میانه قرن بیستم. در این میان، هژمون جدید آمریکا با برتری قاطع و چشمگیر خود به لحاظ بهره‌وری در بخش‌های عمده اقتصادی پس از ۱۹۴۵ به استیلا دست پیدا کرد. با این همه، این قدرت امروز در حال افول و آرایش سازمان هژمونیک نظام جهانی سرمایه‌داری در حال تغییر است (میرترابی و کشوریان آزاد، ۱۳۹۹: ۱۴۷).

پس از جنگ جهانی دوم قدرت عظیم و منابع فراوانی که در اختیار ایالات متحده قرار داشت، به این کشور اجازه داد که اقدام به تعقیب سیاست‌های اقتصادی شامل منافع و مزایای عمومی و کلی سیستم اقتصاد سیاسی بین‌المللی بنماید؛ اما پس از دهه ۱۹۸۰ که آمریکا با کاهش قدرت و افول هژمونی روبرو گشته، شاخص‌های مشروعیت هژمونیک، چندجانبه‌گرایی، تفاهم و اتفاق نظر حاکم بر روابط دولت هژمون و همچنین دولت‌های دیگر عضو سیستم اقتصاد سیاسی بین‌المللی لیبرال در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک تضعیف گردیده و به آرامی محو شدند؛ بنابراین ایالات متحده با گذشت زمان روندی منفی و نزولی را در برخی حوزه‌های اقتصادی پیموده است (قلی‌زاده و شفیع، ۱۳۹۱: ۱۴۹-۱۵۱). بخشی از زوال ایالات متحده ناشی از تغییرات درونی در این کشور بوده، ولی بخش عمده‌ای از آن هم به دلیل رشد دولت‌های دیگر و قدرت‌های نوظهور نظیر چین، روسیه و برزیل می‌باشد (آچارا، ۲۰۱۸).

### شاخص‌های هژمونی چین

#### شاخص‌های اقتصادی

چین در همه سال‌های پس از دهه ۷۰ میلادی با اولویت‌بخشی به اقتصاد خود کوشیده تا جایگاه مناسبی را به دست آورد؛ خیزش اقتصادی چین به عنوان وزنه‌ای در خط‌مشی‌های تجارت بین‌الملل تعبیر شده است. طی کمتر از سی سال گذشته، این کشور از یک بازیگر حاشیه‌ای به بزرگ‌ترین شریک تجاری برای بسیاری از کشورها تبدیل شده است (کرمی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۸: ۱۳۹-۱۴۰). کشور چین به دلیل هزینه پایین نیروی انسانی و بازارهای بزرگ، بیشترین سرمایه‌های خارجی

را جلب کرده است و به دلیل وزنه جمعیتی و اقتصادی از جایگاه متمایزی در نظام بین‌الملل برخوردار شده و دارای قدرت‌های مالی و تجاری شاخصی در اقتصاد جهانی است (سلیمانپور، ۱۳۹۳: ۱۱۵). متوسط نرخ رشد اقتصادی چین از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۶ بیش از ۹ درصد بوده و تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۰۶ با ۷/۱ درصد رشد نسبت به سال قبل به رقم تقریبی ۲ تریلیون و ۵۰۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۷ با ۴/۱۱ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۶ به ۳ تریلیون و ۴۳۰ میلیارد دلار رسید. در پایان سال ۲۰۰۸، حجم تولید ناخالص داخلی چین با رشدی معادل ۸/۹ درصد به رقم ۲۱۴،۴ تریلیون دلار رسید و نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی این کشور، از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ با ۸ درصد تداوم داشته است (قلی‌زاده و شفیع، ۱۳۹۱: ۱۴۶). ائتلاف چین با اقتصاد جهانی نقطه عطف تحول تاریخ است که دلالت بر این دارد که هم از نظر اقتصاد جهانی و هم از نظر منطقه‌ای برای چین حائز اهمیت است (رامبا و بلانچر، ۱۳۹۲: ۷۱).

علی‌رغم تلاش‌های دولت ترامپ برای محدود کردن مازاد تجاری چین با ایالات متحده از طریق وضع تعرفه بر کالاهای چینی، تجارت بین دو کشور در سال ۲۰۱۸ حتی بیشتر مبهم شد. بر اساس داده‌های دولت چین، مازاد چین ۱۷ درصد دیگر رشد کرد. سال ۲۰۱۸ در مجموع، ارزش کالاهای خریداری شده توسط آمریکایی‌ها در چین

از ارزش خرید چینی‌ها از کالاهای آمریکایی تا ۳،۳۲۳ میلیارد دلار فراتر رفته است (بوخهولتز، ۱۰ مه ۲۰۱۹). رشد صادرات در اواخر سال ۲۰۲۰ به شدت کاهش یافت و علی‌رغم بهبود اقتصاد جهانی، تقاضا برای کالاهای مرتبط با همه‌گیری کاهش یافت. کارشناسان پیش‌بینی کردند صادرات در سال ۲۰۲۱، ۴،۹ درصد و واردات ۹،۱۱ درصد افزایش یابد و مازاد تجاری را به ۵۳۳ میلیارد دلار برساند. در سال ۲۰۲۲، کارشناسان انتظار دارند صادرات ۹،۴ درصد افزایش یابد، در حالی که واردات ۶،۶ درصد افزایش یابد و مازاد تجاری را به ۵۱۹ میلیارد دلار برساند (تمرکز اقتصادی، ۲۰۲۱).

علی‌رغم همه تلاش‌های دولت ترامپ برای تسلط بر کسری تجاری کشور، شکاف بین واردات و صادرات از ایالات متحده در نیمه اول سال ۲۰۱۹، به بالاترین حد ده سال گذشته رسید. طبق آمار منتشر شده توسط دفتر تجزیه و تحلیل اقتصادی، کسری تجاری ایالات متحده در کالاهای و خدمات در ماه ژوئن اندکی کاهش یافت و کسری کل را در نیمه اول سال ۲۰۱۹ به ۳۱۶ میلیارد دلار رساند که بالاترین رقم از سال ۲۰۰۸ است. این افزایش عمدتاً ناشی از کسری تاریخی بالا در تجارت کالا بود که بالغ بر ۴۳۹ میلیارد دلار رکورد داشته است. از این مقدار ۲۱۹ میلیارد دلار تنها در تجارت با چین قابل ردیابی است. در حالی که کسری تجاری ایالات متحده به‌طور کلی همچنان در حال



افزایش بود، واردات از چین در واقع تحت تأثیر جنگ تجاری بین دو ابرقدرت اقتصادی قرار گرفت. واردات کالاهای آمریکایی از چین در نیمه اول سال ۲۰۱۹ بیش از ۳۰ میلیارد دلار نسبت به سال قبل کاهش یافت (ریچر، ۲۰۱۹).

### عضویت در سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی

چین به منظور بالا بردن مشروعیت بین‌المللی خود به طور فزاینده‌ای در سازمان‌های بین‌المللی چندجانبه فعال گردیده و تصویر سهم‌دار مسئولی را از خود نشان داده که طبق قواعد بازی می‌کند.

همچنین به طور موفقیت‌آمیزی تلاش کرده است تا به گروه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بسیاری بپیوندد (الوند و عسگرخانی، ۱۳۹۳: ۱۹).

### الحاق به سازمان تجارت جهانی

الحاق چین به سازمان تجارت جهانی در آغاز قرن بیست و یکم، ارتقای قابل توجهی به اقتصاد جهانی چین داده است. اکنون تعداد موافقت‌نامه‌های آزاد تجاری چین افزایش پیدا کرده است و در این خصوص، غرب باید تهدید راهبردی چین را هم مورد توجه قرار دهد (کرمی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۸: ۱۳۹-۱۴۰). چین موافقت کرده است که بخش‌هایی را با شرکای تجاریش را مانند بخش کشاورزی و خدمات که بسیار مهم هستند آزاد بگذارد. بیشتر مطالعاتی که موافق الحاق چین به سازمان تجارت جهانی بوده مستلزم افزایش رفاه کلی در چین و جهان است، علی‌رغم اینکه پایین آمدن تعرفه‌های چین همواره پایدار نخواهد ماند. تقویت شتاب در رشد تجاری چین می‌بایست برای شرکای چین فایده داشته باشد و نقش مهمی در فرآیند تجاری ایفا کند (رامبا و بلانچر، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۶).

### شاخص‌های دیپلماسی (قدرت نرم)

پکن همواره سعی داشته تا با بهره‌گیری از دیپلماسی قوی، سیاست حسن هم‌جواری، اصل عدم مداخله و احترام به حاکمیت دولت‌ها، وزنه‌ای در مقابل دیپلماسی دلار آمریکا در جذب سایر کشورها ایجاد نماید (الوند و



عسگرخانی، ۱۳۹۳: ۱۶). از نظر اهداف خارجی قدرت نرم و تلاش‌های دیپلماسی عمومی، نشان دادن چین به عنوان یک بازیگر بین‌المللی مهم و صلح‌آمیز، مدافع سایر کشورهای در حال توسعه و وزنه مقابل هژمونی آمریکا را می‌توان نام برد. تأکید بر همکاری بین‌المللی توسط مقامات چین مطابق با پیام‌های عمومی است که چین در چند دهه گذشته از طریق کانال‌های دیپلماسی عمومی ارسال کرده است. لازم به ذکر است که چینی‌ها سعی کردند از کمک‌هایی که به دیگر کشورها ارائه می‌کردند به نحوی معمول برای دیپلماسی عمومی استفاده کنند. موفقیت در مبارزه با همه‌گیری بیماری کووید-۱۹، در چین را می‌توان یک نمونه مهم تهاجم قدرت نرم آن دانست (کوبیرچکی و کوبیرچکا، ۲۰۲۱). سفارتخانه‌های چین در زمینه به اشتراک گذاری اطلاعات مربوط به واکنش چین در برخورد با بیماری کووید-۱۹ و کمک به کشورهای دیگر و فراخوان همبستگی بین‌المللی در مبارزه با آن بیماری، بسیار فعال بودند (واناریث، ۲۰۲۱). علاوه بر این، رهبر چین نیز با وجود به اصطلاح جنگ الفاظ و اصطلاحات که شامل صحبت رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ در مورد این بیماری به عنوان «ویروس چینی» می‌شد، به ایالات متحده پیشنهاد کمک کرد (کوبیرچکی و کوبیرچکا، ۲۰۲۱).

### نتیجه‌گیری:

سیاستمداران چینی شروع به صحبت در مورد چین به عنوان یک ابرقدرت مسئول کردند، بنابراین این اصطلاح بدون هیچ گونه قید و شرطی به موازات تصمیم پکن مبنی بر عدم کاهش ارزش پول ملی خود در طول بحران مالی آسیا ۱۹۹۷-۱۹۹۸ ظاهر شد، تصمیمی که مورد تحسین و قدردانی قرار گرفت. این اصطلاح برای توصیف جمعیت گسترده منطقه از تغییر وضعیت دیپلماتیک چین و به عنوان یک هدف بلندمدت که چین باید در سیاست خارجی خود دنبال کند، استفاده شده است. چین به عنوان یک بازیگر فعال در عرصه بین‌المللی ظاهر شده است، اگرچه این موضوع اخیراً به طور گسترده به رسمیت شناخته نشده است. اما چین تشکیلات سیاست کشور خود را قدرت بزرگی می‌بیند و منافع و مسئولیت‌های متنوعی دارد و اینکه کشوری در

حال توسعه نیست، همانطور که در دوره رئیس‌جمهور «ما و تسه تونگ، زمانی که سیاست خارجی پویاتر و درگیرتر با بین‌المللی اتخاذ شد. مقامات چینی از لزوم به عهده گرفتن مسئولیت‌های جهانی در میان قدرت‌های بزرگ صحبت می‌کنند و به عنوان بازتاب این تغییرات، رئیس‌جمهور هو جین تائو اولین رئیس‌جمهور شد. محافل دانشگاهی و رسمی در دولت چین مشتاق هستند که این روش صلح‌آمیز افزایشی باشد و هدفی برای تضعیف ثبات منطقه‌ای نداشته باشد از آنجایی که چین به بازیگری قدرتمندتر و ماهرتر در بازی دیپلماتیک تبدیل شده است، از طریق اتخاذ یک دیپلماسی امنیتی جدید توسط چین از دهه نود که از طریق آن خواستار ایجاد یک سیستم جدید تعادل جهانی در اقیانوس آرام شد. توانایی‌های کشورهای منطقه لزوماً به دلیل در دسترس بودن یا نبودن منابع، کیفیت توانایی سرمایه‌گذاری در آنها و نقش‌های سیاسی متفاوت است، این امر ممکن است یک سیستم منطقه‌ای ایجاد کند که در آن دو قدرت منطقه‌ای وجود داشته باشد یا یک نظام منطقه‌ای با قدرت‌های متعدد وجود داشته باشد، بنابراین مدل‌های موازنه قوا و رابطه آنها با تغییر ساختار بین‌المللی با استفاده از مدل‌های نظری در روابط بین‌الملل مورد بحث قرار گرفت. مبنای آنچه آمد می‌توان مدعی شد که در تبیین و تفسیر نگرش چین به سیاست

بین‌الملل و کنش راهبردی این کشور باید از کلیشه‌های رایج فراتر رفت. نگرش و کنش این کشور را بر مبنای مفاهیمی چون چالش‌گری یا تجدیدنظرطلبی نمی‌توان به‌دقت توضیح داد. چین به سه نظم هژمونیک، موازنه قدرت و نهادینه نگرش‌های عمق‌ای متفاوتی دارد و در نتیجه کنش‌های متفاوتی نیز صورت می‌دهد. این کشور بانظم هژمونیک و تجلیات آن به شدت مخالف است و همواره کوشیده آن را تضعیف نماید.

### منابع:

شریعتی‌نیا محسن، حیدر علی مسعودی مقاله، چین و نظم‌های بین‌الملل استادیار روابط بین‌الملل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

ارغوانی پیرسلامی، ومرتضی اسمعیلی (۱۳۹۳)، نظام

علوم سیاسی، شماره ۳، صص ۱-۲۷.

کرمی، جهانگیر و پریسا شاه محمدی (۱۳۹۸)، «هژمونی، ژئوپلیتیک و مناسبات چین-آمریکا»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۵، صص ۱۶۰-۱۳۳.

میرترابی، سید سعید و محسن کشوریان آزاد (۱۳۹۹)، تأثیر خیزش چین بر نظم مالی بین‌المللی، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۷۱-۱۴۱.

وثوقی، سعید و همکاران (۱۳۹۷)، «تأثیر قدرت یابی چین بر روابط و رقابت با آمریکا»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۴، صص ۳۸-۷.

Vannarith, Chheang (2021), "Fighting COVID-19: China's soft power opportunities in mainland Southeast Asia", Available At: <https://asialink.unimelb.edu.au/insights/fighting-covid-19-chinas-soft-power-opportunities-in-mainland-southeast-asia>

Ikenberry, G. J. Wang, J. & Zhu, F. (Eds.) (2015), Asia today. America, China, and the struggle for world order: Ideas, traditions, historical legacies, and global visions: Palgrave Macmillan.

Blum, Samantha. (2003), "Chinese Views of US Hegemony." Journal of

Contemporary China 12,

Mearsheimer, J. J. (2019), Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal International Order. International security, 43(4), 7-50.

Blum, Samantha. (2003), "Chinese Views of US Hegemony." Journal of

Contemporary China 12, no. 35, 239-264.

بین‌المللی در حال گذار و روابط دوجانبه آمریکا و چین (۲۰۱۰ - ۱۹۹۱)، سیاست دفاعی، ۸۸ (۲۲)، صص ۱۵۳-۱۸۴.

بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۷)، «پاسخ آمریکا به قدرت‌یابی دریایی چین در دریای شرقی و دریای جنوبی»، روابط خارجی، شماره ۳۷.

تقی‌زاده انصاری، محمد (۱۳۹۵)، «چالش ظهور چین و هژمونی آمریکا در پرتو توافق تجارت آزاد فراپاسیفیک»، روابط خارجی، شماره ۸۱ علمی.

جانسیز، احمد؛ بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۴)، «آمریکا و ظهور جهانی چین»، روابط خارجی، شماره ۲۷.

شیرخانی، محمدعلی؛ محروق، فاطمه (۱۳۹۷)، «گذار قدرت در شرق آسیا: چشم‌انداز گذار قدرت در پرتو پویایی‌های نوین منطقه»، شماره ۴۸، صص ۱۰۱-۱۰۹.

تقی‌زاده انصاری، محمد (۱۳۹۵)، «چالش ظهور چین و هژمونی آمریکا در پرتو توافق تجارت آزاد فراپاسیفیک»،

رامبا، توماس و نیکولاس بلانچر (۱۳۹۲)، «چین: تجارت بین‌المللی و الحاق به WTO»، ترجمه بابک دائی و محمدامیر کمالی، مجله اقتصادی، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۸۲-۶۹.

سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۴)، «استراتژی نظامی جدید چین: ابعاد و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی»، معاونت پژوهش‌های سیاسی-حقوقی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل: ۱۴۳۲۲.

شفیعی، نوذر و یونس کمالی‌زاده (۱۳۸۹)، «تبیین روابط چین و آمریکا در برابر سازمان همکاری‌های شانگهای؛ بر اساس نظریه موازنه قوای نرم»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۳، شماره ۷، صص ۵۱-۷۶.

قلی‌زاده، عبدالحمید و نوذر شفیی (۱۳۹۱)، «نظریه سیکل قدرت، چارچوبی برای تحلیل فرآیند افول قدرت نسبی ایالات متحده و خیزش چین»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۴، شماره ۴، صص ۱۶۸-۱۳۷.

کرمی، جهانگیر (۱۳۸۵)، «هژمونی در سیاست بین‌الملل؛ چارچوب مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن»، پژوهش



# دیاسپورای عرب و مسئله توسعه در آمریکای لاتین

## (درس‌هایی برای ایرانیان)

### هادی اعلمی فریمان

#### چکیده

دیاسپورا در جهان مدرن مفهومی فراتر از تغییر مکان جغرافیایی افراد تلقی می‌گردد. دگردیسی و تغییر ماهیت مفهوم دیاسپورا در جهان مدرن به واسطه گسترش و توسعه دیجیتالیسم و ارتباطات مجازی حاصل شده است. امروزه به دلیل ارتباط آنلایین مبدأ و مقصد تقریباً به هم پیوستگی کاملی با یکدیگر دارند و بر اساس آن است که تعامل دوسویه، گروهی و چندجانبه ایجاد می‌گردد. این تعامل گسترده در همه حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی خواهد بود. بر این مبنا پرسش پژوهش جاری این است که دیاسپورای عرب در چه قلمرو و یا حوزه‌هایی از توسعه در آمریکای لاتین نقش دارند و یافته‌ها نیز حکایت دارد که نخبگان عرب‌تبار در همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سردمدار حرکت‌های نوین و ابتکاری در جامعه مقصد بوده، ضمن اینکه دارای پیوند عاطفی با کشور مبدأ نیز بوده‌اند و بر این مبنا ایرانیان نیز می‌توانند همین نقش را فراتر از روابط فردی به شکل گسترده برای ساختن ایران ایفا نمایند و الگوی کارکردی نخبگان عرب مدل مطلوبی برای ایرانیان خواهد بود.

**کلیدواژگان:** آمریکای لاتین، ایرانیان، عرب، دیاسپورا، هویت.

#### مقدمه و اطلاعات بنیادین

از منظر راهبردی دو دیدگاه کلان در نیمکره غربی در قبال اعراب ترسیم شده است. آنان در یک دیدگاه، اقلیتی هستند که از عناصر سازنده هویت‌های کشورهای پذیرش شده محسوب شده، محترم محسوب شده و در ساخت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور محل استقرار نقش بسیار مهم و برجسته‌ای دارند. دیدگاهی دیگر که عموماً از مسائل ۱۱ سپتامبر و یا انفجار مرکز فرهنگی آمیا در آرژانتین ناشی می‌شود که این اقلیت را تروریست، مخرب و غیرقابل‌هضم در جامعه پذیرش شده می‌دانند که به ماهیت دینی این افراد مرتبط است.

آنچه اکنون مشخص است برخی از نخبگان عرب در حوزه‌های مختلف به‌ویژه اقتصادی تمایل به لابی‌گری

اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ادبی دارند. این اقلیت در هر کشوری که حضور داشته‌اند، در جامعه و فرهنگ ادغام شده و تأثیر گرفته و هم تأثیر گذاشته‌اند. نخبگان عرب‌تبار بیشتر با آثار متعدد خود در حوزه‌های مختلف تأثیرگذار بوده‌اند که نیازمند بررسی در هر کشور با مورد خاص است.

بنابراین هنگامی که نقش نخبگان جهان عرب در آمریکای لاتین را ارزیابی می‌کنیم، به‌واقع از وضعیتی به هم فشرده از منظر مکانی و زمانی سخن می‌گوئیم که ساختار جهانی‌شدن را شکل داده است. نوعی تردد سریع در ارتباطات مکانی که شرایط ادغام را سرعت می‌بخشد. فناوری‌های مختلف و متعدد فرصت‌هایی برای انسان‌ها ایجاد کرده است که با سهولت سرمایه و خود را به‌عنوان نیروی انسانی جابه‌جا کنند. بر این مبنا ریشه مهاجران عرب معاصر در آمریکای لاتین مرتبط با دهه‌های پایانی قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم است. آثار مکتوب و یا اطلاعات بسیار اندکی درباره اعراب آمریکای لاتین وجود دارد (Boos ۲۰۱۷). زیرا نسل‌های مهاجر به‌تدریج در جامعه مهاجرپذیر ادغام شده و هویت قبلی خود را به‌تدریج در نسل‌های بعد کمرنگ می‌کنند. نوه‌ها و نتیجه‌ها ممکن است تمایلی به درک شناسایی نسلی نداشته باشند. اما مشخص است که فکرکردن به آمریکای لاتین بدون درنظرگرفتن تأثیر و کمک‌های پایدار عرب‌تبار ساکن در منطقه غیرممکن است.

با شروع اواخر قرن نوزدهم و اوج‌گرفتن در سه دهه اول قرن بیستم، مهاجرانی از ترکیه، لبنان، فلسطین، مصر، سوریه، اردن و دیگران همراه با ترکیبی از مسائل سیاسی، فرهنگی و مذهبی به نیمکره غربی مهاجرت کردند. آن‌ها از منظر اقتصادی با افراد هم هویت و فرزندان‌شان رهبران



تجاری، سیاسی و سازمان‌های فرهنگی - عربی شدند و حضور آنها در کشورهای مختلف آمریکای لاتین متفاوت است. بخش زیادی از این اعراب تبدیل به طبقه نخبگان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شدند و نه تنها در این منطقه، بلکه شهرتی جهانی یافته‌اند. از چهره‌های برجسته معاصر آمریکای لاتین با تبار عرب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کارلوس اسلیم تاجر مکزیکی، شکیرا خواننده کلمبیایی، سلما هایک بازیگر مکزیکی، میشل تمر رئیس‌جمهور سابق برزیل و نایب بوکله رئیس‌جمهور کنونی السالوادور (Dale ۲۰۲۴). درباره آمار اعراب در آمریکای لاتین اطلاعات مستند و موثقی در دست نیست. تمام اطلاعات مراکز تخمینی است. بیشترین مطالعات را مراکز دانشگاهی درباره اعراب انجام داده‌اند. برخی مراکز تعداد اعراب را بین ۱۴ تا ۳۰ میلیون تن تخمین می‌زنند. اما آمار واقع بینانه تر ۱۰ تا ۱۲ میلیون است. حدود ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تن لبنانی و ۱۰۰ هزار تا ۱۲۰ هزار فلسطینی در کلمبیا، ۷ تا ۱۰ میلیون نفر لبنانی و ۴ میلیون سوری در برزیل، ۳ و نیم میلیون لبنانی و سوری در آرژانتین، ۸۰۰ هزار از اعراب سوری، لبنانی که ۵۰۰ هزار تن فلسطینی در شیلی، یک میلیون و ۱۰۰ هزار سوری، لبنانی و عراقی و فلسطینی در مکزیک و برخی پراکنده در سایر جاها حضور دارند (Khader and Blesa ۲۰۲۰).

لذا آمار اعراب در کشورهای آمریکای لاتین دقیق و مستند نیست و آنچه مشخص است مهاجران عمدتاً از قرن ۱۹ به بعد و قبل از جنگ جهانی اول از کشورهای کنونی لبنان، فلسطین و سوریه یعنی بخشی از امپراتوری عثمانی به منطقه آمدند. سوری‌ها و لبنانی‌ها بیشتر به آرژانتین، برزیل و مکزیک مهاجرت کردند، در حالی که فلسطینی‌ها در شیلی و کشورهای آمریکای مرکزی ساکن شدند. نسل فعلی در این مناطق حضور دارند. مهاجرت اعراب به آمریکای لاتین پس از جنگ جهانی دوم تقریباً به طور کامل متوقف شد و سپس با نرخ نسبتاً پایینی در دهه ۱۹۹۰ دوباره آغاز شد. در حالی که در دوره پیشین، اکثریت قریب به اتفاق مهاجران مسیحی عرب بودند، در دهه‌های اخیر عموماً به مسلمانان تعلق داشتند.<sup>۱</sup>

اعراب در آمریکای لاتین روایت مشترکی از صعود موفق بازرگانان عرب از وضعیت فقر به میلیونر شدن دارند. این داستان همچنان بر تصویر معاصر جامعه عرب تأثیر می‌گذارد

۱ عواملی که هزاران لبنانی، سوری و فلسطینی را وادار کرد تا از اقیانوس‌ها عبور کنند تا در آمریکای لاتین و تا قرن نوزدهم ساکن شوند عبارتند از: درگیری‌ها، فقر و سرکوب ترک‌ها. در قرن بیستم، جنگ جهانی اول، استعمارفرانسه و انگلیس در شرق (۱۹۲۲-۱۹۴۸)، ایجاد کشور اسرائیل (۱۹۴۸) و اخراج فلسطینی‌ها و جنگ اسرائیل و اعراب در سال ۱۹۶۷ و جنگ داخلی لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰)



که علی‌رغم حفظ هویت‌های قومی خاص، به‌خوبی ادغام شده است. بااین‌حال آنها از تبعیض رنج می‌برند. در سرتاسر آمریکای لاتین به اعراب «تورکوس» (ترک)<sup>۲</sup> می‌گویند که آن را توهین‌آمیز می‌دانند. بیشتر دانشگاهیان از اصطلاح خاص «دیاسپورای عرب»<sup>۳</sup> استفاده نمی‌کنند، اما تفاوت‌هایی نیز در تمرکز این تحقیقات بسته به منطقه مبدأ گروه خاصی از اعراب مورد بررسی وجود دارد (Hassan ۲۰۱۹, ۱۶۷).

دیاسپورای لبنان و سوریه بر مسائل اقتصادی و فرهنگی متمرکز است، نوشته‌های مربوط به دیاسپورای فلسطینی همیشه دارای رنگ‌های سیاسی بوده‌اند. یکی از موضوعات نوظهور مهم در مطالعات مهاجرت اعراب به آمریکای لاتین از آغاز قرن بیست و یکم، ارتباط جهانی جوامع عرب مهاجر در ابعاد مختلف - اجتماعی، ارتباطی، اقتصادی و غیره است - که در مطالعات دیاسپورا به‌عنوان "فراملی" شناخته می‌شود. بر همین مبنا پرسش اساسی این است که دیاسپورای عرب چه نقش مؤثری در توسعه مثبت به معنای عام (فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) در کشورهای آمریکای لاتین دارد؟ یافته‌ها و شناسایی عناصر تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد که نخبگان عرب از ابتدای ورود به این کشورها نقش بسیار فعالی در بخش‌های مختلف داشته، به‌نحوی که هم پیوند و همبستگی مثبتی با کشور مبدأ خود را حفظ کرده و هم به‌عنوان بازیگر فعال، نقش‌های مهمی را در پویایی و ابتکارات مختلف در جامعه مقصد ایجاد کرده، به‌نحوی که در اقتصاد، سیاست و فرهنگ مبدأ نوآوری‌های بسیار زیادی بوده‌اند و موجب مباحثات و غرور ملی جامعه مقصد و مبدأ نیز بوده‌اند. روش پژوهش بر اساس توصیف و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است.

### پیشینه پژوهش

یکی از مهم‌ترین دلایل برای نگارش مقاله پژوهشی این است که تاکنون کتاب و مقاله درباره دیاسپورای اعراب در آمریکای لاتین به زبان فارسی نوشته نشده است. کتاب‌های موجود به زبان انگلیسی نیز اندک هستند، اما شماری از مقالات موضوع را بررسی کرده‌اند. دلیل کمیابی موضوع نیز مشخص است، کار درباره دیاسپورا معمولاً نیاز به پژوهش میدانی و تحقیقات محلی و منطقه‌ای دارد و کمتر مبانی نظری می‌تواند آن را پوشش دهد. حتی بیشتر منابع خارجی نیز با شیوه گزارش میدانی تهیه شده‌اند. بر همین مبنا در این مقاله سعی شده است تا از آخرین پژوهش‌های موجود بهره گرفته شود.

<sup>۲</sup> "turcos" (Turks)  
<sup>۳</sup> Arab diaspora

- توبیاس باس<sup>۴</sup> در کتاب شناسی آکسفورد با عنوان «دیاسپورای عرب در آمریکای لاتین» به تاریخ و مهاجرت دیاسپورای عرب معاصر در آمریکای لاتین از دهه‌های پایانی قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم اشاره دارد (Boos ۲۰۱۷) و به چند مقاله عمده در اینباره استناد کرده است:
- بائزا سیسیلیا (۲۰۱۴) در مقاله فلسطینی‌ها در آمریکای «بین همسان‌سازی و ملی‌گرایی از راه دور» تاریخی دقیق از توسعه جوامع فلسطینی در آمریکای لاتین و به‌ویژه شیلی ارائه می‌دهد. این مقاله پویایی‌های سیاسی و تشکلی فراملی را که جوامع فلسطینی در آمریکای لاتین را به سایر جوامع فلسطینی در سراسر جهان متصل می‌کند، توصیف می‌کند و از دیدگاه فراملی از ارتباط جوامع مذکور با روابط جهانی حمایت می‌کند. (Boos ۲۰۱۷)
- برجین جیلداس (۲۰۰۸) در کتاب «سوری‌ها و لبنانی‌ها در آمریکای جنوبی (۱۹۱۸-۱۹۴۵)» بر نقش مهم دولت فرانسه در شکل‌گیری هویت‌های ملی در میان سوری‌ها و لبنانی‌های مقیم آمریکای لاتین پس از پایان امپراتوری عثمانی تمرکز دارد. در این زمان، لبنان و سوریه تحت فرمان فرانسه بودند که سعی در ترویج هویت سوری و لبنانی داشت و این امر به‌شدت بر توسعه بعدی جوامع عرب در آمریکای لاتین تأثیر گذاشت. (Boos ۲۰۱۷)
- ایگناسیو کلیچ و جفری لسر (۱۹۹۸) به‌عنوان ویراستار کتاب «مهاجران عرب و یهودی در آمریکای لاتین، تصاویر و واقعیات» در مجموعه‌ای از مقالات به جنبه‌های مختلف مهاجرت و فرهنگ‌پذیری اعراب و یهودیان در آمریکای لاتین می‌پردازند و بررسی می‌کنند که چگونه نخبگان آمریکای لاتین که مشتاق تغییر ترکیب قومی کشورهای خود بودند، از ورود اعراب و یهودیان احساس خطر کردند. کتاب در ۱۱ فصل به شکل دقیق به هم‌زیستی اعراب و یهودیان در نیمه اول دهه ۱۹۰۰ آرژانتین، به نقش اعراب و یهودیان در توسعه کارائیب کلمبیا ۱۸۵۰-۱۹۵۰ و حضور اقتصادی عرب - یهود در سن پدرو سولا، پایتخت صنعتی هندوراس، وضعیت اقتصادی و اجتماعی مهاجران یهودی و عرب در بولیوی، تاریخ قومی، ناسیونالیسم و فراملیت‌گرایی در فرهنگ‌های عرب و یهودی آرژانتین، تاریخ‌نگاری مهاجرت یهودیان به آرژانتین می‌پردازد (Klich and Lesser ۱۹۹۸).

<sup>۴</sup> Tobias Boos

- کوبین فانک<sup>۵</sup> (۲۰۲۲) در کتاب تحقیقی و ارزشمند به نام «ریشه‌های جهانی‌شدن، نخبگان تجاری عرب آمریکای لاتین و سیاست تصویرسازی جهانی» درباره ارتباطات اعراب با آمریکای لاتین در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی‌شدن در کشورهای برزیل، شیلی، آرژانتین منتشر کرده است که حاوی اطلاعات بسیار خوبی برای درک ارتباط نخبگان عرب فعال در منطقه است. ضمن اینکه حاوی اطلاعات جزئی درباره نخبگان عرب است. در کتاب به افرادی از نخبگان عرب اشاره دارد. مثلاً در شیلی به دیگو ماخلو<sup>۶</sup> مدیر ارشد در دستگاه توسعه بین‌المللی شیلی و مؤسس یک گروه تجاری بخش خصوصی عرب - شیلی اشاره می‌کند که پس از آن توسط دولت شیلی برای خدمت در یک موقعیت دیپلماتیک سطح بالا در خاورمیانه منصوب شد. یا دکتر رافائل بیشارا<sup>۷</sup> اقتصاددانی با تحصیلات که بنیان‌گذار و برای چندین دهه به‌عنوان مدیر یک گروه تجاری آرژانتینی با تمرکز بر لبنان بود. قدیم الحسنى<sup>۸</sup> و عقیل قاسم<sup>۹</sup> که هر دو از مدیران ارشد یک انجمن تجاری برزیلی عراق هستند، به سوابق و فعالیت‌های این افراد و یا افراد مشابه در ونزوئلا به شکل کامل پرداخته شده است (Funk ۲۰۲۲).
- کریستیان ریچی (۲۰۲۳) در کتاب دیاسپورای عربی - آفریقایی در اسپانیا، پرتغال و آمریکای لاتین مباحث بسیار جالب‌توجهی درباره تأثیرات فرهنگی و جریان‌های ادبی و به طور دقیق جریان‌های نخبگان هنرمند را در کشورهای شیلی، آرژانتین و کلمبیا مطرح کرده است. (Ricci ۲۰۲۳)

### چارچوب نظری پژوهش

واژه دیاسپورا تا چند دهه اخیر واژه پرکاربرد نبوده است و تا دهه ۱۹۷۰ میلادی به‌ندرت از آن در مباحث آکادمیک استفاده می‌شد، اما به‌تدریج به یکی از کلیدواژه‌های رایج نه‌تنها در نوشتار آکادمیک بلکه در فرهنگ عامه تبدیل شد. بیشتر مباحث اولیه در مورد دیاسپورا به شکل قاطعانه‌ای ریشه در یک وطن انتزاعی داشتند که در ابتدا مستقیماً به گروه یهودی‌ها می‌پرداختند؛ اما همان‌طور که مفهوم دیاسپورا شروع به بسط و گسترش کرد، موارد دیگر را نیز شامل شد، در واقع چنین پارادایمی در مفهوم دیاسپورا

<sup>۵</sup> Kevin Funk  
<sup>۶</sup> Diego Makhoul  
<sup>۷</sup> Rafael Bishara  
<sup>۸</sup> Qadim Al-Hassani  
<sup>۹</sup> Aqil Qasim

بر اساس دیاسپورای یهودی به‌عنوان نمونه‌ای کلاسیک مفهوم‌سازی شده بود. نخستین تئوری دیاسپورا اولین بار در مقاله‌ای تحت عنوان "دیاسپورا های بسیج شده و پرولتاریایی" نوشته گابریل شفر<sup>۱۰</sup> پدیدار شد (کاظمی ۱۳۹۹). برخی گروه‌های مهاجر که اندرسون آن‌ها به‌عنوان "ناسیونالیست‌های از راه دور" عنوان کرده است به دلیل تداوم مداخلاتشان در سیاست‌های وطن که گاهی شامل حمایت از جنبش‌های تروریستی یا فراملی‌گرایی می‌شود، به‌عنوان دیاسپورا شناخته می‌شوند. این گسترش مفهومی به طور فزاینده ما را با انواع دیگری از دیاسپوراهای فرضی مانند دیاسپورای دیکسی، دیاسپورای یانکی، دیاسپورای سفید، دیاسپورای لیبرال، دیاسپورای دگرباش، دیاسپورای بنیادگرا و... روبه‌رو می‌کند. (کاظمی ۱۳۹۹)

رویگرد برویگر نسبت به این مسئله منتقدانه است او با قراردادن واژه دیاسپورای در داخل گفتاورد برآن است تا بر مرزهای معنایی آن تأکید کند. او معتقد است برخلاف پراکندگی مفهومی، می‌توان سه عنصر اصلی تشکیل‌دهنده مفهوم دیاسپورا در بیشتر تعاریف و مباحث در مورد این پدیده درک کرد. پراکندگی به معنای اجبار، گرایش به وطن به‌عنوان یک منبع معتبر از ارزش‌ها، هویت و وفاداری و مرز که شامل حفظ یک هویت متمایز در جامعه یا جوامع میزبان می‌شود. مرز همان چیزی که است که فرد را قادر می‌سازد تا از دیاسپورا به‌عنوان یک جماعت متمایز حرف بزند که توسط یک همبستگی متمایز و فعال و همچنین روابط اجتماعی نسبتاً متراکم گردآمده، مرزهای دولتی را شکسته و اعضای دیاسپورا را در کشورهای مختلف در یک جماعت فراملی به هم پیوند داده است. (کاظمی ۱۳۹۹)

به‌طورکلی، دیاسپورا، بیان‌کننده رابطه میان یک جمعیت و سرزمین مادری‌شان است که از آن دور افتاده‌اند و بدون توجه به تمایزهای موجود میان گروه‌ها، برای توصیف همه جمعیت‌های بدون سرزمین یا فراملیتی (افرادی با اصالتی متفاوت از سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند) به کار گرفته می‌شود. هرچند دیاسپورا واژه پرکاربردی در حوزه علوم اجتماعی و مهاجرت است، اما از نظر دلالت‌های معنایی و نظری، همچنان واژه‌ای چالش‌برانگیز است و بحث‌هایی چون نوع مهاجرت (اختیاری/ اجباری)، هویت (حفظ هویت پیشینی یا ساخت هویت جدید) رابطه با سرزمین مادری و سرزمین میزبان (اجتماع مهاجران خواهان پیوستگی با سرزمین مادری یا عدم پیوند و گسست با کشور میزبان) در رابطه با آن مطرح است. (خزائی ۱۳۹۹، ۷۲)

در دیاسپورا سه تعریف باز، طبقه‌بندی‌شده و متقابل

<sup>۱۰</sup> Gabriel Sheffer



وجود دارد. در تعریف باز از دیاسپورا مؤلفه "حفظ پیوند و رابطه با سرزمین مادری" و "داشتن رابطه عاطفی و مادی محکم و تنگاتنگ با سرزمین زادگاه مورد تأکید است. ر تعریف طبقه‌بندی‌شده، یا تأکید بر معیارها همچون "میزان جمعیت مهاجر" در بیرون از سرزمین مادری است و یا بر مؤلفه‌هایی چون "نگهداشت یک حافظه جمعی از سرزمین مادری، پذیرفته‌نشدن جمعیت مهاجر از سوی جامعه میزبان، حفظ تصویر آرمانی از وطن به مثابه هدف و انگیزه‌های برای بازگشت و نیز، اعتقاد گروهی به تعهد برای مرمت و امنیت سرزمین مادری تأکید می‌شود. تعریف متقابل از دیاسپورا، در سال‌های ۱۹۸۰ اهمیت یافته و متأثر از اندیشه پست‌مدرن و نقد مدرنیته، به‌ویژه در کارهای میشل فوکو و رویکردهای مطالعات فرهنگی در مورد خرده‌فرهنگ‌ها، زیردست‌ها، یا جمعیت‌های پسااستعماری، کارگران، اقلیت‌ها و مهاجران است. بیشترین تأکید در این تعریف از دیاسپورا، بر "نقطه آغاز مهاجرت، نگهداشت هویت نخستین و یکسان باوجود پراکندگی جمعیت" و همچنین، درپیش‌گرفتن یک بازاندیشی پست‌مدرنیستی به نفع هویتی پارادوکسال و هیبریدی است. (خزائی ۱۳۹۹، ۷۵-۷۷)

در دیاسپورا به درهم تنیدگی به روش‌های، پیوسته و پیچیده‌ای از عوامل ساخت هویتی نیز اشاره دارد که به برخی از آنها مثل نژاد، طبقه، جنسیت، ملیت، مذهب، توانایی جسمانی/ناتوانی، قومیت، سن می‌توان اشاره کرد. این عوامل درهم تنیده با تلاقی، همکاری و همپوشانی با سیستم‌ها و مکانیسم‌های اجتماعی مختلف مراتب طرد، استثمار و تبعیض اجتماعی متعدد را برای گروه‌های مختلف ایجاد می‌کنند. از اینرو، درهم تنیدگی تأثیر همزمان، پرتنش،

انعطاف ناپذیر، متغیر و مستقیم عوامل متعدد و گوناگون بر وضعیت اجتماعی، هویت‌های اجتماعی و جایگاه‌های اجتماعی در طبقه بندی قدرت و برتری را برجسته می‌کند. درحقیقت، عوامل موجود می‌توانند پیچیدگی‌های درهم تنیدگی را افزایش دهند و هویت‌های چندگانه/ترکیبی ایجاد کنند. به همین ترتیب، رویکرد درهم تنیدگی بر جایگاهی که فرد به‌عنوان یک کل جدا نشدنی اشاره می‌کند. (پورعلی، اسلامیه و چاوشیان ۱۴۰۳، ۲۹۴-۲۹۵)

مدلی که می‌تواند یک دیاسپورای کامل را به تصویر بکشد شامل مراحل: تاریخ پراکندگی، حافظه تاریخی مکانی که ریشه هویتی فرد در آنجاست، بیگانگی در کشور جدید، تمایل به بازگشت به وطن اصلی، حمایت‌های مداوم از وطن اصلی و حس تعلق و هویت جمعی به مثابه یک گروه است. مفهوم دیاسپورا در بستر جغرافیا شکل می‌گیرد. جغرافیا و دیاسپورا که یک نقطه عزیمت برای جغرافی‌دانان در مطالعه دیاسپورا، ماهیت رابطه دیاسپورای قلمرو است. مردم در فضا و ارتباطات فراملی بین مردم و مکان هستند. جغرافیا به‌وضوح در قلب دیاسپورا نهفته است. رویکرد جغرافیایی در توانایی بالقوه آن برای ارزیابی و فهم دیاسپورا به مثابه یک فریاد که در آن فضا، مکان و زمان می‌تواند به‌عنوان حد و بیکران در سازه‌های هویتی که جامعه و دولت و ملت دیده می‌شوند، نهفته باشد. (حاتمی ۱۳۹۶، ۶۷-۷۰)

یک دیاسپورای اجتماعی ابتدا به وجود می‌آید و سپس با بدهی زندگی می‌کند، بدهی به هر چیزی که در یک مکان معین، بین کسانی که می‌خواهند پیوند برقرار می‌کند. گروه‌بندی‌کردن و حفظ روابط از راه دور با گروه‌های دیگر که اگر چه در جای دیگری مستقر هستند، اما هویت مشترکی



می‌کنند؛ لذا بین فراملی‌گرایی و دیاسپورا ارتباط منطقی هست. (baubock, rainer; faist, thomas;& others, ۲۰۱۰، ۹)

دیاسپورا چند ویژگی دارد. ۱- دیاسپورا و رویکردهای فراملی با ارتباط شدید با سرزمین‌های محلی یا لابی‌های آن دارد. ۲- حفظ روابط مستمر مهاجران با کشورهای مبدأ و یا مشارکت در جنبش‌های اعتراضی. ۳- دیاسپورا و فراملی‌گرایی ممکن است ارتباطی با جهانی‌شدن نداشته باشند، بلکه به حق مهاجرت مربوط باشد که در لیبرال دموکراسی‌ها از حقوق اساسی شهروندان است و بیشتر به حق تعیین سرنوشت جمعی اشاره دارد و بیشتر متمرکز بر تمایز فرهنگی در مسائلی مانند جوامع مذهبی و ملیت و عملکرد اجتماعی مرتبط باشد. (baubock, rainer; faist, thomas;& others, ۲۰۱۰، ۱۶)

دیاسپوراها در عرصه بین‌المللی قادر به تأثیرگذاری در موضوع سیاست خارجی کشورهای مبدأ و مقصد نیز هستند. دیاسپورا بر مبنای میزان اثرگذاری بر امور به دو دسته دیاسپوراهای فعال و دیاسپوراهای منفعل قابل تقسیم هستند. دیاسپوراهای منفعل آن دسته از دیاسپوراها هستند که نه به‌واسطه عمل و اثرگذاریشان که به‌واسطه رویدادهای خاص به عرصه روابط بین‌الملل افزوده می‌شوند. اغلب، این مسأله وقتی اتفاق می‌افتد که گروه دیاسپور در سرزمین میزبان نیازمند کمک کشور مبدأ یا جامعه جهانی می‌شود. دسته دوم دیاسپوراها بازیگران فعالی هستند که توانایی و انگیزه اثرگذاری بر سیاست خارجی کشور میزبان و مبدأ خود را دارند. دیاسپوراها مخصوصاً آنهایی که در جوامع لیبرال دموکراتیک هستند، اغلب به منظور تأثیرگذاری بر سیاست خارجی کشور میزبان در مقابل کشور زادگاهشان به عنوان گروه‌های ذی‌نفوذ سازماندهی می‌شوند. در واقع، در جوامع دموکراتیک گروه‌های قومی دیاسپورا به مثابه بخشی از جامعه مدنی تکرگرا یا وزنه تعادل نخبگان سیاسی به شمار می‌روند که می‌توانند به طور مستقیم سیاست کشور خاستگاه را از خارج (از طریق سرمایه‌گذاری و تأمین وجوه جنبش‌های خاص یا انتشار دیدگاهشان در خصوص سیاست و هویت ملی) تحت تأثیر قرار دهند و یا در کشور میزبان بر سیاست خارجی آن کشور نسبت به سرزمین اصلی اثر بگذارند. در برخی کشورها، دیاسپوراها همچنین به طور مستقیم از طریق نمایندگی سیاسی در کشور مبدأ اعمال نفوذ می‌کنند. به هر حال، دیاسپوراها ممکن است در وجه مثبت، منبع بسیج نیروی انسانی، سرمایه، تحولات در حوزه فناوری و ایجاد

را به دنبال دارند. این پیوند می‌تواند به اشکال مختلف مانند خانواده، اجتماع، اعتماد وجود داشته باشد. روابط عجیب، اجتماعی - سیاسی و اقتصادی یا خاطره مشترک یک فاجعه یا آسیبی که توسط اعضای دیاسپورا یا آنها متحمل شده‌اند. اجداد یک دیاسپورا دارای یک سرمایه نمادین است که قادر به بازتولید و غلبه بر مانع است. یک دیاسپورا در محل فعلی سکونت خود، کل مجموعه را با هم متحد در مکان‌های خرد (مثلاً محله‌های شهر یا روستاها) اشغال شده یا توسط کسانی که آنها را متعلق به خود می‌دانند عبور می‌کنند. هر کدام از اینها مکان‌ها به‌عنوان مرکزی در قلمرویی عمل می‌کنند که در آن نزدیکی‌های اجتماعی سرکوب می‌شوند. همه دیاسپوراها در شبکه‌های فضایی - اجتماعی لزوماً در حال گسترش سرزمینی هستند. زیرا هم‌مکان‌های خاطره و هم‌مکان‌های حضور را جمع می‌کنند. (Chen, Bandara and Sanford, ۲۰۲۴، ۱۳۷-۱۴۸)

اصطلاح «دیاسپورا» اغلب بیشتر جنبه استعاره‌ای دارد و می‌توان به شش مورد اساسی محدود کرد. تمرکز حول پراکندگی تحت فشار، انتخاب مقصد، شناسه، آگاهی واحد، فضای شبکه‌ای، مدت‌زمان روابط فراملی و روابط استقلال از جوامع میزبان و مبدأ. مهاجران دیاسپوریک تجربه پراکندگی در شامل چندین نسل پس از اولین مهاجرت. آنها هویت خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند. دیاسپورا تمایل دارد که یک شکل‌گیری اجتماعی مستقل از میزبان و جوامع مبدأ به لطف فرهنگ متعدد آن انجمن‌های فرهنگی، سیاسی، مذهبی، حرفه‌ای. دیاسپورا در اقتصاد شبکه‌ها بازیگران نامرئی در تجارت بین‌المللی هستند که مسیری را برای فراملیت ایجاد می‌کنند که شامل (۱) مزیت‌های تجاری کارآفرینی مهاجر فراملی، (۲) عوامل تعیین‌کننده تبدیل شدن به یک کارآفرین مهاجر فراملی، (۳) شبکه‌های فراملی مهاجران، (۴) تأثیرات اقتصادی کارآفرینی مهاجر فراملی بر کشورهای داخلی و میزبان (۵) اینکه آیا محیط‌های محلی موفقیت کارآفرینی را ممکن می‌کند یا از آن جلوگیری می‌کند. بانک جهانی نشان می‌دهد که وجوه ارسالی از جمعیت‌های دیاسپورا در سراسر جهان بالغ بر ۶۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ (بانک جهانی، ۲۰۲۳) بوده است. (Chen, Bandara and Sanford, ۲۰۲۴، ۱۳۷-۱۴۸)

پیوند بین دیاسپورا و فراملی‌گرایی و چندفرهنگی، گرچه هریک از این واژگان اشاره به روندی خاص دارد، اما دیاسپورا اغلب به گروه‌های ملی و مذهبی اشاره دارد که به دلیل مهاجرت خارج از سرزمین اصلی زندگی می‌کنند. این‌ها به‌صورت فرماسیون فعال شبکه‌ای، گروهی و سازمانی عمل



اشتغال به نفع کشور مبدأ و یا در وجه منفی، منبع تأمین نیرو و سرمایه و فکر برای گروه‌های خرابکار یا جدایی طلب در مقابل کشور موطن خود باشند. (واعظی ۱۳۹۲، ۳۱-۳۳)

در مجموع به‌رغم تنوع و گوناگونی شکل‌های مهاجرت، برابر باور کوهن چند خصیصه کلیدی با هم اشتراک دارند: حرکتی داوطلبانه یا اجباری از یک سرزمین مادری به منطقه و یا مناطقی جدید؛ - خاطره‌ای مشترک درباره سرزمین مادری، پابندی به حفظ این خاطره و ایمان به امکان بازگشت نهایی؛ - هویت قومی نیرومندی که در طول زمان و مکان پابرجا می‌ماند؛ حس همبستگی با اعضای همان گروه که در سایر مناطق زندگی می‌کنند؛ درجه‌ای از تنش و اصطکاک در مناسبات میان مهاجران و جوامع میزبان؛ توان ایفای سهم خلاق و ارزشمند در جوامع میزبان کثرت‌گرا. (گیدنز ۱۳۸۹، ۳۸۲)

### دیاسپورای فرهنگی لاتینی عرب تبار

بسیاری از نویسندگان تلاش کرده‌اند داستان زندگی مهاجران خاورمیانه به آمریکای لاتین را روایت کنند که امین معلوف در «ریشه‌ها»<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۴) از سفر اعضای خانواده‌اش به کوبا، رافائل کانفیانت<sup>۱۲</sup> در رمان خود سفر پرفرازونشیب یک مهاجر سوری به مارتینیک در اوایل قرن بیستم را توصیف می‌کند. این مجموعه آثار «آداب مهاجر»<sup>۱۳</sup> (ادبیات دیاسپورا) نامیده می‌شود که خلیل جبران نامدارترین نویسندگان آن است. بخش زیادی از مهاجران مسلمان پرتغالی - معروف به موریسکوس یا مورها<sup>۱۴</sup> - که به برزیل مهاجرت کرده‌اند تمایل به کسب اطلاعات در مورد اولین مهاجران مسلمان در آمریکای لاتین دارند. اما جامعه لبنانی و سوری تبار در آرژانتین هرگز علاقه زیادی به چنین موضوعاتی نشان نداده است. برخی از نخبگان عرب در برزیل دوست دارند خود را اروپایی ببینند، اما بخش زیادی نیز ترکیبی از مردم بومی، آفریقایی‌ها، اروپایی‌ها و همچنین مورها هستند (Lima ۲۰۲۴).

روایتی‌هایی وجود دارد که مسلمانان و اعراب نه تنها با مهاجران از اندلس، بلکه با آفریقایی‌هایی که به‌عنوان برده آورده شده‌اند و موج عظیم مهاجران سوری و لبنانی که از آن زمان به برزیل آمده‌اند، سهم تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری مردم برزیل در پایان قرن ۱۹ داشته و شیوه‌های زندگی مردم را در سطوح مختلف تغییر دادند (Oualalou ۲۰۱۷).

دیدگاه‌های مخالفی نیز وجود دارند که درباره هویت

اسلام اعراب موضع‌گیری می‌کنند. کتاب‌های حاوی این دیدگاه‌ها به نقش عرب‌زبانان (مسیحیان، یهودیان و مسلمانان) در دیاسپورا در سرتاسر آمریکای لاتین اشاره می‌کنند و بر تولید هویت‌هایی به‌عنوان سوری/لبنانی، ترک، مسلمان و موریسکو در این قاره تأکید می‌کنند. اول اینکه اکثر عرب‌زبانانی که به این منطقه مهاجرت کردند مسیحی و یهودی بودند نه مسلمان؛ بنابراین ارتباط بین زبان و فرهنگ عربی و دین اسلام خطی نیست. حضور مهاجران عرب‌زبان و مسلمانان غیرعرب در آمریکای لاتین ناشی از مجموعه‌ای از امواج مهاجرتی از ابتدای اسکان اروپایی‌ها در این قاره بوده است. در نیمه دوم قرن نوزدهم، عرب‌زبانان امپراتوری عثمانی که در حال گذراندن فرایند مدرنیزاسیون بود، گروهی متمایز از مهاجران به قاره آمریکا را تشکیل دادند که عمدتاً از لبنان و سوریه امروزی و مسیحیان مارونی و ارتدوکس بودند. این گروه‌ها در آمریکای لاتین با جوامع محلی تعامل داشتند و فرهنگ‌های پیچیده‌ای را شکل می‌دادند که دائماً در حال تغییر هستند و خود را دوباره طراحی می‌کردند که توسط دیاسپورای معاصر تغذیه می‌شد. مهاجران لبنانی در جامعه برزیل و ارتقای اجتماعی آنها به موقعیت‌هایی از دست‌فروشان (شغل رایج این گروه در سراسر قاره آمریکا) تا متخصصان لیبرال، پزشکان و در نهایت سیاست‌مداران می‌رسد (Mota ۲۰۲۰، ۸۲۱-۸۲۴).

زمان ورود اولین مهاجران به فرصت‌های ارائه شده توسط بازار مرتبط است. در دستور کار مطالعات پسااستعماری، نویسندگان، مطالعات خود را بر مسلمان شدن متمرکز می‌کنند و ذات‌گرایی نهفته در این زمینه مطالعاتی را رد می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند که مفهوم مناطق جهان، جغرافیا را به‌عنوان واحدهای فرهنگی محدود کرده است و درک مبادله، گردش و تاریخی بودن فرهنگ را تیره کرده است. روبه روش‌شناختی اتخاذ شده در این کتاب‌ها را می‌توان «شک‌گرایی خلاق» توصیف کرد. هنگامی که ارتباطات آمریکا با جامعه جهانی مسلمانان در مرکز بحث قرار می‌گیرد، موضوعات جدیدی هست که عبارت‌اند از (۱) تولید هویت‌های جدید مسلمانان در آمریکای لاتین و کرائیب در تقابل با امپریالیسم ایالات متحده یا همگن سازی هویت‌های ملی اروپامحور و مسیحی. (۲) گردش افکار در میان روشنفکران مسلمان در سرتاسر جهان که مدارهایی غیر از اقیانوس اطلس غربی را برجسته می‌کند و (۳) تأثیر مفهوم نژاد بر هویت‌های اسلامی در قاره آمریکا. شرق‌شناسی‌های آمریکای لاتین گواه برداشت‌هایی از اسلام و جهان‌های عرب (مسلمان یا غیر مسلمان) است

که تخیلات، کلیشه‌ها، نفرت‌ها و افسون‌ها را می‌سازند. بنابراین، گفتارهای مهاجرت و اسلام عرب‌زبانان و در مورد آن، عناصر سازنده تجربیات آمریکای لاتین به‌عنوان یک کل هستند که تاریخ طولانی نادیده گرفته شده‌ای را باز می‌کنند (Mota ۲۰۲۰، ۸۲۱-۸۲۴).

با ذکر موضوع محوری قبلی مشخص است بین مسلمانان و اعراب آمریکای لاتین باید تفکیک قائل شد. انجمن پیو با حمایت مالی دانشگاه دفاع ملی میزگردی با موضوع «اسلام و جنگ جهانی علیه تروریسم در آمریکای لاتین» برگزار کرد. برخی اظهارات و یافته‌های کلیدی به شرح زیر بود: ۱- تعداد مسلمانان در آمریکای لاتین حدود ۶ میلیون نفر یا ۱۲ درصد از جمعیت تقریباً ۵۰۰ میلیونی است. جمعیت مسلمانان عمدتاً سنی هستند که اساساً مطابق با نسبت آن در سراسر جهان است که حدود ۸۴ درصد سنی و ۱۶ درصد شیعه هستند. ۲- دو مدل از جوامع در آمریکای لاتین هست. اول، جوامعی که توسط مهاجران تأسیس شده‌اند. مهاجرانی از هند، پاکستان یا اندونزی هستند که به سورینام، گویان و ترینیدادوتوباگو آمده‌اند. نسبت مسلمانان در این کشورها نسبت به جمعیت، بیشترین نسبت را در آمریکای لاتین دارد. مدل دوم، جوامع مسلمانی است که توسط مهاجران سوری، لبنانی و فلسطینی تأسیس شده است. بدین ترتیب مذهب آنها خصلت قومی پیدا کرد. این شخصیت قومی از اواخر دهه ۱۹۹۰ شروع به تغییر کرد، زمانی که اسلام به طور گسترده وارد صحنه بین‌المللی شد (de Oliveira ۲۰۰۶).

انواع دیگری از جوامع را داریم - جوامع مسلمانی که توسط تازه مسلمانان یا نوکیشان تأسیس شده‌اند که یک پدیده کاملاً جدید است. ما چند نمونه از آن جوامع در مکزیک، هائیتی، کوبا و اکوادور داریم. این تازه مسلمانان عموماً دانشجویانی هستند که در حین تحصیل در اروپا و

ایالات متحده به اسلام گرویدند. سپس برخی به کشورهای مسلمان می‌روند تا درباره اسلام و اشاعه بیشتر بیاموزند. این جوامع ۱٪ بسیار فعال‌تر و پویاتر از جوامعی هستند که توسط مهاجران راه اندازی شده‌اند. ۲- مهاجران عرب که این جوامع را راه‌اندازی کردند، اکنون به یک موقعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تعلق دارند که در جوامعی خود بسیار بالاتر از حد متوسط است. برخلاف مسلمانان اروپایی، این جوامع با طرد اجتماعی همراه نیستند. این عامل باید در نظر گرفته شود: موقعیت و جذب آسان مسلمانان در مهاجرت به فرهنگ‌های آمریکای لاتین عامل مهمی است که باید در بررسی جوامع مسلمان در آمریکای لاتین مورد توجه قرار گیرد. ۳- تازه مسلمانان یا نومسلمانان نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کنند. آنها تنها امکان رشد اسلامی در آمریکای لاتین را نشان می‌دهند، زیرا مهاجرت مسلمانان رو به کاهش بوده است. تازه مسلمانان و نوکیشان تأکید بیشتری بر جنبه‌های مذهبی و پاکدامنی عمل خود دارند و تلاش بیشتری برای جذب شرکت کنندگان جدید می‌کنند. حضور آن‌ها در جوامعی که توسط مهاجران تأسیس شده‌اند، تنش‌هایی را بین آن‌ها و افراد مسلمان به دنیا آمده، ایجاد می‌کند. حضور نوکیشان منجر به تأکید بیشتر بر مطالبه حقوق دینی برای جامعه مسلمانان در حوزه عمومی و کاهش علاقه به مسائل سیاسی بین‌المللی مرتبط با خاورمیانه شده است. ۴- توجه به خصلت فراملی این دین و حرکت دائمی اعضای آن در کشورهای مسلمان اهمیت دارد. شیوخ برای اجرای فعالیت‌های مذهبی می‌آیند. متولدین و تازه مسلمانان برای تحصیل و زیارت مکه می‌روند. ۵- نقش کمک‌های بین‌المللی کشورهای مسلمان در جامعه آمریکای لاتین یکی دیگر از ویژگی‌های مهم اسلام در آمریکای لاتین است. بیشتر این کمک‌های مالی از سوی دولت عربستان سعودی



۱۱ Amin Maalouf, in "Origins"  
 ۱۲ Raphaël Confiant, in his novel "Rue des Syriens,"  
 ۱۳ "Adab al Mahjar" (Diaspora Literature)  
 ۱۴ Mouriscos, or Moors



و سازمان‌های بین‌المللی تامین می‌شود. ۶- هر جامعه یا مسجد مستقل از بقیه است و بنابراین ویژگی‌های خاص خود را دارد که بیشتر به پروتستان‌ها شباهت دارد تا کاتولیک‌های رومی. ۷- جزیره مارگاریتا حدود ۴۰۰۰ نفر مسلمان دارد که اکثراً لبنانی و فلسطینی و عمدتاً بازرگان هستند. پس می‌توان گفت که هم جوامع دارای ویژگی قومی‌تری هستند و هم مهاجرت آنها جدیدتر است. در مورد ایجاد هسته‌های تروریستی، این هرگز ثابت نشده است. رسانه‌ها در مورد تهدید در ارتباط با جوامع مسلمان منطقه اغراق کرده‌اند و واقعیت کاملاً متفاوت از آن چیزی است که به تصویر کشیده شده است. یک اقتصاد غیرقانونی بزرگ در این منطقه رشد می‌کند، اما این لزوماً به این معنا نیست که جامعه مسلمان به‌عنوان یک کل درگیر است. ۸- اتفاقات ایران و در عربستان سعودی به طور بالقوه می‌تواند در آمریکای لاتین تأثیر بگذارد. ۹- در آمریکای لاتین واقعاً اهداف بزرگ زیادی برای تروریسم وجود ندارد. چه کسی به برزیل حمله می‌کند؟ معمولاً خصومتی با برزیلی‌ها وجود ندارد. احتمالاً گروهی از حزب الله و یک شبکه وجود دارد. شاید آنها بتوانند از آن استفاده کنند و در آمریکای لاتین مشکل ایجاد کنند ( de Oliveira ۲۰۰۶).

عربستان سعودی در جذب نخبگان منطقه بسیار فعال است. "لاتین‌های عرب" نام پروژه‌ای است که توسط یونسکو تحت حمایت مالی برنامه سلطان بن عبدالعزیز آل سعود برای ترویج زبان عربی در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۲ قرار دارد. برنامه عمل شامل چهار رکن: (۱) تحقیق و تولید دانش تولید؛ (۲) ارتقای ارتباط و آگاهی (۳) ظرفیت سازی؛ (۴) همکاری‌های بین‌المللی. برنامه اقدام برای پنج سال طراحی شده است: ۲۰۲۳-۲۰۲۷. همه کشورهای اسپانیا و کشور پرتغال در آن مشارکت دارند. ( de Campos ۲۰۲۲)

شیلی مکانی برای نخبگان هنرمند، نویسنده، نقاش، شاعر و روزنامه‌نگار فلسطینی است. گاهی می‌گویند هر زمان انتفاضه در فلسطین اتفاق می‌افتد، در شیلی هم اتفاق افتاده است. نوعی فرهنگ و ادبیات غنی عربی در شیلی و همچنین در آرژانتین شکل‌گرفته است که از تأثیرات نخبگان هنرمند است (Ricci ۲۰۲۳).

به‌هرحال یافته‌ها در بخش‌های فرهنگی حکایت از آن دارد که دیاسپورای فرهنگی امروزه در کشورهای آمریکای لاتین به‌ویژه شیلی به یکی از تأثیرگذارترین و خلاق‌ترین بخش‌ها تبدیل شده است. این دیاسپورا علاوه بر اینکه خود دارای ابتکارات کلیدی در توسعه فرهنگ و هنر هستند و حتی در بخش‌های تبلیغی نیز الگویی برای معرفی اسلام به شمار می‌روند، بلکه از

سوی کشورهای خود مانند عربستان سعودی نیز حمایت‌های کامل می‌شوند.

### دیاسپورای اقتصادی لاتینی‌عرب‌تبار

اولین مهاجران در کشورهایی پیاده شدند که زبان و آداب‌ورسوم آنها چیزی نمی‌دانستند. تنها فعالیتی که آنها در آن مشغول بودند تجارت سیار بود. در کمتر از یک نسل، مهاجران شروع به راه‌اندازی غرفه‌ها و باز کردن مغازه‌ها کردند. با نسل دوم، ماهیت مهاجرت تغییر کرد: از موقت به دائم، از فردی به خانوادگی. خیلی زود، مغازه‌های کوچک به «فروشگاه‌های بزرگ» و کارگاه‌های صنعتی کوچک به «شرکت‌های بزرگ» به‌ویژه در بخش نساجی تبدیل شدند. فرزندان نسل دوم و نسل‌های بعدی پس از صعود از نردبان موفقیت اقتصادی، به دانشگاه‌ها و مدارس معتبر رفت‌وآمد می‌کنند، به احزاب سیاسی و سازمان‌های کارگری یا حتی جنبش‌های انقلابی می‌پیوندند، اما خارج از خانواده ازدواج می‌کنند. در زمینه هویت عربی لاتینی‌های دارای میراث فلسطینی در این زمینه نمادین است، زیرا آنها روابط بسیار محکمی با خانواده‌های خود که در فلسطین مانده‌اند حفظ می‌کنند (Klich and Lesser ۱۹۹۸).

این فعالیت‌ها اکنون به شکل شبکه‌ای از تعامل اعراب منطقه با ساختار تجارت کشور مربوطه از دولتی تا خصوصی و کشور مقصد انجام می‌شود. مثلاً اتاق بازرگانی دبی در ۲۰۲۲ میزبان چهارمین دوره مجمع تجارت جهانی آمریکا بود که توسعه اقتصادی بین امارات متحده عربی، کشورهای آمریکای لاتین و منطقه کارائیب را تقویت می‌کند. در این دیدار بر تعهد برخی از شرکت‌های اماراتی فعال در این منطقه از جمله دی پی<sup>۱۵</sup> یک شرکت لجستیک چندملیتی به مدیر عاملی سلطان احمد بن سلیم عمدتاً فعال در ترمینال‌های فرودگاه‌ها و ورودی‌های بندرتاکید شد. مدیرعامل این شرکت گفته است: " امروزه ما ۷۵ میلیون کانتینر را در سراسر جهان جابه‌جا می‌کنیم که تقریباً ۱۱ درصد از کل مبادلات به دلار را تشکیل می‌دهد. این معادل سه و نیم میلیارد دلار محموله در پایانه‌های ما در سرتاسر جهان در سال است. آمریکای لاتین یک بازار بسیار مهم برای ما است. ما یک شرکت مشتری مدار هستیم، بنابراین در جایی سرمایه‌گذاری خواهیم کرد که مشتری به خدمات ما نیاز داشته باشد. ما در جمهوری دومینیکن هم با لجستیک پارک‌های صنعتی و هم عملیات بندری و در سانتوس در برزیل، آرژانتین، پرو، اکوادور، سورینام و در شیلی با دو بندر و یک عملیات لجستیکی هستیم. سرمایه‌گذاری در آمریکای لاتین تضمین شده است و به مرور زمان موانع و مشکلات دسترسی به مشتری برطرف می‌شود." شیخ محمد بن راشد آل مکتوم

حامی اصلی این رویداد است. ( Ortiz ۲۰۲۲)

دیاسپورای اقتصادی لاتینی عرب‌تبار امروزه یکی از قوی‌ترین بخش‌های اقتصادی این قاره را در اختیار دارند و از پشتیبانی کشورهای مبدأ خود نیز به طور کامل برخوردارند. امارات عربی متحده و عربستان و قطر بیشترین ارتباط را با این مناطق دارند.

### دیاسپورای سیاسی لاتینی‌عرب‌تبار

موفقیت اقتصادی "دیاسپورای عرب در آمریکای لاتین" سیاست را ابتدا در مقیاس محلی، سطح استانی و در نهایت در سطح ملی به روی آنها باز می‌کند، بسیاری از آمریکایی‌های لاتین با منشأ عرب پست‌های رئیس بانک، ژنرال‌های ارتش، فرمانداران، وزرا و حتی نامزدهای ریاست‌جمهوری یا رؤسای جمهور را بر عهده داشته‌اند. به‌عنوان مثال، ریکاردو یافت<sup>۱۶</sup>، با اصالت لبنانی، قبل از اینکه وزیر اقتصاد شود، رئیس بانک مرکزی برزیل بود و یک لبنانی دیگر به نام کامیلو آچکار<sup>۱۷</sup> جانشین او شد. در شیلی، کارلوس مساد<sup>۱۸</sup> نیز رئیس بانک مرکزی این کشور بود. در دهه ۲۰۰۰ نوادگان مهاجران عرب تعداد زیادی کرسی در پارلمان برزیل داشتند. آنها در تمام پارلمان‌های آمریکای لاتین حضور دارند. باتوجه‌به وضعیت اقتصادی آنها، می‌توان فرض کرد که این "آمریکایی‌های لاتین با اصالت عربی" به محافظه‌کاران و دست راستی رأی خواهند داد. حضور آنها در اتحادیه‌های کارگری و احزاب چپ و حتی انقلابی نیز وجود داشته است. مثلاً: پدرو سعد<sup>۱۹</sup>، رهبر اتحادیه کارگری در اکوادور. اسعد بوکارم<sup>۲۰</sup>، بنیان‌گذار نیروهای متمرکز مردمی<sup>۲۱</sup> در اکوادور؛ سرخیو بیتار<sup>۲۲</sup>، عضو حزب کمونیست شیلی؛ جیور معلوف<sup>۲۳</sup>، از جنبش انقلابی بولیوی؛ و فرناندو نادرا<sup>۲۴</sup>، وزیر دادگستری کوبا در زمان فیدل کاسترو. از دهه ۱۹۷۰ ده آمریکایی لاتین با تبار لبنانی، فلسطینی و سوری به رده‌های بالای دولت ایالتی به‌عنوان نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور رسیده‌اند: ادوارد سیگا<sup>۲۵</sup>، نخست‌وزیر جامائیکا (۱۹۸۰-۱۹۸۹)، خولیو سمیر<sup>۲۶</sup> توربای، رئیس‌جمهور کلمبیا (۱۹۷۸-۱۹۸۲)، خاکوبو ماخلوتا آزار<sup>۲۷</sup>، رئیس‌جمهور دومینیکن (۱۹۸۴)، کارلوس منم، رئیس‌جمهور

۱۶	Ricardo Yafet
۱۷	Camilo Achkar
۱۸	Carlos Masad
۱۹	Pedro Saad
۲۰	Asaad Bucarem
۲۱	Asaad Bucarem
۲۲	Sergio Bitar
۲۳	Jabbour Maalouf
۲۴	Fernando Nadra
۲۵	Edward Seaga
۲۶	Julio Samir Turbay
۲۷	Jacobo Majluta Azar

آرژانتین (۱۹۸۹-۱۹۹۹)، عبدالله بوکارم<sup>۲۸</sup>، رئیس‌جمهور اکوادور (۱۹۹۷-۱۹۹۶)، جمیل ماهود<sup>۲۹</sup>، رئیس‌جمهور اکوادور (۱۹۹۸-۲۰۰۰)، کارلوس فلورس فاکوسه<sup>۳۰</sup>، رئیس‌جمهور هندوراس (۱۹۹۸-۲۰۰۲)، الیاس آنتونیو ساکا<sup>۳۱</sup>، رئیس‌جمهور السالوادور (۲۰۰۴-۲۰۰۹)، میشل تمر، رئیس‌جمهور برزیل (۲۰۱۶-۲۰۱۸)، و ماریو عبدو بنیتز<sup>۳۲</sup>، رئیس‌جمهور پاراگوئه از آوریل ۲۰۱۸. حتی سفر لولا رئیس‌جمهور برزیل به خاورمیانه در سال ۲۰۰۳ به لبنان و سوریه تحت‌تأثیر لابی‌های عرب از جمله با حضور یک مهاجر سوری- لبنانی در برزیل قابل‌توجه بود که در سطوح سیاسی و اقتصادی بسیار تأثیرگذار بودند. امارات یک بازار وارداتی برای محصولات کشاورزی برزیل و منبع بالقوه سرمایه‌گذاری است و مصر سومین واردکننده بزرگ محصولات برزیلی در منطقه عربی است. در رابطه با فلسطینی‌ها، آنها همیشه از همبستگی بی‌شائبه برزیل در مبارزه خود علیه اشغالگری اسرائیل برخوردار بوده‌اند. اما کشورهای خلیج‌فارس به دلیلی غیر از تجارت به آمریکای لاتین علاقه دارند: سرمایه‌گذاری متقابل. به‌عنوان مثال، غول معدنی برزیل<sup>۳۳</sup> یک کارخانه فولاد در عمان با سرمایه‌گذاری کل نزدیک به یک میلیارد دلار راه‌اندازی کرده است. بخش بانکداری آمریکای لاتین نیز علاقه شدیدی را در میان سرمایه‌گذاران خلیج‌فارس برانگیخته است. صندوق سرمایه‌گذاری ابوظبی<sup>۳۴</sup> با سرمایه‌گذاری حدود ۳۵۰ میلیون دلار از شعبه برزیل بانک سانتاندر<sup>۳۵</sup> خرید کرده است. این مشارکت جنوب-جنوب باتوجه‌به وابستگی‌های متقابل امروزی آشکارا دوام می‌یابد و گسترش می‌یابد<sup>۳۶</sup>. امروز مجموع تجارت آنها بین ۳۰ تا ۳۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. این مشارکت جنوب - جنوب باتوجه‌به وابستگی‌های متقابل امروزی آشکارا دوام خواهد داشت و گسترش می‌یابد. البته در صورتی‌که آشفته‌گی خاورمیانه، بی‌ثباتی‌های آمریکای لاتین و به‌قدرت‌رسیدن رهبران پوپولیست در برخی از کشورهای آمریکای لاتین که توسط جریان‌های انجیلی طرف‌دار اسرائیل حمایت می‌شوند، راه‌های آینده را مسدود نکند. (Khader and Blesa ۲۰۲۰)

امروزه فضای جهانی‌شدن و ارتباطات طبقه نوظهور و نخبگان

۲۸	Abdalá Bucaram
۲۹	Jamil Mahuad
۳۰	Carlos Flores Facussé
۳۱	Elías Antonio Saca
۳۲	Mario Abdo Benítez
۳۳	VALE
۳۴	Aabar
۳۵	Banco Santander

۳۶ گوستاوو پترو، رئیس‌جمهور تازه منتخب کلمبیا در پروژه سیاسی جدید خود برای کلمبیا اشاره‌ای گویا و مشخص به «جستجوی اتحاد با جهان عرب» مطرح کرد.



مشکلات را برای بازگشت همه ایرانیان ورزشکار برطرف نماید.

- در بخش اقتصادی دیپلماسی ایجاد ارتباط به بازرگانان ایرانی در همه جای جهان باید فراهم شود، ارتباط سهل و همجانبه باید از سوی وزارت بازرگانی و اتاق‌های بازرگانی کشورها برای تسهیل در صادرات و واردات فراهم شود. الگوی ارتباط دیاسپورای تجار عرب با کشور مبدأ خود نمونه خوبی برای ایرانیان خواهد بود.

#### نتیجه‌گیری

- عرب‌های آمریکای لاتین یک گروه اقلیت نسبتاً کوچک را تشکیل می‌دهند و باوجود اهمیت سیاسی و اقتصادی شگفت‌آورتر است که محققان شمالی تا حد زیادی این جریان را نادیده گرفته‌اند. آرژانتین، کلمبیا، جمهوری دومینیکن، اکوادور، السالوادور، هندوراس و برزیل همگی رؤسای جمهور با تبار عرب داشته‌اند. تعداد زیادی از اعضای نخبگان اقتصادی، فرهنگی، فکری و ورزشی آمریکای لاتین هستند که می‌توان منشأ آنها را به جهان عرب ردیابی کرد. در شیلی و هندوراس فلسطینی‌ها بزرگ‌ترین گروه را تشکیل می‌دهند. شیلی خانه بزرگ‌ترین دیاسپورای فلسطینی در جهان است. خود لولا داسیلوا به این موضوع اشاره کرد که جهان عرب یک "برخورد مجدد" را تجربه کرد: "اولین بار از طریق میراث ایبری به ما رسید، بر این مبناست که برخی برزیلی‌های عرب به "شریک" دولت برزیل تبدیل شده‌اند. در مجموع، بسیاری از نخبگان اقتصادی عرب برزیل - و مرتبطان آنها جایگاه مطلوب‌تری در سطح ملی به دست آورده‌اند و با ارائه سرمایه قومی و فرهنگی خود به دولت و رهبران شرکت‌های جهان عرب و مسلمان بازرگان خصوصی بوده‌اند و از شرکت‌کنندگان فعال در ایجاد روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین این دو منطقه هستند و به تعبیر فانک همواره در تحولات دوجانبه در روابط اعراب و آمریکای لاتین حضور نخبگان سیاسی و اقتصادی عرب بسیار گسترده بوده است و از تلاش‌های یکدیگر برای دستیابی به همدیگر تغذیه می‌کنند. نخبگان اقتصادی عرب لاتینی با درک اینکه منطقه عربی تشنه دو نوع شریک است: اول، تأمین‌کنندگان قابل اعتماد کالاهای کشاورزی - بنابراین "امنیت غذایی" را در منطقه‌ای که برای تأمین مصرف داخلی به شدت به واردات وابسته است. دوم، مقاصد سرمایه‌گذاری جذابی که می‌توانند چیزهای به‌ظاهر بی‌پایان را در جریان دلارهای نفتی (به‌ویژه در مورد دبی) جذب کنند. مثلاً شیلی این را دریافته و همواره سعی در بهبود و پاسداشت نخبگان عرب بوده است. شیلی با برداشت‌های فراوان از محصولات کشاورزی



است.

- حاکمیت باید تمایل به بازگشت دیاسپورا را جدی بگیرد، موانع بازگشت را بررسی و حل‌وفصل نموده و مدیریت بازگشت را داشته باشد. بسیاری از تحصیل‌کردگان و شهروندان با مهارت‌های مختلف توان مشارکت در ساخت ایران را دارند.
- در حوزه فرهنگی بحث‌های سانسور و ممانعت از ورود کالاهای فرهنگی ایرانیان کمکی به پیشرفت در قلمرو علمی نخواهد کرد. باید از حرکت‌های خلاقانه این طیف از ایرانیان حمایت کرد. آزادی در خلاقیت‌های هنری و فرهنگی به توسعه علمی منجر خواهد شد. حاکمیت باید به این عنصر توجه نماید که عموم ایرانیان فاقد گرایش‌های سخت سیاسی هستند و تنها علاقمند به داشتن محیطی امن برای زندگی هستند.
- در بحث‌های مربوط به ورزشکاران باید مسائل و

ابرقدرت سرمایه‌داری را به وجود آورده است که نخبگان عرب آمریکای لاتین بخشی از بازیگران آن هستند. روابط جنوب و جنوب در سال‌های اخیر با سرعت "قابل توجه" رشد کرده است و روابط اعراب و آمریکای لاتین به‌وضوح نمونه‌ای از این روند جهانی به سمت جهانی غیرمتمرکزتر است. این نخبگان علائق زیر را دارند: از منظر آن‌ها تا حد زیادی توسط روابط مبتنی بر مکان تعریف می‌شود و منطقه جغرافیایی خاص موردعلاقه اقتصادی آنها دقیقاً منطقه اجداد آنها است. اما این گرایش کمی متفاوت است. مثلاً جریان‌های قوی ناسیونالیسم لبنانی و آرژانتینی تمایل به وطن خود دارند که استثنایی بودن ماجراست. یک متخصص تجارت بین‌الملل شیلیایی که اصل و نسب عرب را آشکار نمی‌کند و تمایلات جهانی قوی‌تری نسبت به هم‌تایان عرب - آمریکای لاتین خود نشان می‌دهد. درحالی‌که سرمایه‌دار مالی سوری - آرژانتینی که تمرکز تجاری بر کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد هیچ علاقه اقتصادی به سوریه نشان نمی‌دهد. همین امر در مورد سوری - برزیلی نیز صادق است. سازمان تجاری عربی - برزیلی که همدردی ملی یا قومی کمی با جهان عرب نشان می‌دهد و معاملات تجاری خصوصی آن بیشتر به سمت ایالات متحده و اروپا گرایش دارد<sup>۳۷</sup>. تاریخچه پیوندهای نخبگان بیش از یک قرن است، مهاجرت اعراب به آمریکای لاتین، سرآبرشدن دلارهای نفتی عربی به منطقه در دهه ۱۹۷۰ بوده که تاریخ گسترده‌تر روابط جنوب-جنوب از طریق نهادهایی مانند جنبش غیرمتعهدها نادیده گرفته شده است (Khader and Blesa ۲۰۲۰).

#### درس‌هایی برای دیاسپورای ایرانی

برآوردها از تعداد آمار ایرانیان در خارج از کشور متفاوت است. آمار رسمی بین ۴ تا ۴ و نیم میلیون نفر را اعلام می‌کند و درحالی‌که آمار غیررسمی تا ۱۰ میلیون نیز تخمین می‌زنند. آنچه مشخص است دیاسپورای ایرانی در هر جای جهان به‌عنوان مهاجرانی موفق، تأثیرگذار و به‌عنوان منشأ خلاقیت و نوآوری و پیشرو در علم و اقتصاد و تحصیلات عالی بوده‌اند. بدون شک در هر جای جهان و در تحولات فناوری و علم نام یک ایرانی وجود دارد که مایه مباهات و غرور ملی ایرانیان است. اما مهم‌ترین درس‌هایی که باید گرفته شود:

- نخستین اقدام باید تشکیل یک سازمان متمرکز، قوی و تسهیل‌کننده در داخل کشور برای ایجاد ارتباط و اعتمادسازی با دیاسپورای ایرانی باشد. این سازمان باید نماینده حاکمیت و هماهنگ‌کننده سه قوه قضاییه، مجریه و مقننه و سازمان‌های امنیتی باشد که تضمین‌کننده ارتباط، ورود، تضمین‌کننده حفظ سرمایه و مالکیت مادی و معنوی دیاسپورای علاقمند به ارتباط

۳۷ این موضوع گرایش اعراب به سمت جهانی شدن و یا گرایش به سمت هویت ملی خود را نشان می‌دهد.



- از سیب، انگور، گلابی، بادام و آووکادو گرفته تا شراب و پرورش ماهی سالمون در مزرعه به شهرت جهانی در روابط رسیده‌اند و برای اعراب قابل اعتمادند؛ بنابراین انتظار می‌رود این روابط در آینده نیز رو به پیشرفت باشد و حجم مبادلات دو منطقه با لابی‌گری عرب‌تبارهای لاتینی روبه‌توسعه باشد.
- امروزه تأثیر نخبگان عرب‌تبار در آمریکای لاتین به حدی گسترده است که دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت، با وجودی که اقلیت هستند، تأثیری قدرتمند در ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و ادبی دارند. این اقلیت در هر کشوری که حضور داشته‌اند هم در جامعه و فرهنگ ادغام شده و تأثیر گرفته و هم تأثیر گذاشته‌اند. نخبگان عرب‌تبار بیشتر با آثار متعدد خود در حوزه‌های مختلف تأثیرگذار بوده‌اند که نیازمند بررسی در هر کشور با مورد خاص است.
  - در جهان با ویژگی روبه‌زوال حاکمیت دولت‌ها و ظهور نوعی جهان‌شمولی بی‌حد و حصر یکی از کشورهای بسیار پیشرو و بازیگر بزرگ در تعامل نخبگانی امارات متحده عربی است. این کشور سیاست خود را بر مبنای فردا، آینده، لحظات خوش و کامروایی از زندگی و امید به فردا تعریف کرده است. زمینه‌های جذب سراسری با ملیت‌های مختلف با ماهیت اقتصادی و درک تمایلات بشری.
- منابع
- پور علی، سهیلا، راضیه اسلامی و شهره چاوشیان. (۱۴۰۳). "بررسی اینترسکشنال - دیاسپورا در آثار نویسندگان زن نسل سوم کارائیبی - آمریکایی: جامائیکا کینید و الیزابت نونز". پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۲۸۹-۳۱۴.
- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۶). "بازخوانش جغرافیایی از دیاسپورا". مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل)، ۸۱-۶۵.
- خرزائی، طاهره. (۱۳۹۹). "ناهمگونی‌های ناهم‌گرا در مهاجرت ایرانی؛ دیاسپورا و محدودیت‌های معنایی و نظری: مورد ایرانی‌های مقیم فرانسه". فصلنامه علوم اجتماعی، ۷۱-۱۰۸.
- کاظمی، عاطفه. (۱۳۹۹). "مرزهای مفهومی دیاسپورا (تأکیدی بر مرزهای مفهومی دیاسپورا از دیدگاه راجرز برویکر)". آزمایشگاه کارهای کلاسی دانشجویان فوق‌لیسانس و دکترا. انسان‌شناسی و فرهنگ. تهران. قابل دسترسی در: <https://anthropologyandculture.com>.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
- واعظی، طیب. (۱۳۹۲). "دیاسپورا و روابط دوجانبه؛ مطالعه موردی آمریکاییان هندی‌تبار". مطالعات راهبردی. شماره ۵۹. ص ۲۷-۵۲.
- The Arab Diaspora in Latin America. Britain: Oxford University , September ۲۷. <https://www.oxfordbibliographies.com/obo/obo/9780199766581-display/document/obo-obo/9780199766581-display/document/obo.xml>.
- Chen, Ximeng, Danushka Bandara, and Bruce Sanford. "A literature review on transnational diaspora entrepreneurship: utilizing a combined approach of traditional and topic modeling." *New England Journal of Entrepreneurship*, September ۱۱: ۱۳۱-۱۵۱.
- Scope review on contemporary Arab culture in Latin America. Unesco. In: [https://www.unesco.org/sites/default/files/medias/fichiers/Arab/08/2022/default/files/medias/fichiers/pdf\\_0\\_Latinos-Draft\\_Plan\\_of\\_Action](https://www.unesco.org/sites/default/files/medias/fichiers/Arab/08/2022/default/files/medias/fichiers/pdf_0_Latinos-Draft_Plan_of_Action).
- de Oliveira, Vitoria Peres, interview by David Islam and the Global War on Terrorism in Latin America Pew Research Center, (April ۲۰۰۶). <https://www.pewresearch.org/religion/islam-and-the-global-war-06/04/2006/org/religion-on-terrorism-in-latin-america>.
- Rooted Globalism Arab-Latin American Business Elites and the Politics of Global Imaginaries. Indiana University Press.
- Muslims," Mota, Thiago Henrique Moriscos, and Arabic-Speaking Migrants in the New World." *Latin American Research Review*, December ۲۲: ۸۲۰-۸۲۸. Accessed January ۲, ۲۰۲۲. In: <https://www.cambridge.org/core/journals/latin-american-research-review/article/muslims-moriscos-and-arabicspeaking-migrants-in-the-new-world>.
- Success of Emirati companies. Ortiz, Jorge in Latin America. Economy and business, Atalayar. In: <https://www.atalayar.com/en/articulo/economy-and-business/success-emirati-companies-latin-america>. ۲۰۲۰۳۲۵۱۳۴۰۴۳۱۵۵۷۰۵/companies-latin-america.html.
- The Arabs of Latin America." Oualalou, Lamia America." *The Nation*. In: <https://www.thenation.com/article/archive/arabs-latin-america>.
- baubock, rainer; faist, thomas; & others. *Diaspora and Transnationalism Concepts, Theories and Methods*. Amsterdam University Press.
- Arabs in Latin America: An Introduction." Dale, J Correa In: <https://www.utexas.edu/ArabsinLatAm>. Accessed ۲۰۲۴.
- Arabs and the Americas: A Multilingual and Multigenerational Legacy." Hassan, Waqar S. *Review: Literature and Arts of the Americas*, ۱۶۶-۱۶۹.
- Khader, Bichara, and Pablo Blesa. "The Arab World and Latin America: Long-standing Migration, an Expanding South-South Partnership." *Yearbook. Comp. Migrations in the Euro-Mediterranean region*. IEMed. In: <https://www.iemed.org/publication/the-arab-world-and-latin-americalong-standing-migration-and-expanding-south-south-partnership>.
- Arab. Klich, Ignacio, and Jeffrey Lesser. *Images and Realities*. Routledge.
- How Arab-Islamic migration, language and culture shaped modern Latin America. World, Arab News. In: <https://www.arabnews.com/node/2276641/world>.
- Twenty-First Century Arab and African Diasporas in Spain, Portugal and Latin America. Ricci, Cristián H. Routledge.
- Pourali, Soheila, Razia Islamieh and Shahreh Chavoshian. "An Intersectional-Diaspora Study in the Works of Third Generation Caribbean-American Women Writers: Jamaica Kenid and Elizabeth Nunez." *World Contemporary Literature [in Persian]*, Research ۲۸۹-۳۱۴.
- Re-reading the geography of diaspora." Hatami, Mohammadreza *International Relations Studies*, ۶۵-۸۱. [in Persian].
- Heterogeneous heterogeneities in Iranian immigration; Diaspora and semantic and theoretical limitations: the case of Iranians living in France. Social Sciences Quarterly, ۷۱-۱۰۸. [in Persian].
- Conceptual boundaries of diaspora (an emphasis on the conceptual boundaries of diaspora from the point of view of Rogers Brubaker)." Kazemi, Atefeh *Classroom work laboratory for master's and doctoral students. Anthropology and culture*. Tehran. Available at: <https://anthropologyandculture.com>. [in Persian].
- Sociology. Translated. Giddens, Anthony [by Hasan Chavoshian. Tehran: Ney. [in Persian] Diaspora and bilateral relations; A Case Study of American Indian Descent." Strategic Studies. No ۵۹. P. ۲۷-۵۲. [in Persian].



# تأثیر سیاست خارجی بر صنعت توریسم

مطالعه موردی ۶ سال اخیر

علیرضا قائم پناه، سوشیان اورامن

چکیده

داشته است . ایران از آغاز انقلاب اسلامی تا به امروز به خصوص در سالین اخیر درگیر اتخاذ تصمیمات و سیاست های مختلفی در ابعاد خارجی بوده است . در دهه های اخیر، گردشگری یکی از پدیده های اجتماعی اقتصادی مهم و دارای آثار فرهنگی، سیاسی و محیطی بوده که به صورت پدید های فراگیر و جهانی در آمده است. در چند دهه گذشته، گردشگری همواره رو به رشد و در حال متنوع شدن و یکی از بزرگترین بخش های اقتصادی جهان بوده است. کشور پهناور ایران با جاذبه های متنوع فرهنگی و طبیعی، استعداد فوق العاده ای برای توسعه صنعت گردشگری دارد. ایران در منطقه خاورمیانه و جهان شرق جزء نخستین کشورهایی است که به دنبال بهره برداری و توسعه صنعت گردشگری بوده و بدین منظور سیاست گذاری، قانون گذاری نهادسازی و برنامه ریزی کرده است . صنعت گردشگری در ایران بیش از هر چیز متأثر از نهاد سیاست بوده و متناسب با تحولات سیاسی فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشته است. این مسئله در دوره پس از انقلاب اسلامی ایران، نمود بیشتری داشته است . در سازماندهی این مقاله سعی داریم ابتدا صنعت توریسم و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار دهیم و در مرحله ی بعد به بررسی سیاست خارجی به صورت کلی و همچنین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طی ۶ سال گذشته و تأثیرات آن بر صنعت توریسم را بیان کنیم. بررسی این پژوهش از این نظر حائز اهمیت است که : سیاست خارجی میتواند تصویر یک کشور را در نظر گردشگران شکل دهد و اینکه سیاست خارجی تأثیر مستقیمی بر اقتصاد و فرهنگ و اجتماع یک کشور دارد. هدف اصلی این پژوهش افزایش دانش و آگاهی عمیق تر از تأثیرات سیاست خارجی در صنعت توریسم ایران به ویژه در ۶ سال اخیر است. در این مقاله به دنبال پاسخ به پرسش های زیر هستیم :

(۱) سیاست خارجی چه تأثیاتی در صنعت توریسم

این مقاله به دنبال بررسی تأثیر و نتایج سیاست خارجی ایران و ارتباط این امر صنعت توریسم در دولت دوازدهم به ریاست حسن روحانی و دوسال اول دولت سیزدهم به ریاست سید ابراهیم رئیسی بوده است. در این پژوهش سعی شده ابعاد مختلف سیاست خارجی بالاخص ارتباط سیاست خارجی و توریست مورد بررسی قرار گرفته شود ، ابتدا فهمی از سیاست خارجی و ابعاد مختلف آن شکل گرفته است و در مرحله ی بعد نحوه و چگونگی ارتباط میان آن دو را بررسی شده و گردشگری و چشم انداز آینده ی آن را در سال های پیش رو و هم چنین تاریخچه گردشگری در ایران را با توجه به وضعیت و آمار پیش بینی شده است. از دیرباز تا به امروز ایران به دلیل شرایط خوب آب و هوایی و چهار فصل بودنش در جذب و جلب توجه ی افراد در خارج ایران موفق بوده است ، بررسی سیاست های مختلف و میزان تأثیرات این سیاست ها بر کم یا زیاد شدن گردشگر در ایران به خصوص در سالین اخیر از اهداف این مقاله است ، در این پژوهش از روش کتابخانه ای و تحلیلی - توصیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی :

صنعت توریسم ، سیاست خارجی ، گردشگری

(۱) دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی رازی کرمانشاه

(۲) دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی رازی کرمانشاه

مقدمه

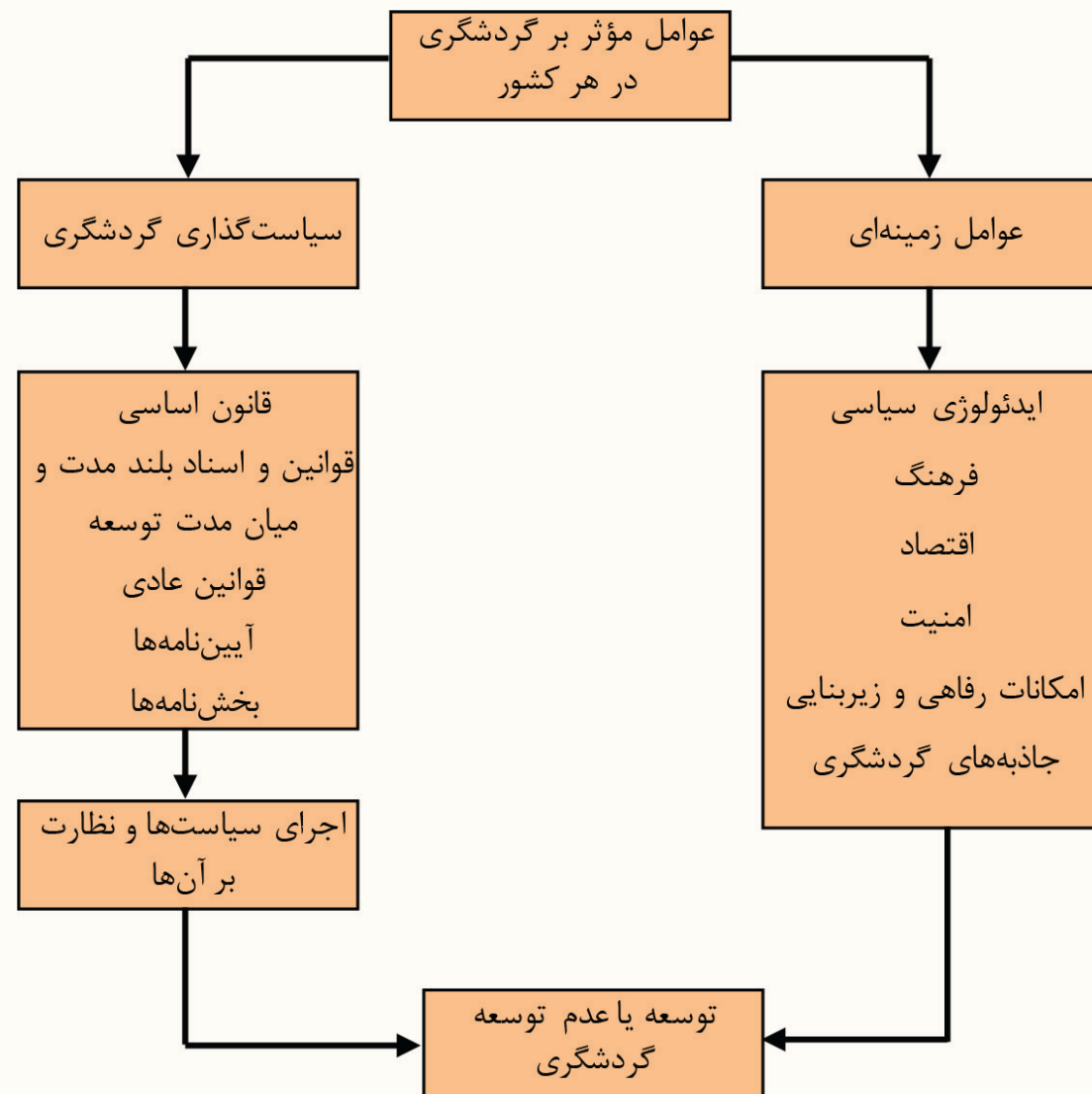
تاریخ نشان داده است که سیاست خارجی یک کشور تا چه میزانی میتواند تأثیرگذار بر ابعاد مختلف از جمله بُعد گردشگری باشد ، چون وقایع جهانی مانند جنگ ها ، انقلاب ها ، توافقات و بحران های امنیتی و ... همگی در طول تاریخ بر جذب یا عدم جذب گردشگران تأثیر زیادی

ایران در ۶ سال اخیر داشته است ؟

(۱) صنعت توریسم :

گردشگری یا توریسم، صنعتی پویا و رقابتی است که نیاز به این توانایی دارد تا به طور ثابت با نیازها و امیال در حال تغییر مشتریان سازگار شوند، چون رضایت، امنیت و لذت مشتری به طور ویژه ای نقطه تمرکز تجارت توریسم است. توریسم به مجموعه ای از فعالیت ها، خدمات و صنایع می گویند که امکانات مسافرت را فراهم می آورند که شامل امکانات حمل و نقل، رفاهی، خوراکی و آشامیدنی، فروشگاه های خرده فروشی، تجارت سرگرمی و دیگر خدمات درمانی فراهم شده برای افراد یا گروه هایی هستند که از خانه دور می باشند (زرآبادی و عبدالله ، ۱۳۹۲)

صنعت توریسم دارای بخش های مختلفی است از جمله : حمل و نقل و صنعت هوایی و حمل و نقل آبی و ... عوامل زیادی میتواند بر روی گردشگری تأثیر گزار باشد که میتوان این عوامل را به دو بخش تقسیم بندی کرد ، عوامل زمینه ای و سیاستگذاری گردشگری . عوامل زمینه های شامل فرهنگ، اقتصاد، امنیت، امکانات رفاهی و زیربنایی و کیفیت جاذبه های گردشگری است که در هر کشور برای توسعه گردشگری شرط لازم است اما کافی نیست علاوه بر آنها، اراده لازم زمامداران کشور برای توسعه گردشگری نیاز است که در اسناد و قوانین پایه و فرادستی ملی انعکاس دارد و سپس به صورت عملیاتی و جزئی تر در قوانین عادی، تفاهم نامه ها ، آیین نامه ها و بخشنامه متبلور میشود . وجود سیاستگذاری و اسناد فرادستی با مفاد مشخص گردشگری، بخش دیگر مؤثر بر توسعه گردشگری معنا پیدا میکند که آن بخش اجرا و نظارت بر سیاست است. (شکل ۱). (ویسی ، ۱۳۹۶ : ۹۸)



شکل ۱. مدل مفهومی: عامل مؤثر بر گردشگری در هر کشور (ویسی ، ۱۳۹۶ : ۹۸)



### زمینه فرهنگی و اجتماعی:

از آنجا که فرهنگ می تواند در جذب گردشگر و مسافر به یک مکان نقشی مهم ایفا کند، بنابراین گردشگری می تواند برای حفظ تجدید حیات فعالیت های مختلف فرهنگی، دارای اثرات فرهنگی و اجتماعی باشد. پژوهشگرانی که در گردشگری فعالیت می کنند در مورد میزان علاقه گردشگر به فرهنگ یک مکان، مدارک و اسنادی ارائه می کنند، بیان میکنند که این گردشگران موجب تقویت سنت های فرهنگی و هنری شده اند و در برخی از جوامع با جامعه میزبان احساس همبستگی کرده اند و با مشارکت در جشن ها و مراسم ویژه موجب تقویت این سنت ها شده اند. به هر حال تولید هنرهای سنتی برای گردشگران آن هم به طور انبوه باعث ایجاد تغییراتی در محصولات فرهنگی شده است. برای مثال، تقاضا برای مقدار زیادی از کارهای هنری و هنرهای دستی به قیمت ارزان موجب شده است که این اقلام به صورت انبوه و با کیفیتی بالاتر تولید شود و در مواردی نسخه های دوم و سوم از کارهای فرهنگی، تولید و عرضه گردد. در ضمن، گردشگران باعث

شده اند تغییراتی در این مراسم داده شود تا گردشگران آنها را با هزینه کمتر به معرض نمایش بگذارند. از دیدگاه بعضی افراد، چنین تغییراتی موجب از دست رفتن اصالت و مفهوم فرهنگی این نوع محصولات و رویدادها خواهد شد. گاهی امکان دارد علاقه گردشگران به فعالیت های فرهنگی موجب شود که به حریم شخصی جامعه میزبان تجاوز شود. (چاک. وای. گی، ۱۳۸۲، صص ۳۹۴-۳۹۲)

منظور از تأثیرات اجتماعی فرهنگی گردشگری تغییراتی است که گردشگری در نظامهای ارزشی، رفتار افراد، روابط خانوادها، سبک زندگی جمعی، مراسم سنتی و سازمانهای اجتماعی ایجاد میکند (رضوانی، ۱۳۸۷: ۹۳). هنگامی که جامعه های به مقصد گردشگری تبدیل میشود، کیفیت زندگی، نظام ارزشی و بسیاری از مؤلفه های دیگر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن تحت تأثیر قرار میگیرند (کاظمی، ۱۳۸۲: ۲۷) حضور گردشگران در هر جامعه ای بر الگوی زندگی افراد بومی تأثیر میگذارد و بازدیدکنندگان نیز تحت تأثیر فرهنگ جامعه میزبان و ارزشهای موجود



۲۰۱۰، به یک تریلیون دلار رسیده است. همچنین، براساس گزارش این سازمان، ایران رتبه ۱۰ جاذبه های باستانی و تاریخی و نیز رتبه ۵ جاذبه گردشگری های طبیعی را دارد. (شکوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۳ و ۳۴)

ایران از لحاظ بهره برداری از این منابع در جایگاه مطلوبی قرار نگرفته است؛ چراکه سهم ایران باوجود رتبه ممتازش در جاذبه های گردشگری از درآمد گردشگری جهان، حتی به یک درصد هم نمی رسد و متأسفانه، در چند سال گذشته، به علت عدم توجه به امر گردشگری در ایران و نادیده گرفتن آن، باعث شده است، کشور ما درآمد کلانی را که از این راه حاصل میشود را از دست بدهد. براساس گزارشهای یونسکو، کشور ایران، با بیش از ۴۰۰۰ جاذبه گردشگری، در زمره ۱۰ کشور دارای تمدن و باستانی در جهان قرار دارد که بیشترین جاذبه های گردشگری را با پتانسیلی بالقوه بالا دارد و با اتکا به آن، می توان از میان خیل گردشگران خارجی، پاسخگوی نیازهای جهانگردان فرهنگی ای باشد که حدود ۲۰ درصد کل گردشگران را تشکیل میدهد؛ همچنین، ایران در میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از لحاظ تعداد گردشگر ورودی رتبه ۱۳ و به سبب درآمد حاصل از آن، رتبه دهم را دارا است، در حالی که از جنبه جاذبه های گردشگری در ردیف ۱۰ کشور اول جهان و اولین کشور جهان سوم است. (ویسی، ۱۳۹۶: ۹۸)

در طی سالین اخیر کشور ایران با اتخاذ سیاست های گوناگونی صنعت گردشگری را تحت شعا قرار داده است و در زمینه های مختلف بر این صنعت تأثیر گزار بوده است.

### زمینه اقتصادی:

صنعت گردشگری، به عنوان یک فعالیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای توسعه کشورها اهمیت بسزایی یافته است. گردشگری، پدیده ای است که در صورت برنامه ریزی صحیح میتواند به افزایش تولید، ارتقای سطح زندگی، رفاه عمومی و اشتغال بسیاری از عوامل تولید از جمله کار، سرمایه و زمین منجر شود. اقتصاددانان از صنعت گردشگری به عنوان یک صنعت مولد سرمایه و اشتغال زا نام میبرند و توجه خاصی به این صنعت دارند؛ از این رو، معتقدند توسعه صحیح گردشگری به لحاظ اقتصادی، موجب افزایش ارزآوری میشود. (شکوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۳ و ۳۴)

اگر کشوری بتواند از پتانسیی لها استفاده کند و چرخ های این صنعت را در کشور خود به حرکت درآورد، شاهد شکوفایی شگرفی در سطح اقتصاد کشور خواهند بود. براساس آمارهای منتشرشده ازسوی سازمان جهانی گردشگری، دریافتی کل کشورها از محل گردشگری ۲ میلیارد دلار بوده است / بین المللی در سال ۱۹۵۰، بالغ بر ۱ میلیارد دلار که این رقم در سال ۲۰۰۷، به ۸۵۶ میلیارد دلار و در سال





در آن قرارمیگیرند (کروبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱) این تأثیرات در منطقه مقصد به علت تعامل گردشگران با محیط محلی، اقتصاد، فرهنگ و جامعه بسیار پررنگتر است.

گردشگری را در هر مقیاسی میتوان فعالیتی دویپهلو دانست و به شمشیری دولبه تشبیه کرد که از دید مثبت، قادر است موجبات پیشرفت اجتماعی اقتصادی جامعه ی میزبان را فراهم آورد و از دید منفی، عامل اصلی نابودی هویت محلی و فرهنگ های بومی و سنتی جامعه میزبان شود؛ پس نظارت و پایش تأثیرات گردشگری به ویژه در بعد اجتماعی-فرهنگی ضروری است. (نیک بین، ۱۳۸۹: ۲)

## ۲) گردشگری:

لغت توریسم (گردشگر) در لغت فرنگی به معنای سیاحت در داخل یک کشور یا کشورهای خارجی است در حالیکه جهانگردی به فارسی به جهان گشتن و سیر آفاق کردن معنی می دهد و سفرهای داخلی را در بر نمی گیرد. در سال ۱۹۳۷ در کمیته ویژه ای که جهت بررسی پاره ای از مسائل صنعت توریسم تشکیل گردید مفهوم توریسم به شرح ذیل تعریف گردید:

- افرادی که در یک دوره ۲۴ ساعته یا بیشتر به یک کشور خارجی سفر می کنند توریست خوانده میشوند.  
- افرادی که جهت خوشگذرانی، دلایل شخصی یا مسائل بهداشتی به مسافرت می روند

- افرادی که برای شرکت در کنفرانس ها مسافرت می کنند.  
در سال ۱۹۶۳ کنفرانس جهانی توریسم در شهر رم واژه توریسم را به شرح ذیل تعریف نمود:

توریست کسی است که به طور موقت مسافرت می کند و در کشور مورد علاقه خود حداقل ۲۴ ساعت اقامت می نماید. در ضمن هدف از مسافرت خود را استفاده از تعطیلات، تامین سلامتی، مطالعه و تحقیق، موارد مذهبی و ورزشی، تجارت و امور بازرگانی، مسائل خانوادگی، ماموریت، شرکت در کنفرانسها و غیره می داند (منشی زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۲).

هنگامی که تعدادی از افراد یک کشور به طور موقت محل اقامت خویش را ترک نموده و به منظور گذران ایام تعطیل،



بازدید از آثار تاریخی، شرکت در مسابقات و کنفرانسها، دیدن اقوام و خویشان، از نقطه ای به نقطه دیگر بروند جهانگردی آغاز می شود. (رضوانی، ۱۳۷۴، ص ۱۷).  
تمامی افرادی که کشور خود را به قصد کشور دیگر ترک و کمتر از یکسال در خارج اقامت نموده و برای هزینه خود هیچگونه درآمدی در کشور مورد بازدید نداشته باشند توریست شناخته می شوند (رضوانی، ۱۳۷۴، ص ۱۷).

## ۳) سیاست خارجی:

سیاست خارجی اصولا در مورد فعالیت های یک کشور در محیط و شرایط خارجی است. در همین ارتباط سیاست خارجی میتواند یک استراتژی و یا برنامه ای از فعالیت ها تعریف میگردد که توسط تصمیم گیران یک کشور در برابر کشور های دیگر و یا نهاد های بین المللی انجام شده تا به اهدافی که به نام منافع آن کشور خوانده میشود برسند. سیاست خارجی همچنین پروسه ای شامل اهداف مشخص، عوامل معین خارجی وابسته به اهداف فوق الذکر، توانایی کشور در رسیدن به نتایج مطلوب، توسعه یک استراتژی سودمند، اجرای استراتژی، ارزیابی و کنترل آن میباشد (ایمانی، بیژنی و دیگران ۱۴۰۱: ۳۱۷)  
سیاست خارجی در تعریفی دیگر عبارت است از راهبرد یا

است (احمدی، باقری و دیگران، ۱۳۹۳: ۲)  
یکی از وجوه بسیار مهم جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی اش حفظ وجه انقلابی سیاست خارجی است که این رویکرد در همه زمینه ها متبلور شده است، چنین رویکردی قطعا تأثیرات بسیار زیادی را بر جنبه های مختلف میگذارد که یکی از این جنبه ها بحث گردشگری و مسئله توریسم است. قطعا نحوه ی تعامل و ارتباط ایران با سایر کشور های جهان بر روی جذب یا دفع گردشگر تأثیر میگذارد. این حساسیت در سالهای اخیر از جمله ۶ سال اخیر هم بسیار بیشتر هم شده است.

در بررسی مسائل سیاسی خارجی ایران باید سه دسته از عوامل را در نظر گرفت، نخست عامل داخلی به این معنی که تحولات داخل یک سلسله متغیر هایی است که هدف های سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار میدهد از قبیل ماهیت یک رژیم و ایدئولوژی رهبران آن و نیاز های داخلی یک کشور (مانند نیاز به تکنولوژی اعم از صنعتی و نظامی و ...) چنانچه ایدئولوژی گذشته در ایران اتحاد با غرب بود اما انقلاب اسلامی طبق ایدئولوژی فعلی اسلام مرزی نمیشناسد و جهان شمول است. (مقتدر، ۱۳۶۰: ۲۲۷)

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی نظری در قانون اساسی جمهوری اسلامی به شرح زیر تعریف شده است...

۱) تاکید و اجرای استقلال سیاسی در برنامه ریزی و سیاست گذاری

۲) ترجیح دادن ملتها و نهضت های ضد دیکتاتور به دولت های دیکتاتور در روابط بین الملل

۳) استقلال روابط خارجی سیاسی

۴) مبارزه با اسرائیل و دفاع از نهضت مردمی فلسطین

۵) اهمیت دادن به عدالت سیاسی در روابط بین دولتها  
۶) فاصله گرفتن استراتژیک از منافع قدرتهای بزرگ سیاسی

۷) مبارزه با قانون تبعیض آمیز (وتو) در سازمان ملل متحد

۸) ماهیت قدرت سیاسی در ایران عقیدتی است و در نتیجه ی سیاست خارجی، عقیدتی است. (ایمانی - بیژنی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۹)

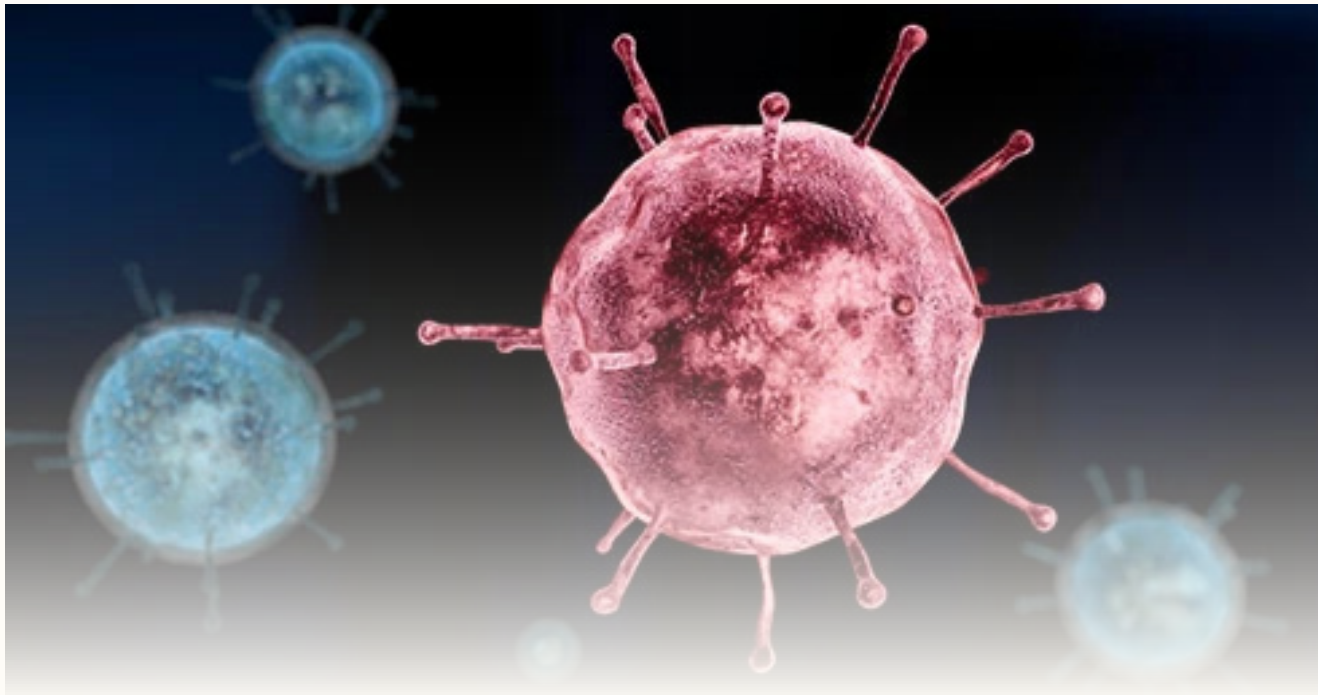
ریشه طراحی شده عملی که به وسیله تصمیم گیرندگان یک دولت در مقابل دیگر دولت ها و واحدهای بین المللی به منظور اهداف مشخص اعمال میشود، بر اساس تعریف دیگر تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم گیری هایی که از دیدگاه خالص همان جنبه برون مرزی دارد را سیاست خارجی میگویند (ایمانی، بیژنی و دیگران ۱۴۰۱: ۳۱۷)

الف) سیاست خارجی ایران:

سیاست خارجی ایران در دوران معاصر دارای فراز و نشیب های زیادی در طول حیات این کشور داشته است به طور کلی میتوان سیاست خارجی ایران را به سه بازه زمانی، قاجار، پهلوی و حکومت جمهوری اسلامی تقسیم بندی کرد. سیاست خارجی ایران پس از انقلاب عمدتا بر اساس ارزش گذاری های نظام دینی شکل گرفت و تغییر ماهیت داد پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران روابط جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی به علت اشغال اراضی فلسطین و به رسمیت نشناختن این رژیم توسط جمهوری اسلامی و همچنین آمریکا به علت سیاست های زورگویانه آنان تیره و تار شد. (محسنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳)

تجربه ۳۵ ساله جمهوری اسلامی ایران نشان میدهد تحول و چرخه ی گفتمان ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به قبل دستخوش تغییر و تحولاتی شده





به متنوع شدن اقتصاد ایران، ایجاد اشتغال، بخصوص در مناطق کم برخوردار و راه اندازی زنجیره ای از تولیدات و خدمات کمک کند. [donyaye-eqtasad.com](http://donyaye-eqtasad.com)

دولت دوازدهم اقدامات زیادی برای توسعه صنعت گردشگری انجام داد به نقل از وزارت میراث فرهنگی، دکتر علی اصغر مونسان طی هشت سال خدمت دولت تدبیر و امید ۳۲۰ طرح گردشگری در کشور به بهره برداری رسیده و این وزارتخانه بهره برداری از ۲۰۰ طرح را تا پایان دولت دوازدهم برنامه ریزی کرده است. [dolat.com](http://dolat.com)

همچنین به گفته آقای مونسان در دولت دوازدهم ۲۹ هزار میلیارد تومان پروژه گردشگری به اتمام رسیده است [alef.ir](http://alef.ir) همه اینها نشان دهنده این است که دولت آقای روحانی برای صنعت توریسم اهمیت ویژه ای قائل است به خاطر اهمیتی که این صنعت در زمینه های مختلف دارد که بهش اشاره کردیم دولت دوازدهم که توام با برجام و بعد از آن شیوع بیماری کرونا بود تاثیراتی بر گردشگری گذاشتن که ابتدا به دوره توافقات برجام می پردازیم ولی در سال ۹۸، سالی که رخداد های متعددی مانند سرنگونی هواپیماس اوکراینی و آغاز شیوع کرونا و شهادت سردار قاسم سلیمانی که تمامی آنها در این سال اتفاق افتادند ۸ میلیون و ۸۳۲ هزار گردشگر به ایران سفر کردند که این آمار به رکورد محسوب می شد. ([LinkedIn.com](https://www.linkedin.com))

در سال ۱۳۹۹ نیز که سال بسیار کم گردشگری محسوب می شود، به دلیل اوج گرفتن کرونا آمار گردشگران بسیار

کرده و به همین میزان آنها را در طرح مطالبات خود مهم تر خواهد کرد. در همین راستا، آنها با تاکید بر حمایت بیش از پیش دولت از بخش خصوصی یک بار دیگر بر ایفای نقش نهاد متولی این صنعت در معرفی ایران به بازار های جهانی، توسعه زیر ساخت ها ، استفاده از توان دانشگاهی در برنامه ریزی و تقویت برند انسانی نهاد متولی گردشگری و تثبیت ساختار های قانونی و اجرای گردشگری به گونه ای که آن را در برابر تغییرات احتمالی در رویکرد های سیاسی و اجرایی یک کشور مقاوم کند، تاکید می کنند.

[donya-eqtasad.com](http://donya-eqtasad.com) صنعت گردشگری در اقتصاد جهان از آینده ای روشن و جایگاهی رفیع برخوردار است. از این رو کشورهای گردشگری پذیر با تکیه بر دیپلماسی گردشگری، برنامه ریزی دقیق، مدیریت تخصصی، راه اندازی گردشگری الکترونیک، خلاقیت، ریسک پذیری و ایده پردازی و همچنین آماده سازی زیرساخت ها، نسبت به جذب گردشگر اقدام می کنند. بر اساس اعلام نظر سازمان جهانی جهانگردی UNWTO امروزه گردشگری بین المللی ۷ درصد تجارت جهانی را شامل می شود و نیز ۱۰ درصد در GDP و یک یازدهم تمامی مشاغل دنیا را در بر می گیرد UNWTO در این بین با روی کار آمدن دولت آقای روحانی در دولت دوازدهم برنامه هایی در راستای تقویت گردشگری داد که نشان دهنده این است که دولت به این درک رسیده که توسعه گردشگری از جمله ظرفیت هایی است که می تواند

هیچ گاه به خوبی مورد بهره برداری قرار نگرفته است. (احمدی ، اخوان فرشی ، باقری ۱۳۹۳: ۹)

روحانی: حسن روحانی در فروردین سال ۱۳۹۲ وارد انتخاب ریاست جمهوری شد که در نهایت موفق به پیروزی در این انتخابات و تشکیل دولت یازدهم شده در سال ۱۳۹۶ نیز وی توانست با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری برای بار دوم به عنوان رئیس جمهور ایران فعالیت خود را ادامه دهد. از جمله وقایع مهم دوران ریاست جمهوری او توافق هسته ای با قدرتهای موسوم به ۵+۱ (برجام) و شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران به دست نیروهای آمریکا در دی ماه ۱۳۹۸ و متعاقب آن موشک باران پایگاه آمریکایی عین السد در عراق توسط سپاه پاسداران بود ولی ما در اینجا می خواهیم به بررسی صنعت گردشگری در ۶ سال اخیر بپردازیم چهار سال آن در دوره دوم ریاست جمهوری آقای روحانی یعنی از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ بپردازیم.

روحانی : رئیس جمهور منتخب مردم در دوره یازدهم، برای ۴ سال دیگر در راس دستگاه اجرایی کشور قرار گرفت. تحقق کار های نیمه تمام و وعده های انتخاباتی در دولت دوازدهم به عنوان مهم ترین مطالبه جامعه بر دوش کابینه او سنگینی خواهد کرد، در این میان پیروزی روحانی در این انتخابات فعالان گردشگری کشور را بیش از پیش امیدوار

ب) تاثیرات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ۶ سال اخیر بر گردشگری

آنچه بیش از هر مورد دیگری در صنعت گردشگری و جذب گردشگر نقش ایفا میکند علاوه بر وجود زیر ساخت ها ، قوانین کشور ها ، و ... وجود امنیت فردی و گروهی گردشگران است اگرچه نبود امنیت و قوانین دست و پا گیر به عنوان یکی از مهم ترین موانع گردشگری شناخته شده ولی عملکرد سفرا و وزیران در سفارتخانه های خارج از کشور به عنوان رکن اصلی پذیرش گردشگر به شمار می آید.

### پتانسیل توسعه گردشگری در ایران:

ایران کشوری با مجموعه ارزشمندی از منابع و جذابیت های عمده تاریخی، فرهنگی، مذهبی و طبیعی است. شهرهای اصفهان، شیراز، کرمان، یزد، تبریز، کرمانشاه و تهران نمونه هایی از منابع و جذابیت های تاریخی و فرهنگی را در خود جای داده اند شهرهای مشهد، قم، شیراز از جاذبه های اصلی کشور محسوب می شوند. و شهر ها و مناطق شمال ایران عمده ترین منابع و جذابیت های طبیعی کشور می باشند. که هم در بعد توسعه گردشگری داخل و هم بعد گردشگری بین المللی اهمیت دارند ایران همانند بیشتر کشورهای خاورمیانه دارای مزیت طبیعی رقابتی در صنعت جهان گردشگری می باشد اما این مزیت رقابتی





پایین آمد یعنی تنها حدود ۵۵۸ هزار خارجی وارد ایران شدند که زیاد هم جای تعجب نیست به دلیل اوج گیری بیماری کرونا در این سال که همه جهان در وضعیت قرنطینه به سر می بردند (LinkedIn. Com)

در سال ۱۴۰۰ که سال آخر دولت دوازدهم و آقای روحانی بود آمار گردشگران حدود ۱ میلیون و ۷۵۸ هزار و ۲۹۰ نفر اعلام شده است. دولت دوازدهم با همه اتفاق هایی که در این دوره افتاد که به آنها اشاره کردیم اقداماتی زیادی که توضیح دادیم در راستای توسعه صنعت گردشگری انجام داده به کار خود پایان داد. و در ۱۲ مرداد سال ۱۴۰۰ آقای رئیسی روی کار آمد و دولت سیزدهم کار خود را شروع کرد. با آغاز فعالیت دولت سیزدهم و گسترش واکسیناسیون عمومی چرخ های صنعت گردشگری بعد از توقف دو ساله دوباره به حرکت در آمد؛ همه این اقدام ها و رعایت دستورالعمل های بهداشتی باعث شد گردشگری ایران از کما خارج شود. (Islamic Republic News.com)

طبق گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری world travel & Tourism council صنعت گردشگری ایران در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ رشد ۴۰ درصدی داشته و گردشگران خارجی در این مدت دو نیم میلیارد در ایران طی این سال هزینه کردند در حالی که جهان در این سال ها رشد ۲۱.۷ درصدی داشت. در دولت سیزدهم سیاست خارجی بر محور توسعه و تقویت روابط با کشور های همسایه در اولویت قرار گرفت و به تبع آن توسعه گردشگری با این کشور ها و شریکان راهبردی دستورکار وزارت میراث فرهنگی قرار گرفت (Islamic Republic News Agency)

افزایش ورود گردشگر از کشور های همسایه، جذب گردشگری از چین و روسیه یکی از نتایج ارزشمند توسعه دیپلماسی با کشور های همسایه و کشور های همسو است و آمار ها نشان دهنده این است که سهم عمده از جذب گردشگری خارجی مختص به کشور های همسایه است در رفت و آمدهای دیپلماتیک رهبران و مقامات ارشد کشور های همسایه همسو است.

(Islamic Republic News Agency)

براساس آخرین گزارش معاونت گردشگری کشور از آمار گردشگری ایران، در سال ۱۴۰۱ در مجموع ۴.۲ میلیون گردشگر وارد کشور شده اند که این تعداد نسبت به سال

۱۴۰۰، ۱۳۷.۲ درصد رشد کرده است. اینم مال آمار سال ۴۰۱ بر اساس آخرین آمار معاونت گردشگری کشور از آمار گردشگری ایران ۱۴۰۲، در ۴ ماه نخست سال جاری در مجموع ۲ میلیون و ۴۸ هزار و ۵۱۴ نفر به ایران سفر کرده اند که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۱، حدود ۳۲.۱۳ درصد رشد داشته است. بنا بر این آمار ها میتوان گفت گرچه جمهوری اسلامی ایران در سالیان اخیر تصمیمات مهم و حساسی در زمینه سیاست خارجی گرفته که این تصمیمات قابلیت این را داشته که آمار جذب گردشگر خارجی را بسیار پایین بیاورد اما ما همواره شاهد روند افزایشی توریست هستیم.

#### نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد گردشگری و صنعت توریسم یک صنعت بسیار مولد و مهم برای بیشتر کشور های جهان از جمله کشور ما ایران است و ما همواره در طول تاریخ با اتخاذ تصمیماتی که داشته ایم میزان رشد جذب گردشگر را در مواردی کم و در مواردی بیشتر کرده ایم اما هیچ گاه جذب گردشگری ما به صفر نرسیده است به خصوص در سالیان اخیر در زمینه سیاست های خارجی کشور ما تصمیمات حساسی در زمینه های مختلف داشته است. با توجه به آمار ها و گفته هایی که بیان شد امروزه شاهد روبه رشد بودن روند توریست پذیری هستیم.

در زمینه ی اتخاذ تصمیمات سیاسی و سیاست خارجی میتوان گفت اگر جمهوری اسلامی ایران

(۱) ارتباط و تعاملات خود را با دنیای غرب و اروپا بیشتر کند (۲) با استفاده از تبلیغات و قدرت تبلیغ نسبت به کشور هایی که فرهنگ نزدیکی با ما دارند سبب جذب مردم آنها برای سفر به کشور ما شوند

(۳) توافقات و پیمان نامه هایی با کشور های خارجی به منظور بازاریابی دیجیتال برای جذب گردشگر خارجی انجام دهد

(۴) سیاست خارجی خود را در بعد رسانه در خارج از مرز های کشور تقویت ببخشد (ایرانی ها از امکانات تلویزیونی برای تبلیغات جاهای دیدنی و گردشگری خود در رسانه های خارجی استفاده نمی کنند و هیچ هزینه ایی را صرف این نوع اطلاع رسانی نکرده اند چه بسا در کشورهای دیگر

اصلا لازم نیست پولی بین درخواست کننده و گیرنده خدمات گردشگری ایجاد شود). میتواند گردشگر بیشتری را به کشور جذب کرده و این صنعت را بسیار بیشتر رونق ببخشد.

#### منابع

- ۱- چاك. واي. گي، ۱۳۸۵، جهانگردی در چشم اندازی جامع، ترجمه علی پاریسیان، و سید محمد اعرابی، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی
- ۲- نیک بین، علی و دیگران، ۱۳۸۹ مدل سازی پیامدهای توسعه پایدار گردشگری فرهنگی (<https://www.mizanonline.ir>).
- ۳- ویسی، ۱۳۹۶ تاثیرات سیاست بر توریسم
- ۴- چمنکار، محمد جعفر ۱۳۸۶، روابط سیاسی ایران در قبال جهان، نشریه علوم انسانی و اجتماعی تبریز، شماره ۶۸ - ۳۶ صص، ۲
- ۵- دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصولگرایی"، روابط خارجی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۷۱-، تابستان ۶- ویسی، محمد ۱۳۹۶. عوامل موثر بر گردشگری هر کشور
- ۷- شکوری و دیگران. ۱۳۹۶. تاثیرات صنعت گردشگری بر سیاست
- ۸- donyaye-eqtesad.com
- ۹- رضوانی، علی. ۱۳۷۴ آشنایی با توریست و ارتباط آن با سیاست
- ۱۰- (Islamic Republic News Agency)
- ۱۱- world travel & Tourism council
- ۱۲- (Islamic Republic News Agency)
- ۱۳- باقری، احدی. ۱۳۹۳، تحولات سیاست خارجی ایران در یک دهه گذشته
- ۱۴- ایمانی، محمد و دیگران. ۱۴۰۱ اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران





## Editor's Note

Greetings and respect to all esteemed readers, researchers, and students,

We are deeply honored to present the first issue of *Jahannama Quarterly* under its new editorial leadership. As an academic and scientific team, we are privileged to take a step forward in enhancing knowledge and critically analyzing the vital issues of international relations. *Jahannama* aims not only to analyze global developments but also to play a meaningful role in improving Iran's standing on the international stage through these analyses.

Today, international relations are more than ever shaped by rapid and complex changes that have posed new challenges for many countries, particularly Iran. In such a dynamic world, awareness of global events and their precise analysis is a necessary tool for advancing national goals and safeguarding the country's interests. *Jahannama*, as a scientific quarterly, will offer in-depth and comprehensive examinations of global affairs, striving to foster a deeper understanding of Iran's interactions with other countries and global powers.

One of the primary goals of this publication is to strengthen academic knowledge and capabilities in the fields of international relations and foreign policy. Iran, in today's world, increasingly requires accurate and expert analyses to properly navigate the complex global landscape and seize opportunities effectively. As a scholarly journal, *Jahannama* seeks to provide a platform for discussion and dialogue in this field, inviting everyone to engage in thoughtful and responsible reflection on the future of our beloved Iran.

Given that this journal emerges from within the country's academic and scientific community, we firmly believe that well-documented and rigorous research in international relations can serve as an effective tool for strengthening Iran's foreign policies, improving relations with neighboring and other countries, and ultimately advancing Iran's developmental goals on the global stage. *Jahannama* is committed to playing its part by contributing meaningfully to the elevation of understanding and analytical discourse in the fields of international relations and foreign policy.

In this journal, our mission is to publish scholarly and analytical articles that not only explore global issues but also place particular emphasis on Iran's current position in the world and the challenges it faces. From national security to economic difficulties, foreign policy, and Iran's role in international organizations and alliances—all these topics will be seriously addressed in future issues of *Jahannama*.

We warmly invite all researchers, academics, and students interested in international affairs to contribute to this initiative. This journal is not only a space for the exchange of academic and research-based ideas but also a step towards the advancement and global development of Iran.

Let us come together in this new season to explore and examine the challenges and opportunities that lie ahead for Iran—and work collaboratively to help position our nation where it rightfully belongs in the world of international relations.

Amirhossein Karimi

## ENGLISH





tion and its outcome is still ongoing, making it a current and significant issue. Furthermore, the importance of the U.S. election is magnified by the country's position in the international system. Therefore, understanding the role of media in such a crucial political event like the U.S. presidential election is essential. This research, utilizing written library documents, research papers, and online sources, seeks to analyze the role of media in the 2020 U.S. presidential election and answer questions such as whether media influenced the outcome of the election and, if so, how this influence manifested. The article is organized into several sections: it first explores the concept of media, types of media, and related factors, followed by an examination of the relationship between media and politics, and finally, it analyzes the impact and role of U.S. media, specifically CNN and Fox News, on the 2020 election.

#### 1. Theoretical Framework (Hyperreality, Representation)

Postmodernism is a new era that critiques all elements of the modern and traditional periods. Postmodern culture, media culture, and the virtual world are characterized by the loss of cultural certainty and the shallowness of media representation, which prevents deep thinking and reflection among social actors (Dehbanipour, Khorrampour, 2016: 53).

Jean Baudrillard, a contemporary philosopher and one of the founders and theorists of postmodernism, considers representation in the modern world as a factor leading to the disappearance of reality. Reality, one of the oldest concepts in Western philosophy, is central to Baudrillard's thinking. He argues that the contemporary world has moved away from authentic reality and has embraced a constructed reality, which is transformed into signs and simulations. Baudrillard categorizes simulation into four stages: the reflection of reality, masking reality, the sign that replaces reality (virtual reality), and imaginary signs. He believes that in the contemporary world, media, images, simulations, and signs have become so dominant that they obscure the real world. Baudrillard has always viewed media with skepticism, seeing many events in the outside world as examples of hyperreality (Homayunfar, Mostafavi, Ardelani, 2022: 5).

Baudrillard's view of the postmodern world is one of simulation, where humanity perceives and

understands reality through forms of simulation (simulation), representations that are broadcast through a wide array of electronic and internet media. Under this view, signs, concepts, and meanings are controlled and guided by a system of advanced technological information networks, so much so that humans can no longer distinguish between truth and error, or reality and illusion. From this perspective, meanings and definitions become part of the simulation process and enter a state of hyperreality, which Baudrillard terms "hyper-reality." In this state, simulations appear to be more real than the original, leading to the collapse of any genuine meaning or truth, leaving behind an incoherent collection of signs, symbols, and images. According to Baudrillard, the dominance of these simulated images in the modern world is so pervasive that the original reality has vanished to the point that if we ever try to return to the truth, no objective reference will remain.

Hyperreality (or hyper-reality) is a term used by Baudrillard. It has been translated in various ways, including as "faux reality," "over-reality," and "hyper-reality." Baudrillard sees hyper-reality as a phenomenon so close to actual reality that it can replace it, and it hides the absence of the original reality. In this condition, hyper-reality becomes



## The Role of Media in Political Processes

### (Case Study of the 2020 U.S. Presidential Election)

Mehrdad Moradi

#### Abstract

In the digital age, almost all aspects of human social life are intertwined with communication, and specifically, media. Politics is no exception to this. Media influences various dimensions of politics, and political processes are no different. This research was designed to examine the role of media in the 2020 U.S. presidential election. The importance of this study lies both in its relevance to current global issues and the fact that it discusses a controversial and debatable topic. The central question of this research is: What role and impact did the media have in the 2020 U.S. presidential election and its outcome? This study, through the lens of postmodern hyperreality theory, aims to answer this question. It has found that U.S. media, particularly Fox News and CNN, in addition to their efforts to advance their electoral agendas and provide a platform for the victory of their favored candidate, contributed to increasing voter participation. The findings of this research are signifi-

cant because media and elections, as two crucial variables in this study, are not tied to a specific time, geography, or ideology but are considered a universal and widespread issue. This research used a descriptive-analytical method, and the data was collected from library and online resources.

Keywords: Media, Political Processes, USA, 2020 Presidential Election

#### Introduction

Media has long played an important role in the lives of people and the factors influencing their lives. As societies become more complex and widespread, the importance of media in the political sphere increases. Today, it can be said that media is one of the main components of political life. With the development of media and the increasing number of audiences, political actors and governments have sought to use media as an influential framework in various political, security, social, and cultural dimensions to serve their objectives. There are numerous historical examples of this. For instance, during World War II, the media of the Allied forces focused on anti-fascist ideas, condemning fascism, while the media of Axis powers propagated nationalist and fascist ideologies and demonized their enemies. Another example is the media activities and political propaganda of the United States and the Soviet Union during the Cold War. In the present day, media is crucial both domestically and internationally. It is evident that political actors, according to their objectives, utilize media to further their goals. However, challenges arise when media, either intentionally or unintentionally, distorts reality by presenting a different, altered, or even more idealized version of events, or in some cases, creates a new reality altogether (media reality), as postmodern theorists such as Albert Borgmann, Jean Baudrillard, and many others have pointed out. Given the issues discussed and the topic of this paper, the question arises: How did U.S. media impact the 2020 presidential election and its outcome? This research is important for several reasons: First, less than a year remains until the next U.S. presidential election, and the debate surrounding the 2020 elec-



nologies, and, in turn, they impact these processes. The one-way or two-way nature of communication within the power pyramid also correlates with the creation and activity of authoritarian or democratic governments. Governments strive to strengthen their rule by utilizing communication technologies, testing the legitimacy of their rulers and policies in the public opinion of citizens (Abu-alhasani & Babaei, 2011: 5).

As previously mentioned, media, after gaining the attention of the public and being recognized by political actors, have become a new player in the political field. A prominent example of this is the significant role media played during the Cold War, where, despite physical borders under tight security measures, they helped minimize these borders, enabling the exchange of human thought and knowledge more freely and boundlessly. However, certain policies led media to focus more on propaganda against the opposing ideology. For example, U.S. media covered jokes made by President Ronald Reagan about the Soviet Union, or in 1953, Samuel Fuller made a film called "Pick-pocket" with anti-Soviet themes, often referred to by critics as a vulgar anti-communist piece. Films by Billy Wilder, Ty Garnett, and Gustavo Gavras are also examples of how Hollywood and U.S. media depicted communism as a "monster."

Today, media play a major role in global politics, especially in the decision-making processes of foreign policy. After the Cold War and the restructuring of global power, media, following the communication and information revolution, have undergone significant transformations, and their role in politics and international relations has changed as well (Haji Mineh, 2014: 1).

However, this is not the whole story. Media sometimes go beyond these actions and play an important role in representing and constructing new realities in favor of governments or the political actors they support. From the perspective of many postmodern thinkers, including Jean Baudrillard, events like the Watergate scandal, the Gulf War, and even the Vietnam War were subjects of representation and simulation, and the reflected reality was never the actual truth (Mansourian, 2013: 64).

Other examples of media representation include

U.S. media's policy on Islamophobia and later anti-Russian sentiment through Hollywood, with the aim of inciting a new Cold War. Notably, this policy began almost two decades before the Ukraine war. After the events of September 11, U.S. media focused on Al-Qaeda, followed by Islam and Muslim activities. For about a decade, media coverage about Muslims was increasingly associated with the war on terror. The first phase of this representation involved publishing offensive cartoons about Prophet Muhammad (PBUH), a strategy that reminded people of the anti-enemy propaganda used by the Nazis during WWII. In those days, despite widespread protests from Muslims around the world, at least 143 newspapers in 54 countries published anti-Islamic cartoons.

Before the collapse of the Soviet Union, the media representation and propaganda efforts of the U.S. were focused on the Soviet Union, its satellites, and their ideologies. In other words, before the concepts of Islamic fundamentalism and terrorism emerged, liberal democracy was in ideological conflict with communism. This relatively long period provides a backdrop for understanding U.S. media's role in expanding its hegemony by limiting the ideological appeal of the rival (i.e., the Soviet Union). In recent years, with the resurgence of Russian power in regions such as Ukraine and Syria, the U.S. has successfully used propaganda and media representation to obscure NATO's commitments and the real causes of the conflict, focusing more on portraying Russia as the aggressor (Esmaeili & Malaika, 2018: 80).



more real than reality itself. Baudrillard discusses three types of simulation: forgery, production, and representation. In the third level of simulation, he gives the example of representations becoming idols that replace real gods, as if these idols are the real thing and the original divine reality no longer exists (Parhizkar, 2009: 179-200).

An Interesting aspect of Baudrillard's theory is that the Hollywood movie The Matrix is based on this theory. Baudrillard sees cinema and Hol-

lywood as part of the media that shape hyper-reality through their simulations and representations.

In conclusion, Baudrillard views the postmodern world as one of simulation, where media constructs reality. The research in this paper utilizes Baudrillard's theory of representation and hyper-reality to examine the role of media in the 2020 U.S. presidential election and analyze how media may have influenced the outcome.

Media

Media is the eloquent and uncontrollable language of our time. As a civil, national, and transnational institution, media serves as an active intermediary for communication and understanding between citizens and national and international entities. Therefore, it can be both a messenger of peace, tranquility, and security, and also a catalyst for war, unrest, and crisis. In today's era, media, as carriers and agents of communication and informa-

tion, have the capacity to connect or disconnect hearts, minds, actions, and behaviors more effectively than any other official or unofficial player. Media do not recognize human, geographical, or ideological boundaries. However, more than any other institution, media can penetrate relations

and considerations that generate tensions and crises, thus creating the conditions for a secure national and international society. Moreover, due to their ecological characteristics (which emphasize their scope and potential for impact on social and political transformations), media are not only capable of quickly shaping public space, but they can also change everything. They can shape public opinion, stir up emotions, and put people in a state where they either think of conflict and crisis or, conversely, reveal the constructed and distorted realities and bring people together in a more peaceful and unified world. Media can thus create either a divergent and challenging world where everyone fights everyone else or, alternatively, a world of crisis or crisis management (Hosseini, 2011: 125).

Nowadays, almost everything is connected with social media. In communication science, media are tools for delivering data or information. In other words, any tool or means used for communication is considered media. The term "media" in its modern usage was first introduced by Marshall McLuhan, the Canadian communication theorist. From the perspective of some scholars and authors, such as Harold Innis, all tools that transmit messages, ranging from cave paintings and smoke signals in the past to newspapers, cinema, radio, television, and internet platforms and social networks, can be considered media. It is also worth noting that media have a dual function: both as a "ritual" and as an "activity." Group media not only inform but also entertain and present new perspectives of the world around us. However, media as a "ritual" shape daily life. Listening to the news is not just for the sake of information, but to know the exact time, or when the morning newspaper does not arrive on time, the reader becomes upset not because they miss the content, but because its absence disrupts their entire breakfast routine. In this case, media are seen as an extension of the individual's existence, and they feel themselves and the media as an inseparable part of their life (Tajik, 2008: 56).

Political Approach of Media

Politics, in any definition, is intertwined with information and communication media. The nature and processes of political structures are influenced by communication, information, and related tech-





criticizing Donald Trump, trying to convince the public that he was unsuitable for the presidency, while highlighting his previous weaknesses. In contrast, Fox News had appropriate responses to criticisms of Trump and, in dealing with attacks against him, largely chose to remain silent, which seems to have been an unsatisfactory approach (www.adnel.co).

**The Role of Mainstream Media During the Trump-Biden Duel:** The media's approach to the Trump-Biden election duel can be analyzed in three stages:

1. **Pre-election period:** Media supporting the two main political parties traditionally backed their respective candidates. However, in major U.S. networks like Fox News, CNN, CBS, and NBC, the support was more implicit, with experts and analysts presenting their views. This period was marked by the traditional power struggle among media outlets.

2. **Post-election results:** Contrary to the anticipated rivalry between media outlets in announcing election results, the media did not engage in a contentious competition. Senior members of both Fox News and CNN stressed that they would not race to announce the election results, as such a competition would harm both sides. Both networks relied on the official election commission's results, with Fox News, traditionally a Trump sup-

porter, eventually announcing Joe Biden as the winner, even stating he had secured 290 electoral votes. This approach, however, faced criticism from the Trump campaign.

3. **After the election results:** For example, major news outlets cut off Trump's speech when he claimed electoral fraud in his press conference. Despite later controversies, Fox News, like other networks, adhered to professional protocols by referring to the official results from state commissions. This approach demonstrated that even in a country that prides itself on freedom of information, media outlets followed professional standards that prioritized national unity, supported legal structures, and avoided inflaming public opinion for political gains. This approach shows that mainstream media outlets do not view following professional protocols as being contrary to freedom and transparency, nor do they consider public opinion as a disruptor of national structures (kayhan.ir).

### Conclusion

Given the discussions presented earlier, it is clear that media today have a close relationship with politics and influence it significantly. This was evident through the examination of media responses and their interactions with political processes, specifically the 2020 U.S. presidential election, and how the media impacted these events. The prima-

There are many examples of how media play a political role through representation, often leading to the creation of hyperreality. These examples extend beyond international relations and sometimes involve domestic political processes, such as U.S. presidential elections, where the role of media is particularly prominent and open to debate.

### Media and the 2020 U.S. Presidential Election

One of the most important political events in the United States is the presidential election, which has been marked by a competitive, bipolar environment between the Republican and Democratic parties for years. Among the most controversial and debated elections in recent years is the 59th presidential election, held in 2020, between Republican candidate Donald Trump and Democratic candidate Joe Biden. This election was significant for many reasons, but this is not the focus of our discussion. One of the key players and influencers in this event was the media, which played a noteworthy role before, during, and after the election results were announced.

Due to the multiplicity of media outlets in the United States, and the fact that many of them primarily support one of the two major political parties, we will examine the two most-watched networks, Fox News and CNN.

Fox News, with its history and activities, is generally recognized as a conservative news network, aligned with the Republican Party. This network tends to downplay criticism of Democrats and promotes conservative viewpoints. In contrast, CNN is supportive of the Democratic Party and stands in stark opposition to Fox News (Smith, 2019: 8).

**CNN's Influence:** CNN, an international 24-hour cable news network, had a major impact on U.S. foreign policy during the latter stages of the Cold War. Later competitors, such as the networks covering the collapse of communism in Eastern Europe and the first Gulf War, had a similar impact. One of the most significant criticisms of CNN's coverage is that its activities are primarily concerned with foreign policy rather than domestic politics. Some experts believe that media outlets today often address political issues more quickly than political actors themselves, and emphasize their importance to society (or at least the importance they wish people to accept). CNN's influ-

ence can be categorized into three areas:

1. Acceleration factor
2. Deterrent factor
3. Highlighting factor

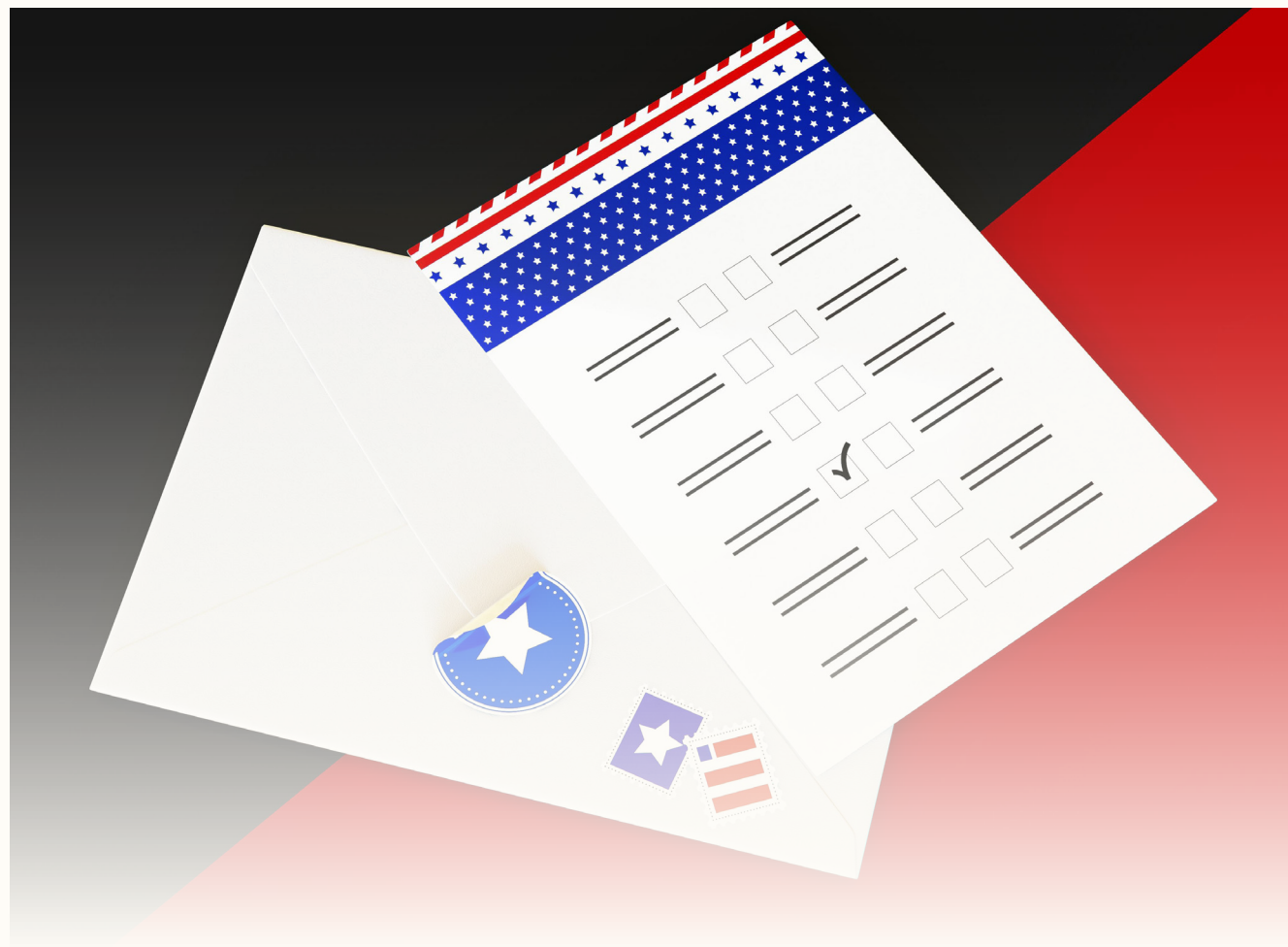
By examining these three factors, we can analyze how CNN utilized advertising campaigns to encourage people to vote for the Democratic candidate, change public opinion about the opposing Republican candidate using deterrence, and create media spectacles with emphasis on certain aspects of the election. It is important to note that in all of these factors, the potential for re-representation and even a network of re-representations leading to a hyperreality phenomenon (as described by Baudrillard) exists.

**Fox News' Influence:** In 2006, two economists, Stefano Della Vigna and Ethan Kaplan, published research showing how expanding coverage by a particular TV network could influence the political leanings of people in specific areas, especially during presidential elections. The researchers focused on how media orientation affected voting behavior, demonstrating a significant relationship between the expansion of Fox News' cable coverage between 1996 and 2000 and the voting behavior of individuals exposed to this network. Their findings showed that, by 2000, Fox News' presence in 9,256 cities was directly linked to an increase in votes for the Republican Party in those cities (Babai, Abolhassani, 1390: 10-8). Fox News, due to its close ties with Republican groups, is considered a biased media outlet in its political discussions (Azadi et al., 1400: 73).

An interesting point about the 2020 election was the high voter turnout (63%) and the fact that both candidates, even the losing candidate, received more votes than any previous election winners (Ebrahimi and others, 1401: 240).

Given these factors, examples of the activities of these two networks regarding the 2020 election can be provided. CNN focused on attacking and





sis of Identity)". Communication Research Journal, Issue 15, pp. 70-93.

Mansourian, Soheila (2013). "Art and the Truth of Media in the Postmodern Era". Journal of Art Alchemy, Vol. 2, Issue 8, Fall, pp. 59-71.

Ebrahimiyan, Leila, et al. (2022). "Social Networks and the Management of Social Behavior with a Focus on the 2016 and 2020 U.S. Elections from the Perspective of Experts". Scientific Journal of Society, Culture, and Media, Vol. 11, Issue 44, Fall, pp. 238-259.

Dehbandi Poor, Reza; Khormpoor, Yasin (2016). "Examination of Postmodernism Components and Associated Factors (Case Study: Youth in Yazd)". Journal of Social Development Studies, Vol. 4, Issue 4, Spring, pp. 53-77.

Aboulhassani, Seyed Rahim; Babai, Mohammad (2011). "A Theoretical Approach to the Relationship Between Media and Politics". Political Science Journal, Vol. 42, Issue 2, Summer, pp. 1-22.

Hosseini, Seyed Hassan (2011). "What is the Philosophy of Media?" Interdisciplinary Journal of Media and Culture Studies, Vol. 1, Issue 1, Spring-Summer, pp. 123-150.

Belcastro·louis and other(2022) »Analyzing voter behavior on social media during the 2020 U.S presidential election campaign« NIH national library of medicine

ry question of this research was to understand the role of media in the 2020 U.S. presidential election and how much influence it had on the result. Initially, we explored media and its representations in various dimensions, looking at how they shape hyperrealities. We then examined the activities, roles, and impacts of U.S. media, particularly Fox News and CNN, during the 2020 election, analyzing three stages: before the election, during the election, and after the results were announced. It can be concluded that the media's presence in political processes, such as the U.S. election, can influence the outcome either by shifting public opinion in favor of their preferred candidate through repeated representation or by promoting policies that may contribute to the loss of a candidate (as seen in Donald Trump's defeat and Joe Biden's victory). This results in increased public participation, even if such participation is based on a constructed reality rather than actual facts. However, from a statistical perspective, this participation is noteworthy. A major challenge faced by researchers in gathering information and achieving desired results was the limitation of resources, which was mainly due to the research topic and the specific time frame covered in this study.

#### References

Haji Mineh, Rahmat (2014). "Examining the Role

of Media in International Relations: State Actors or International Players". Journal of Intercultural Studies, Issue 23, Winter, pp. 1-13.

Parhizkar, Gholamreza (2010). "Media Reality and the Masses in Baudrillard's Hyperreality". Journal of Cultural-Social Knowledge, Vol. 1, Issue 4, Fall, pp. 179-200.

Ismaili, Bashir; Malaekheh, Seyed Hassan (2018). "Media Policy of the United States Against Russia: Hollywood, the New Cold War, and the Revival of Russophobia". Journal of Political and International Studies, Issue 36, Fall, pp. 75-100.

Attarzadeh, Mehdi; Jamali, Maryam; Zeymran, Mohammad (2021). "Virtual Reality and Special Effects in Cinema with a Baudrillardian Approach to Hyperreality". Journal of Islamic Art Studies, Issue 43, pp. 399-410.

Homayounfar, Rashnou; Mostofi, Shamsolmolouk; Ardellani, Hossein (2022). "Analysis of Interactive Art Based on Baudrillard's Theory of Hyperreality: Case Study of Digital Equilibrium Layout". Journal of Art Alchemy, Issue 44, Fall, pp. 7-22.

Tajik, Mohammadreza (2008). "Media and Crisis in the Age of Hyperreality (Focusing on the Cri-





tract foreign investment in green technologies and diversify its energy portfolio.

#### Trump's Election Campaign and the Oil Industry

Ahead of the 2020 election race, Trump actively sought the support of the oil industry (Figure 1), promising to roll back many of Joe Biden's environmental policies if reelected. A report by Josh Dawsey in The Washington Post titled Trump Asked Oil Executives for \$1 Billion in Donations, Pledging to Curb Electric Vehicles reveals that Trump solicited financial contributions from oil company executives, pledging in return to reduce environmental regulations. Among his key promises were lifting restrictions on liquefied natural gas (LNG) exports and expanding offshore drilling leases in the Gulf of Mexico.

These actions highlight Trump's commitment to prioritizing fossil fuel interests over environmental concerns. While such policies may temporarily boost the profitability of American oil companies, they also risk exacerbating global warming and undermining international cooperation on climate change [4]. For Iran, this approach is a double-edged sword: on one hand, it reinforces global reliance on traditional energy sources, aligning with Iran's priorities; on the other hand, it prolongs the world's dependence on fossil fuels, delaying the transition to cleaner energy sources—a shift that could ultimately benefit Iran in the long run.

#### Trump's Weakening of Anti-Corruption Efforts

Another significant aspect of Trump's energy policies was the rollback of anti-corruption initiatives in the oil industry. According to a New Yorker report titled The Trump Administration Undermines Anti-Corruption Efforts in the Oil Industry (2017), the Trump administration repealed the Cardin-Lugar rule, which mandated transparency in payments made by extractive industries to foreign governments. Furthermore, the United States withdrew from the Extractive Industries Transparency Initiative (EITI), weakening global standards for accountability in resource management (Figure 2) [5].

This retreat from transparency poses risks for Iran. In the absence of strong international frameworks promoting ethical governance, the likelihood of increased corruption and mismanagement of resources rises. Additionally, the lack of transparency diminishes trust between Iran and potential international partners, complicating the country's efforts to attract investment and secure the necessary collaborations for modernizing its infrastructure.

#### Nationalization of Iran's Oil Industry: Historical Context and Modern Implications

Mahdavi's research (Why Do Leaders Nationalize the Oil Industry? The Politics of Resource Expropriation, 2014) provides valuable insights into the dynamics of nationalization and offers relevant lessons for Iran's current situation. Mahdavi argues that leaders pursue nationalization to



## The Intersection of Trump's Policies and Iran's Oil Industry

Alireza Behin Rad



The global energy outlook and international relations in recent years, particularly under the administration of former U.S. President Donald Trump, have undergone significant transformations. This article critically examines Trump's policies and their implications for Iran's oil industry and its broader geopolitical standing. Utilizing research findings and policy analyses, this paper proposes strategies for Iran to effectively counter Trump's unilateral coercive measures and safeguard its national interests.

#### Trump's Economic Policies and Their Impact on Global Trade

Donald Trump's presidency was marked by an aggressive stance against trade imbalances, particularly with China. According to a study by Justin Yifu Lin (2018) titled Trump's Economy and the U.S.-China Trade Imbalance, the U.S. trade deficit was not primarily caused by China but rather stemmed from structural shifts in the comparative advantages of East Asian economies. Specifically, labor-intensive manufacturing shifted from other East Asian countries to China as part of natural economic evolution. However, Trump's focus on tariffs and protectionist measures introduced widespread uncertainty in global trade relations.

Although this study does not directly address Iran, it highlights a crucial point: imposing tariffs or sanctions without addressing underlying structural issues often leads to unintended consequences. For instance, while Trump aimed to reduce the U.S.-China trade imbalance through tariffs, these measures merely redirected production to other low-wage economies without resolving the core

issue. Similarly, the reimposition of sanctions on Iran following the U.S. withdrawal from the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) in 2018 severely restricted Iran's ability to export oil globally. These sanctions disrupted Iran's oil exports, forcing the country to seek alternative markets and pricing mechanisms [1].

#### The Repeal of Trump's Environmental Policies and Its Implications for Iran

One of Trump's controversial decisions was withdrawing the United States from the Paris Climate Agreement. A study by Ivan Diaz-Rainey et al. (2020) titled Trump vs. Paris: The Impact of Climate Policies on U.S. Oil and Gas Firms' Returns and Volatility indicates that signing the Paris Agreement negatively affected the overall oil and gas sector, particularly exploration and drilling companies. Conversely, Trump's election victory and subsequent withdrawal from the agreement yielded mixed results—some subsectors benefited while others suffered. Notably, non-publicly traded domestic producers gained the most, whereas publicly listed firms faced increased volatility due to uncertainty in climate policies [2,3].

For Iran, Trump's deregulation of environmental policies presented both opportunities and challenges. On the one hand, reduced environmental oversight in the U.S. could increase competition in fossil fuel markets, exerting downward pressure on global prices. On the other hand, Iran's exclusion from international agreements like the Paris Accord—due to U.S. sanctions—limited its participation in global discussions on sustainable energy. This isolation hindered Iran's efforts to at-



Additionally, strengthening bilateral agreements with countries like India and Turkey can bolster Iran's position in global energy markets. These partnerships not only provide short-term economic benefits but also enhance Iran's strategic presence in key regions.

#### 5. Leveraging Diplomacy

Iran must intensify its diplomatic efforts to engage constructively with global powers. Participating in multilateral discussions and international forums can help reshape global perceptions of Iran as a responsible energy player. As illustrated in Figure 3, Iran's export trends have evolved over the years. Iran can collaborate with the European Union, which has consistently opposed U.S. sanctions, to find frameworks for resolving disputes, demonstrating its commitment to peaceful conflict resolution [10].

#### Addressing Economic Vulnerabilities

Trump's policies exacerbated Iran's economic vulnerabilities by restricting access to global markets and financial systems. To counter these effects, Iran must focus on three key areas:

**Economic Diversification:** Reducing dependence on oil exports requires investments in sectors such as manufacturing, agriculture, and technology. Developing high-value industries can create jobs and provide alternative revenue sources.

**Technological Innovation:** Investing in advanced extraction technologies and improving operational efficiency can enhance Iran's global competitiveness. The use of digital tools and process automation can reduce costs and increase productivity.

**Financial Resilience:** Strengthening domestic financial systems and exploring alternative currencies for international trade can make Iran more resistant to sanctions. Cryptocurrencies and blockchain technology offer innovative solutions for bypassing restrictions.

#### Challenges of Trump's Sanctions

The reimposition of U.S. sanctions had a significant impact on Iran's oil exports. According to

Mahdavi, sanctions reduced Iran's ability to generate revenue and weakened its bargaining power in negotiations with foreign companies. To mitigate these effects, Iran can consider the following strategies:

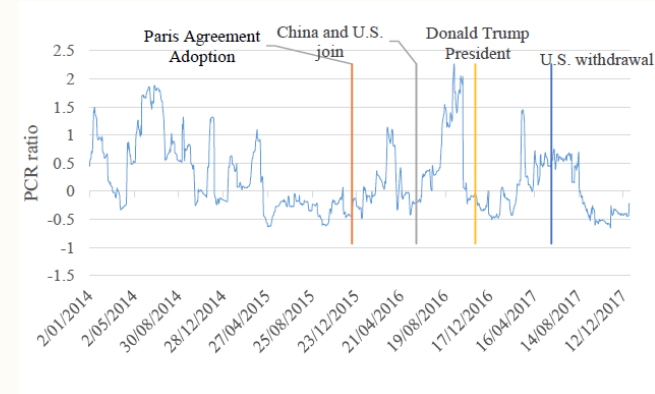
**Negotiating Flexible Contracts:** Revising existing agreements to narrow profit-sharing gaps between Iran and foreign firms can reduce the likelihood of nationalization. As Eugene Holman, former president of Standard Oil (New Jersey), stated, operating companies must acknowledge that host governments "rightfully expect a fair share of revenues" [11].

**Investing in Advanced Technologies:** Expanding investment in cutting-edge extraction technologies can enhance efficiency and competitiveness, allowing Iran to maintain its market share despite sanctions.

**Raising Public Awareness:** Transparency and effective communication with the public can build domestic support for negotiated solutions and reduce pressure for full nationalization.

#### Global Trends and Their Impact on Iran

The global energy landscape is evolving rapidly due to technological advancements and shifting consumer preferences. The study by Lukas Hermwille et al. (2018) examines how the fossil fuel industry was affected by the Paris Agreement and Trump's election. While some sectors benefited from deregulation, others faced declining demand due to the growing adoption of renewable energy [12].



For Iran, maintaining competitiveness in this shifting environment requires strategic planning.

maximize state revenues while minimizing costs, including international backlash and domestic political constraints. Based on historical data, he identifies three primary factors that drive nationalization:

1. **High Oil Prices – Nationalization** is more likely during periods of high oil prices when financial benefits outweigh the risks of expropriation.
2. **Transnational Spread of Nationalization** – Nationalizations often occur in waves, as countries that act later face fewer international repercussions.
3. **Resource Nationalism** – A perception of unjust revenue-sharing arrangements between host governments and foreign companies increases the likelihood of nationalization.

The nationalization of the Anglo-Iranian Oil Company (AIOC) in 1951 exemplifies these dynamics. Mahdavi notes that the perceived inequity in revenue distribution between Iran and Britain played a crucial role in the decision to nationalize [6].

#### Iran's Strategic Responses

To effectively counter Trump's policies and safeguard its vital interests, Iran must adopt a multi-faceted approach that includes diplomatic engagement, economic diversification, and technological innovation.

#### 1. Strengthening Regional Alliances

One of the most effective ways to counter U.S. sanctions is to deepen ties with neighboring countries and regional powers. Joint collaborations in pipeline development, refinery projects, and infrastructure investments can expand Iran's access to new markets and diversify its revenue streams. For instance, cooperation with China through the Belt and Road Initiative (BRI) offers significant potential for expanding trade and investment flows [7].

Additionally, engaging with non-Western finan-

cial institutions, such as the Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB), can provide alternatives to Western banking systems. These institutions often prioritize development-oriented projects that align with Iran's long-term goals [8].

#### 2. Enhancing Governance and Transparency

Improving governance and promoting transparency in Iran's oil industry is crucial for gaining the trust of international partners. While Trump rolled back anti-corruption measures in the U.S. oil sector, Iran can distinguish itself by implementing best practices in resource management. Adopting reforms based on the principles of the Extractive Industries Transparency Initiative (EITI)—even without formal membership—can demonstrate Iran's commitment to transparency [9]. These measures would boost investor confidence and attract much-needed foreign capital for modernizing the country's infrastructure.

#### 3. Investing in Renewable Energy

Given the global shift toward sustainable energy, Iran must invest in renewable energy technologies to remain competitive. Pasha Mahdavi's research emphasizes the importance of adapting to global demand and ensuring fair revenue distribution (Mahdavi, 2014).

By developing solar, wind, and hydrogen production facilities, Iran can position itself as a leader in clean energy, attract international support, and reduce its dependence on volatile oil markets. Furthermore, international collaborations in green technology development can help reduce Iran's isolation and build goodwill among global partners.

#### 4. Expanding Alternative Export Markets

To mitigate losses caused by U.S. sanctions, Iran should actively seek new export markets beyond its traditional spheres. Strengthening trade relations with South Asia, Southeast Asia, and Africa can open new avenues for Iranian oil exports. Moreover, utilizing innovative pricing mechanisms, such as barter agreements or cryptocurrency-based transactions, can facilitate trade despite geopolitical restrictions.



# Futures Studies on China's Changing Position in the International System

Sadaf Mahmoudi  
Asma Mohammadi

Abstract:

The present study explores the future of China's changing position in the international system. China's strategic behavior in international politics is far more complex than common clichés such as "challenger" or "revisionist." The country has acted as a challenger in the hegemonic order, a security seeker in the balance of power order, and an order-builder in the institutionalized order. Asia, due to its strategic significance, has become a battleground for major powers competing in various geopolitical regions. The shift of the global power center to Asia has pushed China to expand within its regional environment in an effort to ascend as a major international pole.

While China possesses the potential and indicators necessary for this rise, it faces numerous obstacles. Among these challenges are security dilemmas in South Asia and Eurasia's orientation in Russia's strategy, which influences China's regional influence, particularly in Central Asia. Additionally, the role of the United States in Asia and its ability to shift the strategic balance through security alliances affect China's trajectory. China's ability to navigate new developments in international politics depends on how it manages its relations with major Asian powers and its efforts to form a new bloc by attracting smaller countries through soft power and economic assistance. These efforts serve as a gateway for further investments based on a pragmatic approach rather than ideological

proposals.

This study examines China's role in the international balance of power across various dimensions, particularly in areas of Chinese and international cooperation and shared interests. It also analyzes the nature of interactions between China and other actors at regional and global levels, considering the impact of the international environment in shaping these relationships. The study explores transformations in the international structure and the governing rules, Transitioning from ideological and political conflicts in a bipolar world to unilateralism and new patterns of international interactions. Within this framework, multilateral and bilateral relations will be analyzed using variables distinct from those that defined the international environment during wartime periods.

China has emerged as one of the political units benefiting from changes in the international system, allowing it to reposition itself globally and effectively apply the adaptive approach in its foreign policy.

Keywords: Futures Studies – China's Changing Position – Structure of the International System  
Introduction:

China's rise to power can have significant impacts on the existing international order. "China as a challenger," has become a common cliché in the literature of Persian-speaking international rela-

Diversifying energy sources, improving operational efficiency, and engaging in international collaborations can facilitate a successful transition. Additionally, leveraging its geopolitical position to strengthen regional partnerships can enhance Iran's bargaining power against global powers.

## Conclusion

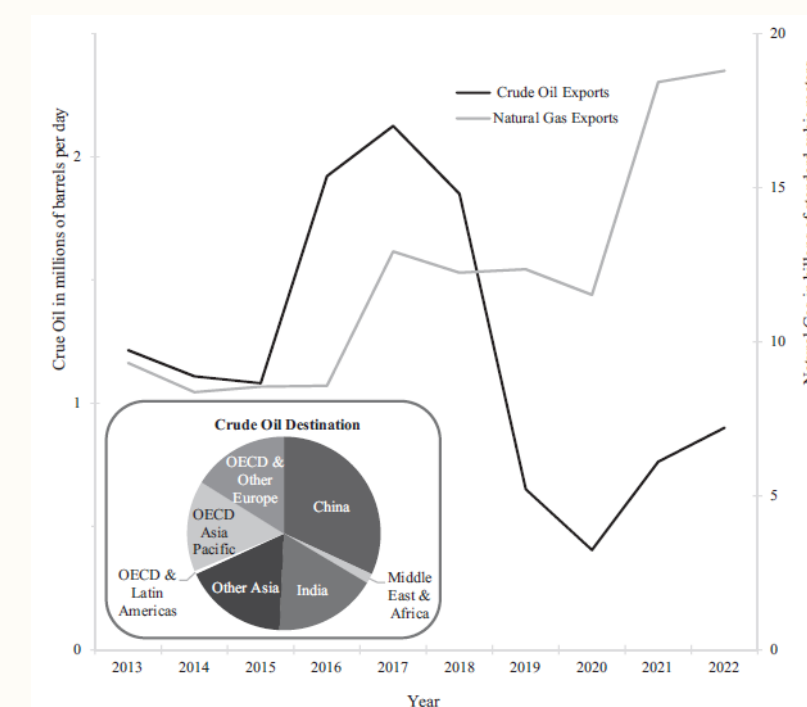
Trump's policies posed significant challenges to Iran's oil industry, but through proactive strategies based on regional cooperation, technological innovation, improved governance, market diversification, and diplomatic engagement, Iran can effectively navigate these obstacles.

Strengthening regional alliances, investing in renewable energy, and promoting transparency in resource management are crucial steps for Iran to overcome contemporary geopolitical complexities. Simultaneously, addressing economic vulnerabilities through diversification and technological development ensures long-term resilience against external pressures.

Ultimately, Iran's response to Trump's policies must strike a balance between short-term survival and long-term growth. By challenging unilateral actions and fostering cooperative relations with global partners, Iran can solidify its position as a key player in the global energy sector while contributing to regional stability and prosperity.

Figure 1. Donald Trump alongside Jeff Burgum, the governor of North Dakota and a member of the Republican Party, who is currently leading the development of Trump's energy policy [4].

Figure 2. The ratio of total put options to call options weighted by value for non-American integrated companies [5].





ment was primarily driven by the need to counter China's rise. Arghavani Pir-Salami and Esmaili believe that the primary cause of fluctuations in U.S.-China relations lies in the interaction of the two countries across four key domains (security, politics, economics, and culture), with differing patterns that both hinder strategic cooperation and prevent war between the two countries. Sazmand and Arghavani also discuss the feasibility of China's strategic choices in the international environment, arguing that the peaceful rise of China in the geopolitical arena will face increasing challenges. Theoretical Framework: International Orders

From Ikenberry's perspective, international order refers to arrangements for managing affairs in the interactions of a group of states, which include foundational rules, principles, and institutions. He argues that the design, collapse, and restructuring of order are key issues in international relations. Within this definition, the formation and continuation of international orders are not necessarily contingent on a normative agreement among the member states, but they can be based on minimal relations between states, coercion, or power balancing. In this framework, he categorizes international orders into three types: balance of power, hegemonic, and institutionalized orders. These three types of orders are distinguished by how power is distributed and exercised as the organizing principle of international order. Furthermore, these orders differ in terms of the constraints they place on the use of power by states, the sources of cohesion and cooperation among states, and the fundamental conditions that lead to the stability or instability of these orders (Ikenberry, 2015).

The balance of power order is formed based on anarchy, meaning the absence of a central authority. The lack of central authority turns the security dilemma into a permanent issue in state relations, prompting states to balance against rivals or, in rare cases, align with them. In other words, in such an order, balancing becomes the strategic choice of states, as there is no alternative to ensure security and survival. Thus, balancing is the fundamental and transformative force in this order. Balance of power and hegemonic orders result from how power is distributed in international politics. Balance of power orders are the manifestation of states' organized response to changes in the distribution of power toward dominance, while hegemonic



onic orders are based on the concentrated distribution of power.

Institutionalized order is one that is organized around legal and political institutions agreed upon by states, institutions whose main function is to allocate rights and limit and channel the use of power in the international community. According to Ikenberry, the key feature distinguishing institutionalized order from the other two types is the existence of specific control mechanisms over the exercise of power, mechanisms that are operationalized within international institutions. He considers Western liberal democratic systems as the prime example of such an order and argues that these mechanisms are crucial for maintaining stability and order in the international system.

#### The Development of International Relations Knowledge in China

According to Collins' theory, the first question related to the creation and flourishing of ideas revolves around the space in which a network of ideas emerges. In other words, this thinker argues that theories form most rapidly in the academic arena (Collins, 1998:20). Therefore, this section will initially focus on the context in which Chinese indigenous theories are created and their evolutionary process, followed by three approaches regarding the goals of theory-building in China.

tions and to some extent in the scientific discourse worldwide. In this framework, China increasingly challenges the existing order, and its relations with the United States are becoming more strained. However, it seems that this cliché oversimplifies China's behavior and stance in current international politics, as well as the complex and multifaceted realities of the international system. "Order" is generally defined as the opposite of "chaos" or the absence of war. But the question arises: in the context of the "power transition" in the international arena, how can we speak of an "order"? One way to understand international order during a power transition is to examine "different orders" with varying degrees of inclusivity and influence on international relations. Various classifications of ideal models of order or potential scenarios for the future international order have been proposed. These include Mearsheimer's realistic, liberal, and agnostic orders, Buzan's unipolar, bipolar, and multipolar orders, and Tirin Flakhart's theoretical orders, which emphasize the peaceful emergence of China and the continuation of stability in its relations with the United States as the hegemon. Theories that focus on the challenges posed by China's rise, its competition, tension, and the fragility of its relations with the United States, are also prominent. China's rise will inevitably establish a specific pattern of behavior among major powers. In this situation, the interaction between China and the dominant power (hegemon) and

how this dynamic influences other existing powers becomes of particular importance. Therefore, various theories emphasize the strategic direction of U.S.-China relations in the future. Below, each of these theoretical approaches will be briefly explained. One interesting point in examining these theoretical approaches to China's rise and its future relations with the U.S. is that in both camps—those who believe in a peaceful rise and those who do not—representatives from three major schools of international relations theory, namely Realists, Liberals, and Constructivists, can be found. While most proponents of the peaceful rise of China are Liberals, some Realists also belong to this group.

#### Theoretical Framework of China's Strategic Behavior:

China's strategic behavior during its rise is one of the key variables shaping the direction of systemic change. Therefore, increasing research has been conducted on China's foreign policy, its strategic choices, and its behavior in international politics. Regarding China's position in the international order and its approach to it, it can be placed into two broad categories: The first category views China's rise in the international arena through the lens of international relations theories. For instance, Shirkhani and Mahrouq discuss the macro theories of international relations concerning the rise and fall of powers, particularly China's rise, and present critiques. Gholizadeh and Shafiei have applied the theory of the power cycle to explain the relationship between China and the United States, arguing that the United States' refusal to accept China's increasing role in international affairs will lead to the decline of America. The second category of scholars focuses primarily on China's position in global relations in the context of its bilateral relations with the United States. For example, Bahrami-Moghadam, using Robert Gilpin's neo-realist theory of hegemonic stability, demonstrates how China's economic growth gradually increases the resources and necessities for expanding its naval power, challenging the U.S. naval supremacy in the Pacific region. Janziz and Bahrami-Moghadam have also regarded China's rise as a disruptive phenomenon for the U.S. order in East Asia, with the U.S. strategy in the region being to balance against this rising power. Taghizadeh Ansari argues that the U.S. government's tendency to favor the Trans-Pacific Partnership trade agree-



ropean history, as the focal point of shaping modern international politics, largely evolved through the formation, continuation, and transformation of balance of power systems.

Communist China was born into a bipolar international order based on balance of power. Thus, it became intricately tied to the changes in this system and was deeply influenced by them. Establishing and solidifying China's position in the international balance of power was one of the key priorities of the first generation of leaders, especially Mao Zedong. He emphasized internal balancing by focusing on the creation of a powerful military, which he considered the country's primary priority. On this basis, Mao's China placed nuclear weapons at the heart of its internal balancing strategy, joining the ranks of nuclear-armed states in 1964 and implementing minimal deterrence. In external balancing, he also proposed ideas such as relying on one pole to counter another and the theory of the three worlds, with balancing being at the core of these theories. The United States increased its geo-economic, geopolitical, and ideological pressure on China. The pressures from the hegemon were growing in a context where Russia had become severely weakened and was struggling to manage the aftermath of the collapse of the empire. On the other hand, the divide between Eastern and Western Europe had disappeared, and the European Union emerged as an economic-normative power and a supporter of the United States (Shari'atinia, 1398).

Soft Power, Changing Position, and Hegemony of China in the International System

In the discussion of soft power and China's position in the global system, which in a way evokes the presentation of good governance and hegemonic stability, identity is one of the most central concepts. The way other countries perceive the foundational identity of these four dimensions of soft power can play a key role in determining the position of both countries and shifting the balance of power in their favor. One important aspect related to identity from the perspective of constructivists is the fluidity, or in other words, the transformative nature of identities.

Identity can be fluid under certain conditions, and the key task of constructivists is to explain this change and fluidity. According to them, identity

is a social construct, meaning that in constructing oneself, the other is also constructed. This is why, from their viewpoint, the perception of actors about themselves, their interests, and their goals is changeable, and consequently, the formation of a new identity leads to the emergence of new interests for a state. In this context, the social, political, and economic structures are highly organized and uneven, providing opportunities and limitations for actors in an unequal manner. Therefore, while the mentioned structures may help wealthy and capable actors advance their interests, they may equally create serious obstacles for less capable actors in achieving their strategic goals. What China's performance indicates is that while this country aims to achieve a hegemonic position and leadership in global governance, the path it currently follows is a moderate one, combining four strategies: hegemonic dominance over expansionism, challenging the status quo, attempting to align with the dominant power, and developing quietly and skillfully (Chen, 1390: 179). As a result, as Brzezinski argues, China's role is more that of a participant than a challenger (Chen, 1390: 180).

The Emergence of China's Changing Hegemony and Its Impact on the Decline of the U.S. Position



In the early 1950s, the Communist Party abolished political science as an independent field (bourgeois). During the Maoist era, the ideology of communism and the concept of proletarian revolution were the only legitimate sources of intellectual thought. During the Cultural Revolution, intellectual life was generally suppressed in universities, and even after their reopening by revolutionary committees, only Marxist scholars in international relations were financially and organizationally supported. Since there was only one intellectual network, there was limited space for critical thought and discussion (Shoude, 1997:26).

China in the International System

Explaining China's attitude and actions towards the hegemonic order is not particularly difficult. In the decades following the 1949 communist revolution, opposition to such an order was consistently reflected in the country's declared policies. During Mao's rule, opposition to hegemonism was framed as a fight against imperialism and was one of the core principles guiding China's foreign policy towards the two superpowers.

During the era of reforms and the "open door" policy, opposition to Soviet imperialism was also one of the declared and practical goals in the country's foreign policy. With the collapse of the Soviet Union and the end of the Cold War, on one hand, the foundation of China's strategic cooperation with the United States, which had been built on countering Soviet expansionism, collapsed, and on the other hand, China increasingly felt insecure due to the hegemonization of the United States in international politics. As a result, opposition to hegemonism became a recurrent concept in the country's foreign policy discourse. A review of Chinese foreign policy literature during this period shows that the hegemonic position of the United States became a strategic concern for Chinese theorists regarding the international order and China's place within it. Prominent Chinese scholars argued that the United States had assumed a dominant position in the international order, which they saw as detrimental to China's national interests. They believed that the U.S. dominance not only restricted China's international freedom of action but also created opportunities for foreign interference in China's internal affairs. The Communist Party of China also shared these concerns with them (Blum, 2003). Since the establishment of relations between China and the U.S. In the early 1970s, up until the rise of the Trump administration in 2016, the U.S. consistently pursued a grand strategy of "engagement" with China. One of the key goals of this engagement strategy was to integrate China into liberal international institutions and transform its political system into a form of liberal democracy (Mearsheimer, 2019, p. 23).

China's Changing Position and Power Balance in the International System

The balance of power order forms in the context of an anarchic power distribution, and limitations on the accumulation of power in this order emerge through the formation and continuation of conflicting alliances. Equality in power resources is the main source of stability and continuity in such an order. Balance of power systems have been more recurrent in international politics than other types of orders. The Peace of Westphalia in 1648, which many consider the beginning of modern international relations and the formation of the international community, was based on a fragile balance of power. In the subsequent centuries, Eu-



United States in the mid-20th century. Among these, the new U.S. hegemony, with its decisive and remarkable superiority in key economic sectors after 1945, became dominant. However, today this power is in decline, and the global capitalist order's hegemonic organization is changing (Mirtarabi & Kashourian Azad, 2019: 147).

After World War II, the U.S. had enormous power and resources, which enabled it to pursue economic policies that served the public and general benefits of the international political economy system. However, since the 1980s, the U.S. has faced a decline in power and hegemony, with key indicators of hegemonic legitimacy, multilateralism, and consensus in international relations weakening and gradually disappearing. As a result, the United States has entered a negative and descending phase in several economic sectors (Gholizadeh & Shafiei, 2012: 149-151). Part of this decline is due to internal changes within the U.S., but a significant portion is also attributed to the rise of other states and emerging powers like China, Russia, and Brazil (Acharya, 2018).

#### Indicators of China's Hegemony

##### Economic Indicators

Since the 1970s, China has prioritized its economy to establish a favorable position in the global arena. China's economic rise has been viewed as a major factor in international trade policies. Over the past three decades, China has transformed from a peripheral player into the largest trading partner for many countries (Karami & Shahmohammadi, 2019: 139-140). China's low labor costs and large markets have attracted the most foreign investment, and its demographic and economic power have positioned it uniquely in the international system, giving it a significant financial and commercial standing in the global economy (Soleimanpour, 2014: 115). From 1979 to 2006, China's average economic growth rate was over 9%, and in 2006, its GDP reached approximately \$2.5 trillion with a 1.7% growth from the previous year. By 2007, GDP rose to \$3.43 trillion, and by the end of 2008, it reached \$21.44 trillion with a 9.8% growth (Gholizadeh & Shafiei, 2012: 146). China's alliance with the global economy marks a turning point in history, which is of significant importance both globally and regionally (Ramba



& Blancher, 2013: 71).

Despite U.S. President Trump's efforts to limit China's trade surplus through tariffs on Chinese goods, trade between the two countries increased in 2018. According to Chinese government data, China's trade surplus grew by 17%. In 2018, the value of U.S. purchases from China exceeded \$332.3 billion (Boehholtz, May 10, 2019). Exports significantly slowed by the end of 2020, and despite global economic recovery, demand for pandemic-related goods decreased. Experts predicted that exports would increase by 4.9% and imports by 9.1% in 2021, bringing the trade surplus to \$533 billion. In 2022, experts expected exports to grow by 9.4%, while imports would rise by 6.6%, pushing the trade surplus to \$519 billion (Economic Focus, 2021).

Despite all the efforts of the Trump administration to dominate the country's trade deficit, the gap between imports and exports from the United States reached its highest level in the past decade during the first half of 2019. According to data released

in the New World Order

China's economic growth began after the economic reforms of 1978, and by 2012, China had become the world's largest trading nation. China's economy has also grown exponentially in other areas. In foreign trade, China became the largest importer and exporter. In total, in 2006, the United States was the largest trading partner of 127 countries, while at the same time, China was the trading partner of 70 countries. However, by 2011, this ratio shifted, with China becoming the largest trading partner of 124 countries, while the U.S. fell to being the largest trading partner for only 76 countries (Taghizadeh, 1395: 133). Chinese leaders believe that what can facilitate China's emergence as a major power in the 21st century is its ability to sustain economic and industrial growth and development (Vosooghi et al., 1397: 15).

China's actions to increase its role in liberal international economic institutions aim to reshape the rules of this order to align with its interests. Beijing's policies reflect liberal behaviors in both

regional and global contexts, such as open-door policies, multilateralism, pluralism, market economies, security and economic cooperation, respect for state sovereignty, and so on. Li Keqiang, China's Premier, declared in March 2017 that China supports the existing international order and aims to fundamentally become a special player in the governance of the international economic order. This stance attracted significant global attention, especially in light of Donald Trump's protectionist policies (Mirtarabi & Keshavarzian, 1399: 150-149).

According to Dr. Vijay Sakhuja, Director of the National Maritime Foundation in Delhi, China's goal is to become a global power, based on utilizing its political and economic strength in both regional and global spheres (Karami & Shahmohammadi, 2019: 144). According to Zhang Haibing, China's foreign aid has gradually shifted from behind the scenes to the forefront. Additionally, China's aid has evolved from simple humanitarian, capital, and equipment assistance to advanced and multifaceted aid, transitioning from bilateral assistance to trilateral and multilateral development cooperation (Karami & Shahmohammadi, 2019: 140). This country has been a major player in global development and sustainable development goals for years. Chinese aid, including humanitarian and political assistance, is a key element of the country's foreign policy. Unlike traditional aid, which often relies on civil society partners for delivering humanitarian aid, China's vast resources and large-scale humanitarian efforts have proven to be a successful strategy for soft power (Moolakala & Hong Bo, 2020). Furthermore, one of the key motivations behind China's international aid in the fight against COVID-19 is to present the country as an international power with a responsible and cooperative attitude towards international collaborations (Kouberchki & Kouberchka, 2021).

China's progress as a space power has come at the expense of losing U.S. supremacy and leadership, but China's approach to space industry development has military, diplomatic, commercial, and economic aspects, competing with the U.S. in all these areas (Karami & Shahmohammadi, 2019: 142). Historically, three powers have achieved hegemony, though relatively briefly: the territories now known as the Netherlands in the mid-17th century, Britain in the mid-19th century, and the



cial crisis, a decision that was widely praised and appreciated. This term has been used to describe the broad population of the region and the shift in China's diplomatic status, as well as a long-term goal that China should pursue in its foreign policy. China has emerged as an active player on the international stage, although this has only recently been widely recognized. However, China views its national policy structure as that of a great power with diverse interests and responsibilities, no longer a developing country, as it was during the time of President Mao Zedong, when a more dynamic and engaged foreign policy was adopted. Chinese officials talk about the necessity of taking on global responsibilities among great powers, and as a reflection of these changes, President Hu Jintao became the first president to embody this approach. Academic and official circles within China's government are eager for this peaceful and gradual approach to be sustained, with the aim of not undermining regional stability. As China has become a more powerful and skilled player in the diplomatic game, it has adopted a new security diplomacy since the 1990s, through which it called for the creation of a new global balance system in the Pacific. The capabilities of regional countries vary depending on the availability or absence of resources, the quality of investment capabilities, and their political roles. This could potentially create a regional system with two regional powers or a regional system with multiple powers. Therefore, the balance of power models and their relation to the changing international structure were discussed using theoretical models in international relations. Based on the above, it can be claimed that in explaining and interpreting China's perspective on international politics and the strategic actions of this country, one must move beyond the common clichés. The perspectives and actions of this country are rooted in concepts such as challenger or revisionism, which cannot be precisely explained. China has different depths of perspectives on hegemonic order, power balance, and institutionalized attitudes, and as a result, it engages in different actions. This country strongly opposes hegemonic order and its manifestations and has always sought to weaken it.

Shariatnia, Mohsen; Masoudi, Haidar Ali (2015), *China and International Orders*, Assistant Professor of International Relations, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti Univer-

sity.

Arghavani Pirsalami, V; Esmaeili, Morteza (2014), "The Transitioning International System and Bilateral Relations Between the U.S. and China (1991-2010)", *Defensive Politics*, 22(88), pp. 153-184.

Behrami Moghadam, Sajad (2018), "U.S. Response to China's Naval Rise in the East and South China Seas", *Foreign Relations*, No. 37.

Taghizadeh Ansari, Mohammad (2016), "The Challenge of China's Rise and U.S. Hegemony in Light of the Trans-Pacific Free Trade Agreement", *Foreign Relations*, No. 81, scientific edition.

Janciz, Ahmad; Behrami Moghadam, Sajad (2015), "The U.S. and China's Global Emergence", *Foreign Relations*, No. 27.

Shirkhani, Mohammad Ali; Mahroug, Fatemeh (2018), "The Power Transition in East Asia: The Prospects of Power Transition in Light of New Regional Dynamics", No. 48, pp. 1001-1019.

Taghizadeh Ansari, Mohammad (2016), "The Challenge of China's Rise and U.S. Hegemony in Light of the Trans-Pacific Free Trade Agreement".

Ramba, Thomas; Blancher, Nicolas (2013), "China: International Trade and Accession to WTO",

by the Bureau of Economic Analysis, the trade deficit in goods and services slightly decreased in June, bringing the total deficit in the first half of 2019 to \$316 billion, the highest level since 2008. This increase was mainly due to the historically high deficit in goods trade, which reached a record \$439 billion. Of this amount, \$219 billion can be attributed to trade with China alone. While the overall trade deficit of the United States continued to rise, imports from China were significantly affected by the trade war between the two economic superpowers. Imports of American goods from China in the first half of 2019 decreased by more than \$30 billion compared to the previous year (Richter, 2019).

#### Membership in International Organizations and Treaties

China has increasingly become active in multilateral international organizations to enhance its global legitimacy, presenting itself as a responsible stakeholder that plays by the rules. It has also successfully sought to join numerous regional and international groups (Alvand & Asgarikhani, 2014: 19).

#### Accession to the World Trade Organization (WTO)

China's accession to the World Trade Organization at the beginning of the 21st century significantly boosted its global economy. The number

of trade agreements China has entered into has increased, and in this regard, the West must also consider China's strategic threat (Karami & Shah Mohammadi, 2019: 140-139). China has agreed to liberalize important sectors, such as agriculture and services, with its trading partners. Most studies regarding China's WTO accession suggest that it will lead to increased overall welfare both in China and globally, although it is acknowledged that reductions in China's tariffs will not be permanent. The acceleration of trade growth in China should benefit its partners and play a crucial role in the global trading process (Ramba & Blancher, 2014: 76-75).

#### Diplomatic Indicators (Soft Power)

Beijing has consistently tried to leverage strong diplomacy, the policy of good neighborliness, non-interference, and respect for national sovereignty to create a counterbalance to American dollar diplomacy in attracting other countries (Alvand & Asgarikhani, 2014: 16). In terms of foreign goals, soft power and public diplomacy efforts aim to present China as an important and peaceful international actor, advocating for other developing countries, and as a counterbalance to American hegemony. Emphasis on international cooperation by Chinese officials aligns with the public messages China has conveyed through public diplomacy channels over the past few decades. It is noteworthy that the Chinese have tried to use the aid they provided to other countries for their public diplomacy purposes. The success of China's response to the COVID-19 pandemic can be seen as an important example of its soft power offensive (Kubirchki & Kubirchka, 2021). Chinese embassies were very active in sharing information about China's response to the pandemic and assisting other countries, calling for international solidarity in the fight against the disease (Wanarith, 2021). Additionally, despite the so-called war of words, including President Donald Trump's reference to the virus as the "Chinese virus," China's leader offered assistance to the United States (Kubirchki & Kubirchka, 2021).

#### Conclusion:

Chinese politicians have begun to refer to China as a responsible superpower, a term that emerged alongside Beijing's decision not to devalue its national currency during the 1997-1998 Asian finan-





# Arab diaspora and the issue of development in Latin America

Hadi Aalami Fariman

## abstract

Diaspora in the modern world is considered a concept beyond the change of geographical location of people. The metamorphosis and change of the nature of the concept of diaspora in the modern world has been achieved due to the expansion and development of digitalism and virtual communication. Today, due to online communication, the origin and destination are almost completely interconnected. they have with each other and it is based on that that two-way, group and multilateral interaction is created. This wide interaction will be in all cultural, political, social and especially economic fields. Based on this, the question of the current research is, in what territory or areas of development do the Arab diaspora play a role in Latin America, and the findings also indicate that Arab elites are the leaders of new and innovative movements in all economic, political and cultural fields. in the destination society, while having an emotional bond with the country of origin, and on this basis, Iranians can also play the same role beyond individual relationships in a wide way to build Iran, and the functional model of Arab elites is a desirable model. It will be for Iranians.

**Keywords:** Latin America, Iranians, Arabs, diaspora, identity.

## Introduction and basic information

From a strategic point of view, two major views have been drawn in the Western Hemisphere towards the Arabs. In one point of view, they are a minority that is considered as one of the constituent elements of the identities of the adopted countries, they are respected and they play a very important and prominent role in the cultural, social and political construction of the country where they are settled. Or the explosion of the Amia cultural center in Argentina is caused by the fact that this minority is considered terrorist, destructive and indigestible in the accepted society, which is related to the religious nature of these people. What is clear now is that some Arab elites in various fields, especially economic ones, tend to lobby and do business with their home countries and have the strongest links in a network of interaction with private companies. Politicians of Arab origin are also in a cycle of political and social communication be-

tween the two regions, and they have generally been successful in diplomatic communication or public diplomacy. Because the need for these capital networks - whether in the economy or in politics and culture - It is a two-way flow and both regions benefit from each other. In particular, the United Arab Emirates has the most communication links with this region through air connections, and by understanding the new characteristics of tomorrow's globalization, it has a favorable understanding and entry into the region. The economic success of the "Arab Diaspora in Latin America" opens politics to them first at the local scale, at the provincial level, and finally at the national level. Many Latin Americans of Arab origin have held the positions of bank president, army general, governor, minister, and even presidential or presidential candidate. Today, the influence of Arab elites in Latin America is so wide that it can no longer be ignored, even though they are a minority, they have a powerful influence on the economic, political, cultural and literary structure. They have been integrated in the society and culture and have been influenced by them. Arab elites have been more influential with their many works in different fields, which needs to be investigated in each country with a specific case. Therefore, when we evaluate the role of the elites of the Arab world in Latin America, we are actually talking about a compact situation from the point of view of space and time that has shaped the structure of globalization. Many different technologies have created opportunities for people to easily transfer capital and themselves as human resources. Therefore, the roots of contemporary Arab immigrants in Latin America are related to the last decades of the nineteenth century to the middle of the twentieth century. There are very few written works or information about Latin American Arabs (Boos 2017). Because the immigrant generations are gradually integrated into the immigrant society and their previous identity is gradually fading in the next generations. Grandchildren and descendants may not be inclined to understand generational identification, but it is clear that it is impossible to think of Latin America without considering the lasting influence and contributions of Arabs living in the region. There is no documented and reliable information about

translated by Babak Daei and Mohammad Amir Kamali, Economic Journal, Issues 1 and 2, pp. 69-82.

Soleimani, Fatemeh (2015), "China's New Military Strategy: Regional and International Dimensions and Consequences", Political-Legal Research Office, Political Studies Review, No. 14322.

Shafii, Nozar; Younes Kamalizadeh (2010), "Explaining China-U.S. Relations in the Shanghai Cooperation Organization Framework: Based on the Theory of Soft Power Balance", Central Eurasian Studies, Vol. 3, No. 7, pp. 51-76.

Gholizadeh, Abdulhamid; Nozar Shafii (2012), "The Theory of Power Cycle: A Framework for Analyzing the Decline of U.S. Power and the Rise of China", Quarterly Journal of Foreign Relations, Vol. 4, No. 4, pp. 137-168.

Karami, Jahangir (2006), "Hegemony in International Politics: Conceptual Framework, Historical Experience, and its Future", Political Science Research, No. 3, pp. 1-27.

Karami, Jahangir; Parisa Shah Mohammadi (2019), "Hegemony, Geopolitics, and China-U.S. Relations", Central Asia and Caucasus Quarterly, No. 105, pp. 133-160.

Mir Terabi, Seyed Saeed; Mohsen Keshvarian Azad (2020), "The Impact of China's Rise on the International Financial System", Political and International Relations Journal, Vol. 11, Issue 4, pp. 141-171.

Vazouqi, Saeed et al. (2018), "The Impact of China's Rising Power on Relations and Competition with the U.S.", International Relations Research Journal, Vol. 8, No. 4, pp. 7-38.

Vannarith, Chheang (2021), "Fighting COVID-19: China's soft power opportunities in mainland Southeast Asia", Available At: <https://asialink.unimelb.edu.au/insights/fighting-covid-19-chinas-soft-power-opportunities-in-mainland-southeast-asia>

Ikenberry, G. J. Wang, J. & Zhu, F. (Eds.) (2015), Asia today. America, China, and the struggle for world order: Ideas, traditions, historical legacies, and global visions: Palgrave Macmillan.

Blum, Samantha. (2003), "Chinese Views of US Hegemony." Journal of

Contemporary China 12,

Mearsheimer, J. J. (2019), Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal International Order. International security, 43(4), 7-50.

Blum, Samantha. (2003), "Chinese Views of US Hegemony." Journal of

Contemporary China 12, no. 35, 239-264.





es on the critical role of the French government in shaping national identities among Syrian and Lebanese immigrants in Latin America after the fall of the Ottoman Empire. During this period, Lebanon and Syria were under French mandate, and France actively promoted a distinct Syrian and Lebanese identity, which greatly influenced the development of Arab communities in Latin America (Boos 2017).

- Ignacio Klich and Jeffrey Lesser (1998), as editors of the book *Arab and Jewish Immigrants in Latin America: Images and Realities*, compile a collection of essays that examine various aspects of migration and cultural adaptation among Arabs and Jews in Latin America. The book explores how Latin American elites, who were eager to reshape their countries' ethnic compositions, viewed Arab and Jewish immigrants as potential threats.

This 11-chapter volume provides a comprehensive analysis of:

- Arab-Jewish coexistence in early 20th-century Argentina
- The role of Arab and Jewish immigrants in the development of Colombia's Caribbean region (1850–1950)
- The Arab-Jewish economic presence in San Pedro Sula, Honduras' industrial capital
- The economic and social status of Jewish and Arab immigrants in Bolivia
- Ethnic history, nationalism, and transnationalism in Argentine Arab and Jewish cultures
- Historical accounts of Jewish migration to Argentina (Klich and Lesser 1998).

- Kevin Funk (2022), in his in-depth book *The Roots of Globalization: Latin America's Arab Business Elites and Global Image-Making Politics*, explores Arab connections with Latin America at national, regional, and global levels, focusing on Brazil, Chile, and Argentina. This book provides valuable insights into the role of Arab business elites in the region.

Funk also examines prominent Arab elites, including:

- Diego Majul, a senior official in Chile's International Development Agency, founder of an Arab-Chilean private business group, and later appointed to a high-level diplomatic position in the Middle East by the Chilean government.
- Dr. Rafael Bishara, an economist and founder of an Argentine business group focused on Lebanese economic relations.

- Diem Al-Hassani and Aqil Qasim, senior executives of a Brazilian-Iraqi trade association, as well as similar Arab business figures in Venezuela (Funk 2022).

- Cristian Ricci (2023), in his book *The Arab-African Diaspora in Spain, Portugal, and Latin America*, presents fascinating discussions on cultural influences and literary movements of the Arab diaspora.

### Theoretical Framework of the Research

The term diaspora was not widely used until recent decades. Before the 1970s, it was rarely employed in academic discussions, but over time, it became a key concept not only in academic writings but also in popular culture. Early debates on diaspora were firmly rooted in the idea of an abstract homeland, primarily focused on Jewish diaspora communities. However, as the concept of diaspora expanded, it began to include other groups. In fact, the paradigm of diaspora was initially conceptualized based on the Jewish diaspora as a classical example.

The first diaspora theory emerged in an article titled *Mobilized and Proletarianized Diasporas* by Gabriel Sheffer (Kazemi, 2020).

Some migrant groups, which Anderson refers to as “long-distance nationalists,” are considered diasporas due to their continued political involvement in their homeland, sometimes including support for terrorist movements or transnational nationalism. This conceptual expansion has led to the emergence of various hypothetical diasporas, such as the Dixie diaspora, Yankee diaspora, white diaspora, liberal di-

the statistics of Arabs in Latin America. All information from the centers is an estimate. Most of the studies have been done by academic centers about the Arabs. Some centers estimate the number of Arabs between 14 and 30 million tons. But the more realistic figure is 10 to 12 million. About 3 million and 200 thousand Lebanese and 100 thousand to 120 thousand Palestinians in Colombia, 7 to 10 million Lebanese and 4 million Syrians in Brazil, 3 and a half million Lebanese and Syrians in Argentina, 800 thousand Syrian Arabs, 500 thousand Palestinians in Lebanon. In Chile, one million There are 100,000 Syrians, Lebanese, Iraqis, and Palestinians in Mexico and some scattered elsewhere (Khader and Blesa 2020). Arabs in Latin America have a common narrative of the successful rise of Arab businessmen from poverty to becoming millionaires. This story continues to influence the contemporary image of Arab society, which is well integrated despite maintaining specific ethnic identities. However, they suffer from discrimination. Throughout Latin America, Arabs are called “turcus” (Turkish), which is considered offensive. Most academics do not use the specific term “Arab Diaspora”, but there are also differences in the focus of this research depending on the region of origin of a specific group of Arabs under investigation (Hassan 2019, 167). While the Lebanese and Syrian diaspora focuses on economic and cultural issues, writings about the Palestinian diaspora have always had political undertones. One of the important emerging topics in the studies of Arab migration to Latin America since the beginning of the 21st century is the global connection of Arab immigrant communities in different dimensions - social, communicative, economic, etc. - which is



known as “transnational” in diaspora studies. Based on this, the basic question is, what effective role does the Arab diaspora play in positive development in a general sense (cultural, economic and political) in Latin American countries? The findings and identification of influential elements in different cultural, political and economic fields in different countries also show that Arab elites have played a very active role in different sectors since the beginning of their arrival in these countries, in a way that they have a positive connection and solidarity with the country. It has preserved its origin and, as an active actor, has created important roles in the dynamics and various initiatives in the destination society, in such a way that there have been many innovations in the economy, politics and culture of the origin and caused the national pride of the society. destination and origin as well have been The research method is based on the description and analysis of library data.

### Research Background

One of the most important reasons for writing this research paper is the lack of books or articles in Persian on the Arab diaspora in Latin America. Even in English, only a few books exist, while some articles have addressed the subject. The scarcity of research on this topic is due to the nature of diaspora studies, which typically require fieldwork and local/regional investigations, making it difficult to rely solely on theoretical frameworks. Even most foreign sources have been compiled using field reports. Based on this, this paper seeks to utilize the latest available research on the topic.

### Key Studies in the Field

- Tobias Boos, in his Oxford Bibliography titled *The Arab Diaspora in Latin America*, explores the history and migration patterns of contemporary Arab diaspora communities in Latin America from the late 19th century to the mid-20th century (Boos 2017). He cites several major studies on this subject:
- Baeza Cecilia (2014), in her article *Palestinians in Latin America: Between Assimilation and Long-Distance Nationalism*, provides a detailed historical account of the development of Palestinian communities in Latin America, particularly in Chile. This article analyzes the political dynamics and transnational networks that connect Palestinian communities in Latin America to other Palestinian communities worldwide, emphasizing a transnational approach to understanding these connections (Boos 2017).
- Gildas Brégain (2008), in his book *Syrians and Lebanese in South America (1918–1945)*, focus-



- Religion
- Physical ability/disability
- Ethnicity
- Age

These intersecting factors, combined with social structures and mechanisms, contribute to various levels of exclusion, exploitation, and discrimination.

Intersectionality highlights how multiple factors simultaneously affect social identity and position within power hierarchies. These complexities create hybrid and multidimensional identities, emphasizing the idea that individuals cannot be reduced to a single category (Pourali, Islamieh, & Chavoshian, 2024: 294-295).

#### A Comprehensive Model for Understanding Diaspora

A complete model for analyzing diaspora includes the following stages:

1. Historical dispersal of the population.
2. Collective historical memory linked to an ancestral homeland.
3. Feelings of alienation in the new country.
4. Desire to return to the homeland.
5. Continuous support for the homeland.
6. A strong sense of collective belonging and identity.

Diaspora is inherently spatial—it is shaped within geographical contexts. The connection between geography and diaspora serves as a critical foundation for geographers studying diaspora populations. Geography plays a central role in diaspora studies because transnational movements of people create new forms of identity, community, and belonging beyond the traditional nation-state model.

A geographical approach helps evaluate and understand diaspora as a dynamic process, where space, place, and time interact to reshape identity and social structures (Hatami, 2017: 67-70).

#### Social Diaspora and Its Characteristics

A social diaspora first emerges and then continues to exist by sustaining its connections with anything that links people in a given place, fostering social bonds among those who share a common identity, even if they reside in different locations. This connection can take various forms, including family ties, community bonds, trust, and shared experiences.

Diasporic relations can also be shaped by political, economic, or social circumstances, such as shared historical traumas or collective memories of displacement. The symbolic capital of a diaspora—rooted in its ancestral legacy—enables it to overcome barriers and maintain cohesion. Diasporas often establish territorial spaces within host societies, such as neighborhoods or villages, which act as central hubs of community interaction, reinforcing social proximity within transnational networks (Chen, Bandara, & Sanford 2024, 137-148).

#### Conceptualizing Diaspora

The term “diaspora” is often used metaphorically, but its definition can be narrowed down to six essential components:

1. Forced or voluntary dispersion from the homeland.
2. Choice of migration destination and patterns of settlement.
3. Common identity that unites members across different locations.
4. Shared awareness of historical displacement.
5. Transnational networks connecting diasporic groups.
6. The duration of transnational ties and their level of independence from both the host and home country.

Diasporic migrants typically preserve their identity across generations, forming socially independent communities through cultural, political, religious, and professional associations. Diasporas also play a critical role in global trade, creating transnational economic networks that influence migration-driven entrepreneurship. This includes:

1. The competitive advantages of transnational entrepreneurs.
2. Factors determining their transition into global business actors.
3. The role of migrant networks in international trade.
4. The economic impact of diaspora-driven entrepreneurship on home and host countries.
5. The extent to which local environments facilitate or hinder entrepreneurial success.

According to the World Bank, remittances from diasporic communities worldwide amounted to \$630 billion in 2022, illustrating their economic significance (World Bank, 2023) (Chen, Bandara, & San-

aspora, LGBTQ diaspora, fundamentalist diaspora, and others (Kazemi, 2020).

#### Brubaker's Critical Approach to Diaspora

Brubaker takes a critical stance on this issue. By placing the word “diaspora” in quotation marks, he emphasizes the semantic boundaries of the term. According to him, despite conceptual dispersion, three core elements of diaspora can be identified in most definitions and discussions:

1. Forced dispersion from a homeland.
2. A strong emotional and ideological attachment to the homeland, considering it as a source of identity, values, and loyalty.
3. Maintaining a distinct identity in host societies through strong social and transnational connections, which link diaspora members across different countries (Kazemi, 2020).

#### Defining Diaspora

Diaspora generally describes the relationship between a displaced population and its homeland. Regardless of group-specific differences, the term is often used to describe stateless or transnational populations—individuals whose ancestry differs from their country of residence. While diaspora is a widely used term in social sciences and migration studies, it remains conceptually complex due to debates over:

- Types of migration (voluntary vs. forced)
- Identity formation (preserving pre-existing identity vs. constructing a new identity)
- Relations with homeland and host country (whether migrants seek connection with their homeland or integrate into their host society)

These aspects remain key theoretical challenges in diaspora studies (Khazaei, 2020: 72).

#### Three Types of Diaspora Definitions

1. Open Definition – Focuses on maintaining connections with the homeland and emphasizes emotional and material ties to the place of origin.

2. Classified Definition – Emphasizes criteria such as:

- The size of the emigrant population.
- Memory preservation of the homeland.
- Rejection by the host society.
- Idealization of the homeland and a desire to return.
- A collective commitment to the restoration and security of the homeland.

3. Reciprocal Definition – Gained importance in the 1980s, influenced by postmodernism and critiques of modernity, particularly in the works of Michel Foucault and cultural studies on subcultures, marginalized communities, postcolonial populations, laborers, minorities, and migrants. This definition focuses on:

- The initial point of migration.
- Preserving a unified identity despite dispersion.
- A postmodern reinterpretation that embraces paradoxical and hybrid identities (Khazaei, 2020: 75-77).

#### Intersectionality in Diaspora Studies

Diaspora theory also examines intersectionality, which highlights the interwoven nature of identity formation through factors such as:

- Race
- Class
- Gender
- Nationality





## The Role of Arabs and Muslims in Brazil's National Identity

Some historical narratives suggest that Muslims and Arabs played a pivotal role in shaping Brazilian society alongside:

1. Andalusian immigrants
2. African slaves brought to the Americas
3. The massive wave of Syrian and Lebanese migration in the late 19th century

These groups influenced Brazilian lifestyle and cultural practices at multiple levels (Oualalou 2017).

However, there are contrasting perspectives regarding the Islamic identity of Arab migrants in Latin America. Some sources highlight the diverse religious affiliations of Arabic-speaking immigrants, noting that many were Christians and Jews, not just Muslims. Consequently, Arabic language and culture do not always equate to Islam.

Arab-speaking migrants and non-Arab Muslims in Latin America arrived through various waves of migration dating back to the European colonial period. In the late 19th century, immigrants from the Ottoman Empire, undergoing modernization reforms, formed a distinct group of migrants to the Americas. These immigrants were predominantly Maronite and Orthodox Christians from present-day Lebanon and Syria.

Upon settling in Latin America, these groups interacted with local communities, shaping complex and evolving cultural identities. The Lebanese diaspora in Brazil, for instance, experienced significant upward social mobility, transitioning from street vendors (a common occupation for Middle Eastern immigrants across the Americas) to professionals, doctors, and eventually politicians (Mota 2020, 821-824).

## Postcolonial Studies and the Transformation of Muslim Identities

The arrival of immigrants and their integration into new markets is linked to economic opportunities available at the time. Within postcolonial studies, some scholars focus on Islamization trends while rejecting essentialist narratives about Muslim identity. These researchers argue that the geographical segmentation of the world into distinct cultural regions

limits a deeper understanding of historical exchange, migration, and cultural fluidity.

A skeptical and creative approach is adopted in these studies, highlighting how Muslim intellectuals across the globe interact beyond traditional Atlantic circuits. Some key themes in these discussions include:

1. The emergence of new Muslim identities in Latin America and the Caribbean, often in contrast with U.S. imperialism or Eurocentric Christian nationalism.
2. The circulation of Islamic thought among intellectuals, emphasizing alternative transnational networks beyond the Western Atlantic.
3. The impact of racial constructs on Islamic identities in the Americas (Mota 2020, 821-824).

Orientalist depictions of Latin America have long shaped perceptions of Islam and the Arab world—both Muslim and non-Muslim. These representations mix fantasy, stereotypes, hostility, and fascination, influencing discourses on migration and Arab-Muslim identity in Latin America.

## Differentiating Arabs and Muslims in Latin America

A clear distinction must be made between Muslims and Arabs in Latin America.

For instance, the Pew Research Center, in collaboration with the National Defense University, hosted a roundtable discussion titled Islam and the Global War on Terrorism in Latin America. Key findings included:

1. The Muslim population in Latin America is estimated to be around 6 million, or 1.2% of the region's total population of 500 million.
2. The majority of Muslims in the region are Sunni, aligning with global Muslim demographics (84% Sunni, 16% Shia).
3. Two distinct models of Muslim communities exist in Latin America:
  - Communities established by immigrants from India, Pakistan, and Indonesia, who settled in Suriname, Guyana, and Trinidad and Tobago. These countries have the highest Muslim population ratios in Latin America.
  - Communities formed by Syrian, Lebanese, and Palestinian immigrants, where Islam took on an ethnic character. This identity began shifting in the late 1990s, when Islam gained greater global visibility (de Oliveira 2006).

ford 2024, 137-148).

## Diaspora, Transnationalism, and Multiculturalism

Although diaspora, transnationalism, and multiculturalism each refer to distinct processes, diaspora is often linked to national and religious groups who live outside their homeland due to migration. These groups operate through networked, collective, and organizational structures, creating logical connections between transnationalism and diaspora (Bauböck, Rainer; Faist, Thomas & Others 2010, 9).

Key characteristics of diasporas include:

1. Strong transnational ties to their homeland, influencing local and international politics.
2. Ongoing engagement with home countries, including participation in protests or political movements.
3. Independence from globalization, as diaspora-related issues are often tied to migration rights, self-determination, cultural identity, and citizenship within liberal democracies (Bauböck, Rainer; Faist, Thomas & Others 2010, 16).

## Diaspora's Role in Foreign Policy and International Relations

Diasporas are key actors in shaping the foreign policies of both their home and host countries. Their influence can be categorized into two types:

1. Passive diasporas – These communities gain international attention not through their own actions, but as a result of specific geopolitical events. This often occurs when diasporic groups face humanitarian crises and seek assistance from their home country or global organizations.
2. Active diasporas – These groups possess the ability and motivation to directly influence the foreign policies of both their home and host countries. Diasporic communities, particularly in liberal democratic societies, frequently organize as lobbying groups to influence host countries' policies toward their homeland. In pluralistic democracies, ethnic diasporas function as part of civil society, counterbalancing political elites. Through investment, funding specific movements, or promoting narratives about identity and foreign policy, they can directly shape

their homeland's political landscape.

In some cases, diasporas engage in formal political representation within their home countries. Their influence can be positive, serving as a source of investment, technology transfer, and job creation, or negative, supporting separatist movements or destabilizing their home country (Vaezi, 2013: 31-33).

## Cohen's Key Traits of Diaspora

Despite the diversity of migratory experiences, Robin Cohen identifies several core characteristics shared by most diasporas:

1. Voluntary or forced movement from a homeland to one or more regions.
2. A shared memory of the homeland and a collective commitment to preserving this history.
3. A strong ethnic identity that remains stable across time and space.
4. A sense of solidarity with members of the same diaspora, even in different locations.
5. Tensions and challenges in integrating with host societies.
6. A capacity to make meaningful contributions to pluralistic host societies (Giddens, 2010: 382).

## The Latin Arab Cultural Diaspora

Many writers have attempted to narrate the lives of Middle Eastern immigrants in Latin America. For instance, Amin Maalouf in *Origins* (2004) describes the migration of his family members to Cuba, while Raphaël Confiant, in his novel, depicts the journey of a Syrian immigrant to Martinique in the early 20th century. These works belong to the genre of "migrant literature" (diasporic literature), with Kahlil Gibran being one of its most iconic figures.

Among Portuguese Muslim migrants—historically known as Moriscos (Moors)—who relocated to Brazil, there is a strong interest in learning about the first Muslim immigrants in Latin America. However, Lebanese and Syrian communities in Argentina have shown less interest in this historical narrative. Some Arab elites in Brazil prefer to identify as European, while others recognize their mixed heritage, which includes indigenous, African, European, and Moorish influences (Lima 2024).



With the second generation, the nature of migration shifted:

- From temporary to permanent settlement.
- From individual migration to family-based migration.

Soon, small shops grew into department stores, and small textile workshops expanded into large-scale manufacturing companies. As later generations climbed the ladder of economic success, they attended prestigious universities and elite schools, joined political parties, labor organizations, and even revolutionary movements, and increasingly married outside their ethnic communities.

Among Latin Arabs, Palestinian-descended communities are particularly symbolic in this transformation, as they have maintained strong ties with their families in Palestine, despite their economic and political integration into Latin America (Klich & Lesser, 1998).

### Arab Economic Networks in Latin America

Today, Arab economic activity in Latin America has evolved into a complex network of interactions, involving public and private sectors, linking Latin American markets with the Arab world.

For example, in 2022, the Dubai Chamber of Commerce hosted the 4th Global Business Forum Americas, aimed at strengthening economic ties between the UAE, Latin America, and the Caribbean. This event highlighted commitments from UAE-based multinational companies, such as:

- DP World, a global logistics giant, led by Sultan Ahmed bin Sulayem, which operates airport terminals and port infrastructure worldwide.
- The company handles 75 million containers annually, accounting for 11% of total global trade in dollars, equivalent to \$3.5 billion worth of goods in its terminals worldwide.

Sultan Ahmed bin Sulayem emphasized:

“Latin America is a critical market for us. We are a customer-focused company, so we invest where our services are needed. We have a strong presence in:

- The Dominican Republic (industrial logistics parks and port operations).
- Santos, Brazil.

- Argentina, Peru, Ecuador, Suriname, and Chile (two ports and a logistics operation).”

The UAE government, led by Sheikh Mohammed bin Rashid Al Maktoum, is a key sponsor of such economic partnerships (Ortiz, 2022).

Today, the Latin Arab Economic Diaspora holds one of the most influential economic positions in Latin America. It benefits from strong support from its home countries, particularly the UAE, Saudi Arabia, and Qatar.

### The Latin Arab Political Diaspora

The economic success of Latin America’s Arab diaspora has paved the way for its political integration, starting at the local level, then provincial, and eventually reaching national leadership positions. Many Latin Americans of Arab descent have held high-ranking offices, including:

- Central Bank Governors
- Army Generals
- Provincial Governors
- Government Ministers
- Presidential Candidates and Presidents

For example:

- Ricardo Jafet, a Brazilian of Lebanese descent, was President of Brazil’s Central Bank before becoming Minister of Economy.
- Camilo Achkar, also of Lebanese descent, later succeeded him.
- Carlos Massad, of Arab descent, served as President of Chile’s Central Bank.

By the 2000s, descendants of Arab migrants held numerous parliamentary seats in Brazil, and today, they are represented in every Latin American legislature.

Despite their economic success, it is often assumed that Latin Americans of Arab descent lean conservative and vote right-wing. However, their presence in labor unions, leftist parties, and revolutionary movements is also notable. Examples include:

- Pedro Saad (Labor leader, Ecuador)
- Assad Bucaram (Founder of the Concentrated People’s Forces, Ecuador)
- Sergio Bitar (Member of the Communist Party, Chile)
- Jabour Malouf (Bolivian Revolutionary Move-

Additionally, some Muslim communities have been established by converts, representing a new and growing phenomenon. Examples of Latin American Muslim converts can be found in Mexico, Haiti, Cuba, and Ecuador. Many of these converts are students who embraced Islam while studying in Europe or the U.S., later traveling to Muslim-majority countries for religious education.

This group of new converts is highly active in promoting Islam and plays a key role in the expansion of Islamic communities in Latin America. However, their presence has sometimes led to tensions between born-Muslims and converts, especially concerning religious purity, activism, and political engagement.

### Islam’s Transnational Nature in Latin America

Islam in Latin America exhibits several transnational characteristics:

1. Religious leaders frequently travel between Latin America and the Muslim world to guide communities.
2. Muslim-born individuals and converts travel for religious studies or pilgrimages to Mecca.
3. International funding from Muslim-majority countries—mainly Saudi Arabia and international Islamic organizations—supports local Muslim communities.
4. Islamic communities in Latin America operate independently, similar to Protestant churches, rather than under a centralized religious authority like the Roman Catholic Church.
5. Margarita Island (Venezuela) hosts a Muslim population of around 4,000, primarily Lebanese and Palestinian traders. These communities exhibit both ethnic and economic characteristics, often engaging in business activities.

Despite media exaggerations, no evidence suggests the existence of terrorist cells in Latin America’s Muslim communities. Instead, the region faces challenges linked to illicit economies, which are not necessarily associated with Muslim groups (de Oliveira 2006).

### Saudi Arabia’s Cultural and Educational Initiatives in Latin America

Saudi Arabia actively engages Latin American elites, particularly through cultural diplomacy. One notable

initiative is the “Latin Arabs” project, launched by UNESCO with financial backing from the Sultan bin Abdulaziz Al Saud Program for Arabic Language Promotion (2021-2022). This five-year action plan (2023-2027) includes:

1. Knowledge production and academic research.
2. Enhancing cultural awareness and public outreach.
3. Capacity-building initiatives.
4. International cooperation.

This program involves all Arab countries, Latin American and Caribbean nations, as well as Spain and Portugal (de Campos 2022).

### Chile: A Hub for Arab Intellectuals and Artists

Chile has become a major center for Arab intellectuals, writers, poets, and journalists, particularly Palestinian-descended elites. A common saying suggests that every Palestinian uprising has a parallel reaction in Chile, reflecting the strong cultural and emotional ties between the Palestinian diaspora and their homeland. A rich Arab literary and artistic culture has also flourished in Argentina and Chile, heavily influenced by elite Arab artists (Ricci 2023).

Conclusion: The Growing Influence of the Latin Arab Cultural Diaspora

The cultural Arab diaspora in Latin America—especially in Chile—has become one of the most influential and creative sectors in the region. Beyond fostering artistic and intellectual innovation, this diaspora also serves as a cultural bridge for introducing Islam in the region. Additionally, countries like Saudi Arabia actively support these communities, reinforcing their cultural and political significance in Latin America.

### The Latin Arab Economic Diaspora

The first Arab migrants to Latin America arrived in countries where they did not speak the language or understand local customs. Initially, they engaged in itinerant trade, traveling from place to place to sell goods. However, within one generation, these migrants began establishing small stalls and opening stores.



business with Gulf countries but shows no economic interest in Syria.

- Similarly, Syrian-Brazilian business networks focus more on private trade with the U.S. and Europe rather than fostering ties with the Arab world.

These trends highlight the complex and diverse nature of the Latin Arab economic and political elite, whose influence extends beyond the historical migration narratives. Arab migration to Latin America has evolved through:

1. The first waves of migration from the Middle East in the late 19th and early 20th centuries.
2. The influx of Arab oil wealth into Latin America during the 1970s.
3. South-South cooperation mechanisms, such as the Non-Aligned Movement, which have been historically overlooked in discussions about Arab-Latin American ties (Khader & Blesa, 2020).

### Lessons for the Iranian Diaspora

The Iranian diaspora is one of the largest and most successful migrant communities worldwide, with estimates ranging from 4–4.5 million (official statistics) to up to 10 million (unofficial estimates). Iranian expatriates have played a pivotal role in global innovation, science, and business, contributing to major technological advancements and economic progress. Iranian names frequently appear in groundbreaking discoveries, a source of national pride for Iranians worldwide.

However, to fully harness the potential of the Iranian diaspora, several key lessons must be learned from successful diasporic communities, such as the Latin Arab diaspora:

1. Establishing a Strong, Centralized Organization for the Iranian Diaspora
  - A dedicated national organization should be established to facilitate communication and trust-building between Iran and its diaspora.
  - This organization must be officially recognized by the government and act as a coordinator between the executive, legislative, and judicial branches, as well as security agencies.
  - The top priority should be guaranteeing the safety, financial security, and intellectual property rights of expatriates who wish to reconnect with or invest in Iran.

- A clear, unified policy is essential, as bureaucratic fragmentation and parallel decision-making bodies currently undermine diaspora trust in the Iranian government.

### 2. Strengthening Diplomatic Representation and Services Abroad

- Iranian embassies and consulates must serve as the first point of contact for diaspora members, ensuring support for all Iranian citizens abroad.
- The security apparatus should shift its approach, viewing Iranian expatriates as assets for national development rather than potential threats.
- Consular services must be streamlined, offering business, academic, and legal support to diaspora members.

### 3. Recognizing and Honoring Iranian Expatriates' Achievements

- The Iranian government should actively celebrate the scientific and technological achievements of its diaspora.
- Expats should be invited back to Iran for conferences, research collaborations, and investment opportunities.

- A non-political, merit-based approach is essential—scientists, business leaders, and cultural figures should be valued regardless of political beliefs.

### 4. Facilitating the Return of Skilled Iranians

- Clear policies should be enacted to encourage the return of Iranian professionals and entrepreneurs.
- Administrative and financial barriers preventing return should be addressed.
- Many highly educated Iranians abroad seek opportunities to contribute to Iran's development, provided they receive legal and financial assurances.

### 5. Supporting Iranian Cultural and Creative Industries

- Censorship and restrictions on Iranian cultural exports hinder scientific and artistic progress.
- The government must support Iranian expatriates in creative industries (film, music, literature) by facilitating cultural exchanges and global distribution.
- Freedom in artistic expression fosters scientific and academic progress, as seen in leading knowledge economies worldwide.

### 6. Resolving Issues for Iranian Athletes

- Iranian athletes who have faced political or bureaucratic challenges abroad should have a clear path for

ment)

- Fernando Nadra (Minister of Justice, Cuba, under Fidel Castro)

### Arab Presidents and Prime Ministers in Latin America

Since the 1970s, at least ten Latin American leaders have been of Lebanese, Palestinian, or Syrian descent, including:

1. Edward Seaga – Prime Minister of Jamaica (1980–1989)
2. Julio Samir Turbay – President of Colombia (1978–1982)
3. Jacobo Majluta Azar – President of the Dominican Republic (1984)
4. Carlos Menem – President of Argentina (1989–1999)
5. Abdalá Bucaram – President of Ecuador (1996–1997)
6. Jamil Mahuad – President of Ecuador (1998–2000)
7. Carlos Flores Facussé – President of Honduras (1998–2002)
8. Elías Antonio Saca – President of El Salvador (2004–2009)
9. Michel Temer – President of Brazil (2016–2018)
10. Mario Abdo Benítez – President of Paraguay (since 2018)

Even Luiz Inácio Lula da Silva's trip to Lebanon and Syria in 2003 was influenced by Arab lobbyists in Brazil, highlighting their political and economic influence.

### Latin America-Gulf Economic Relations

Beyond political influence, Latin America's economic ties with the Gulf states continue to grow:

- The UAE is a major importer of Brazilian agricultural products and a key investment hub for Latin America.
- Egypt is the third-largest importer of Brazilian goods in the Arab world.
- Brazil's mining giant Vale established a \$1 billion steel plant in Oman.
- Abu Dhabi Investment Fund purchased a \$350 million stake in Banco Santander's Brazil division.

Today, total trade between Latin America and the Arab world is estimated at \$30–35 billion annually. This South-South economic partnership is expected to strengthen further, barring disruptions from:

1. Middle Eastern instability
2. Latin American political upheaval
3. The rise of evangelical-backed populist leaders in Latin America who favor stronger ties with Israel (Khader & Blesa, 2020).

### Conclusion: The Future of the Latin Arab Diaspora

The Latin Arab Economic and Political Diaspora has become one of the most powerful transnational networks in the region. Their influence spans business, finance, and governance, with strong ties to both Latin American and Arab economies.

However, their future growth depends on geopolitical stability, investment opportunities, and how Latin America navigates its relationships with the Arab world and Israel. Despite challenges, the deep historical, economic, and political ties between Latin America and the Arab world ensure that this South-South partnership will continue to evolve and expand.

### Globalization and the Role of Latin Arab Elites

The era of globalization and transnational communication has given rise to a new elite class of capitalist power players, with Latin American Arab elites among its key actors. South-South relations have grown at an unprecedented pace in recent years, and the strong ties between the Arab world and Latin America are a clear example of this decentralized global trend.

Latin Arab elites typically align their economic interests with specific geographic regions, often those linked to their ancestral homelands. However, this tendency varies across different groups:

- Lebanese and Argentine nationalists maintain strong emotional and economic ties to their ancestral homelands.
- A Chilean international trade expert of Arab descent avoids openly identifying as Arab, instead demonstrating a stronger global outlook than many of his Arab-Latin American peers.
- A Syrian-Argentine financial tycoon prioritizes



through their economic ventures, political involvement, and cultural contributions, which require further study on a case-by-case basis in each country.

### The Role of the UAE in Global Arab Diaspora Engagement

In an era where state sovereignty is declining, and globalization is fostering limitless international engagement, one of the most forward-thinking nations in elite networking is the United Arab Emirates (UAE).

- The UAE has strategically positioned itself as a global hub, focusing on economic growth, future-oriented policies, and an emphasis on prosperity and well-being.
- Its economic and cultural diplomacy is designed to attract diverse nationalities, fostering an inclusive and opportunity-driven environment.

This model of Arab diaspora engagement serves as a blueprint for how nations can leverage transnational ties to expand influence and strengthen global partnerships.

### References

#### Persian Sources

- Pourali, Soheila, Razia Islamieh & Shahreh Chavoshian. (1403). "An Intersectional-Diaspora Study in the Works of Third Generation Caribbean-American Women Writers: Jamaica Kincaid and Elizabeth Nunez." *World Contemporary Literature Research*, 289-314.
- Hatami, Mohammadreza. (1396). "Re-reading the geography of diaspora." *International Relations Studies*, 65-81.
- Khazaei, Tahereh. (1399). "Heterogeneous heterogeneities in Iranian immigration; Diaspora and semantic and theoretical limitations: The case of Iranians living in France." *Social Sciences Quarterly*, 71-108.
- Kazemi, Atefeh. (1399). "Conceptual boundaries of diaspora (An emphasis on the conceptual boundaries of diaspora from the point of view of Rogers Brubaker)." *Classroom Work Laboratory for Master's and Doctoral Students, Anthropology and Culture*, Tehran. Available at: <https://anthropologyandculture.com>. (<https://anthropologyandculture.com/>)

- Giddens, Anthony. (1389). *Sociology*. Translated by Hasan Chavoshian. Tehran: Ney.
- Vaezi, Tayyaba. (1392). "Diaspora and bilateral relations; A Case Study of American Indian Descent." *Strategic Studies*, No. 59, 27-52.

### English Sources

- Boos, Tobias. (2017). *The Arab Diaspora in Latin America*. Oxford University.
- Chen, Ximeng, Danushka Bandara & Bruce Sanford. (2024). "A literature review on transnational diaspora entrepreneurship: Utilizing a combined approach of traditional and topic modeling." *New England Journal of Entrepreneurship*, 131-151.
- de Campos, GAG. (2022). *Scope Review on Contemporary Arab Culture in Latin America*. UNESCO.
- de Oliveira, Vitoria Peres. (2006). "Islam and the Global War on Terrorism in Latin America." *Pew Research Center*.
- Funk, Kevin. (2022). *Rooted Globalism: Arab-Latin American Business Elites and the Politics of Global Imaginaries*. Indiana University Press.
- Mota, Thiago Henrique. (2020). "Muslims, Moriscos, and Arabic-Speaking Migrants in the New World." *Latin American Research Review*, 820-828.
- Ortiz, Jorge. (2022). "Success of Emirati Companies in Latin America." *Atalayar*.
- Oualalou, Lamia. (2017). "The Arabs of Latin America." *The Nation*.
- Baubock, Rainer, Faist, Thomas & others. (2010). *Diaspora and Transnationalism: Concepts, Theories, and Methods*. Amsterdam University Press.
- Dale, J. Correa. (2024). "Arabs in Latin America: An Introduction." *University of Texas*.
- Hassan, Wail S. (2019). "Arabs and the Americas: A Multilingual and Multigenerational Legacy." *Review: Literature and Arts of the Americas*, 166-169.
- Khader, Bichara & Pablo Blesa. (2020). "The Arab World and Latin America: Long-standing Migration, an Expanding South-South Partnership." *Yearbook: Migrations in the Euro-Mediterranean Region, IEMed*.
- Klich, Ignacio & Jeffrey Lesser. (1998). *Arab and Jewish Immigrants in Latin America: Images and Realities*. Routledge.
- Lima, Eduardo Campos. (2024). "How Arab-Islamic Migration, Language, and Culture Shaped Modern Latin America." *Arab News*.
- Ricci, Cristián H. (2023). *Twenty-First Century Arab and African Diasporas in Spain, Portugal, and Latin America*. Routledge.

return and participation in national sports.

- A professional, non-political approach to sports diplomacy is crucial.

### 7. Strengthening Economic Ties with the Iranian Diaspora

- A structured economic diplomacy strategy should be developed to connect Iranian businesspeople worldwide.
- The Ministry of Commerce and Iran's Chambers of Commerce should actively engage with Iranian business networks abroad.
- Easing trade and investment barriers for Iranian expatriates would boost Iran's economy.
- The Latin Arab economic model, where diaspora merchants maintain strong business links with their home countries, serves as an ideal example for Iran.

### Conclusion: A New Model for Iranian Diaspora Engagement

The Iranian diaspora is a powerful, globally connected community that could play a crucial role in Iran's economic and technological progress—if proper mechanisms for engagement, investment, and trust-building are established.

The Latin Arab diaspora model provides an effective blueprint, demonstrating how a diaspora can:

1. Achieve significant economic and political influence in their host countries.
2. Maintain strong cultural and business ties with their homeland.
3. Leverage global networks to foster South-South cooperation.

For Iran, implementing a comprehensive, well-structured diaspora policy could transform brain drain into brain gain, ensuring that Iranian talent and capital contribute to national progress rather than benefiting foreign economies alone.

### Conclusion

1. The Latin Arab diaspora, despite being a relatively small minority, has had a remarkable political and economic impact in Latin America. It is particularly surprising that Northern scholars have largely overlooked this phenomenon. Several Latin American countries—including Argentina, Colombia, the Dominican Republic, Ecuador, El Salvador, Honduras, and Brazil—have had Arab-descended presidents.

Additionally, a significant number of economic, cultural, intellectual, and sports elites in Latin America trace their origins back to the Arab world.

2. In Chile and Honduras, Palestinians form the largest Arab diaspora community, with Chile home to the world's largest Palestinian diaspora. Former Brazilian President Luiz Inácio Lula da Silva acknowledged that the Arab world has "reconnected" with Latin America:

"The first time was through the Iberian heritage"

This reconnection has led many Arab Brazilians to become influential partners of the Brazilian government.

3. Many Arab economic elites in Brazil—along with their network of associates—have secured high-ranking national positions, leveraging their ethnic and cultural capital. They have played a pivotal role in fostering economic, political, and cultural ties between Latin America and the Arab world.

4. Kevin Funk highlights that Latin Arab elites have been consistently present in the evolution of Arab-Latin American relations, feeding off each other's political and economic aspirations. These economic elites understand that the Arab region has two major needs:

- Reliable agricultural suppliers to ensure food security in a region heavily dependent on food imports.
  - Attractive investment destinations to absorb the surplus of petrodollars, especially from hubs like Dubai.
5. Chile has capitalized on these opportunities, positioning itself as a trusted Arab trade partner by exporting a wide range of agricultural products such as:
- Apples, grapes, pears, almonds, avocados
  - Wine and farm-raised salmon

This economic reliability has strengthened Latin Arab trade networks, and future growth in trade volume is expected, driven by strong Arab Latin lobbies and business networks.

### Final Thoughts

- The influence of Arab elites in Latin America is now so widespread that it cannot be ignored. Despite being a minority, they have shaped political, economic, cultural, and literary structures across the continent.
- Wherever Arab elites have settled, they have both assimilated into the host society and influenced it in return.
- Latin Arab elites have left a profound impact



customer satisfaction, security, and enjoyment are crucial focal points of the tourism business. Tourism encompasses a range of activities, services, and industries that facilitate travel, including transportation, accommodation, food and beverage services, retail trade, entertainment, and other services provided for individuals or groups traveling away from home (Zarabadi & Abdollah, 2013).

The tourism industry consists of various sectors, such as air and water transportation. Numerous factors influence tourism, which can be categorized into two main groups: background factors and tourism policy. Background factors include culture, economy, security, infrastructure, and the quality of tourist attractions, which are essential but not sufficient for tourism development.

Beyond these factors, the willingness and commitment of national leaders to tourism development are necessary. This commitment is reflected in fundamental policies and higher-order national strategic documents. These policies are then operationalized through ordinary laws, agreements, regulations, and directives. The presence of clear tourism policy frameworks and strategic documents plays a significant role in tourism development, particularly in terms of implementation and oversight (Veisi, 2017: 98).

### Economic Context

The tourism industry, as an economic, social, and cultural activity, plays a significant role in the development of countries. When properly planned, tourism can lead to increased production, improved living standards, public welfare, and job creation across various factors of production, including labor, capital, and land. Economists recognize tourism as a capital-generating and employment-creating industry and, therefore, pay special attention to it. They believe that the proper development of tourism can significantly boost foreign exchange earnings (Shakouri et al., 2017: 33-34).

If a country effectively utilizes its potential and sets the wheels of the tourism industry in motion, it will witness remarkable economic growth. According to statistics from the World Tourism Organization, the total global revenue from international tourism in 1950 was approximately \$2 billion, which

increased to \$856 billion in 2007 and surpassed \$1 trillion in 2010. Furthermore, according to this organization's reports, Iran ranks 10th globally in terms of historical and archaeological attractions and 5th in terms of natural attractions (Shakouri et al., 2017: 33-34).

However, Iran has not secured a favorable position in utilizing these resources. Despite its excellent ranking in tourism attractions, Iran's share of global tourism revenue does not even reach one percent. Unfortunately, in recent years, the lack of attention to tourism and its neglect have led to significant financial losses for the country.

According to UNESCO reports, Iran, with over 4,000 tourist attractions, is among the top 10 civilizations with historical significance worldwide. The country possesses enormous potential in tourism and can effectively cater to cultural tourists, who make up about 20% of all international travelers. Additionally, among the Organization of Islamic Cooperation (OIC) member states, Iran ranks 13th in terms of incoming tourists and 10th in terms of tourism revenue. However, despite being among the top 10 countries in global tourism attractions and the leading country in the Third World, Iran has yet to fully capitalize on its tourism potential (Veisi, 2017: 98).

### Cultural and Social Context

Since culture plays a significant role in attracting tourists to a destination, tourism can, in turn, contribute to the preservation and revitalization of various cultural activities. Researchers in the field of tourism have provided evidence regarding tourists' interest in the culture of a place. They argue that tourists help strengthen cultural and artistic traditions, and in some societies, they develop a sense of solidarity with the host community. By participating in festivals and special ceremonies, tourists contribute to the reinforcement of these traditions.

However, the mass production of traditional arts for tourists has led to changes in cultural products. For example, the high demand for large quantities of artistic and handcrafted items at low prices has resulted in mass production with higher efficiency, sometimes leading to second and third versions of

## The Impact of Foreign Policy on the Tourism Industry (A Case Study of the Last Six Years)

Alireza Ghaem Panah, Soshian Ouraman

### Abstract

This article aims to examine the impact and outcomes of Iran's foreign policy and its connection to the tourism industry during the twelfth government, led by Hassan Rouhani, and the first two years of the thirteenth government, led by Seyyed Ebrahim Raisi. This study seeks to analyze various dimensions of foreign policy, particularly its relationship with tourism. Initially, an understanding of foreign policy and its different aspects has been established. Then, the nature and manner of the connection between foreign policy and tourism have been explored. Furthermore, the future outlook of tourism and its historical background in Iran have been assessed based on current conditions and projected statistics.

Since ancient times, Iran has successfully attracted international attention due to its favorable climate and four-season geography. One of the main objectives of this article is to examine different policies and their impact on the increase or decrease of tourists in Iran, particularly in recent years. This study employs a library-based research method along with an analytical-descriptive approach.

### Keywords:

Tourism industry, Foreign policy, Tourism

### Introduction

History has shown the extent to which a country's foreign policy can influence various aspects, including tourism. Global events such as wars, revolutions, agreements, and security crises have significantly impacted the attraction or deterrence of tourists throughout history. Since the beginning of the Islamic Revolution, and especially in recent years, Iran has been engaged in making various foreign policy decisions.

In recent decades, tourism has emerged as an important socio-economic phenomenon with cultur-

al, political, and environmental impacts, becoming a global and widespread industry. Over the past few decades, tourism has consistently grown and diversified, becoming one of the world's largest economic sectors. Iran, a vast country with diverse cultural and natural attractions, has exceptional potential for developing its tourism industry. Among Middle Eastern and Eastern nations, Iran has been one of the first countries to pursue tourism development by implementing policies, legislation, institutional frameworks, and planning.

However, in Iran, the tourism industry has been highly influenced by political institutions and has experienced many fluctuations due to political changes. This trend has been particularly evident in the post-Islamic Revolution period. This article is structured to first examine the tourism industry and its influencing factors, followed by an analysis of foreign policy in general, and specifically, Iran's foreign policy over the past six years and its impact on the tourism sector.

This research is significant because foreign policy plays a crucial role in shaping a country's image in the eyes of tourists. Additionally, foreign policy directly affects a nation's economy, culture, and society. The primary objective of this study is to enhance knowledge and provide deeper insights into the impact of foreign policy on Iran's tourism industry, particularly over the past six years.

### Research Question

This paper aims to answer the following key question:

1. What effects has foreign policy had on Iran's tourism industry over the past six years?

#### 1) The Tourism Industry

Tourism is a dynamic and competitive industry that requires the ability to continuously adapt to the evolving needs and desires of customers, as



The purpose of their travel may include holidays, health care, study and research, religious activities, sports, business and trade, family matters, official missions, conferences, and other reasons (Manshizadeh, 1997: 12).

Tourism begins when a group of individuals temporarily leave their place of residence to spend holidays, visit historical sites, participate in competitions and conferences, or meet relatives and friends in another location (Rezvani, 1995: 17).

All individuals who leave their country for another country for less than a year without earning any income in the visited country are classified as tourists (Rezvani, 1995: 17).

### 3) Foreign Policy

Foreign policy primarily concerns a country's activities in external environments and conditions. It can be defined as a strategy or a set of actions carried out by a country's policymakers in relation

to other nations and international organizations to achieve objectives that serve its national interests.

Foreign policy also involves a process that includes:

- Clearly defined goals
- External factors influencing these goals
- A country's capability to achieve its desired outcomes
- The development of an effective strategy
- The implementation of this strategy
- Evaluation and control of the results (Imani, Beijani, et al., 2022: 317).

Another definition of foreign policy describes it as a strategic or fundamental approach formulated by government decision-makers in relation to other states and international entities to achieve specific objectives. Additionally, foreign policy refers to the formulation, implementation, and assessment of decision-making processes that focus primarily on a country's external relations (Imani, Beijani, et al., 2022: 317).



cultural artifacts being produced and sold. Additionally, tourism has led to modifications in traditional ceremonies to make them more accessible and cost-effective for visitors. Some individuals believe that such changes result in the loss of authenticity and cultural significance of these products and events. In some cases, tourists' interest in cultural activities may even lead to the invasion of the host community's privacy (Chak Y. Gee, 2003: 392-394).

The social and cultural impacts of tourism refer to the changes that tourism brings to value systems, individual behaviors, family relationships, collective lifestyles, traditional ceremonies, and social structures (Rezvani, 2008: 93). When a community becomes a tourism destination, its quality of life, value system, and many other economic, social, and cultural components are affected (Kazemi, 2003: 27). The presence of tourists in any society influences the lifestyle of local people, just as visitors are also affected by the host community's culture and values (Karoubi et al., 2016: 1). These effects are more pronounced in tourist destinations due to the interactions between tourists and the local environment, economy, culture, and society.

Tourism, at any scale, can be seen as a double-edged sword. From a positive perspective, it

can drive economic and social progress in the host community. However, from a negative viewpoint, it can be the primary factor in eroding local identity and traditional cultures. Therefore, monitoring and assessing the cultural and social impacts of tourism is essential to maintaining a balance between development and cultural preservation (Nikbin, 2010: 2).

### 2) Tourism

The word "tourism" in Western languages refers to traveling within a country or to foreign countries, whereas in Persian, "world tourism" (جهانگردی) means traveling around the world and does not include domestic travel.

In 1937, a special committee formed to study certain aspects of the tourism industry defined the concept of tourism as follows:

- Individuals who travel to a foreign country for 24 hours or more are considered tourists.
- People who travel for leisure, personal reasons, or health-related matters.
- Those who travel to participate in conferences.

In 1963, the World Tourism Conference in Rome provided the following definition of a tourist: A tourist is someone who temporarily travels and stays in their desired country for at least 24 hours.



Iran is a country rich in historical, cultural, religious, and natural attractions. Major cities such as Isfahan, Shiraz, Kerman, Yazd, Tabriz, Kermanshah, and Tehran house significant historical and cultural sites. Religious tourism is also vital, with cities like Mashhad, Qom, and Shiraz serving as key pilgrimage destinations. Additionally, northern Iran boasts stunning natural landscapes, making it a prime location for both domestic and international tourism.

Like many Middle Eastern countries, Iran possesses a natural competitive advantage in global tourism. However, this advantage has never been fully leveraged (Ahmadi, Akhavan Farshi, Bagheri, 2014: 9).

#### Hassan Rouhani's Presidency and Its Impact on Tourism

Hassan Rouhani ran for presidency in 2013 and won, forming Iran's 11th government. In 2017, he was re-elected for a second term (12th government). Some of the most significant events during his presidency included:

- The Iran Nuclear Deal (JCPOA) – Signed with the P5+1 world powers.
- The assassination of General Qasem Soleimani by U.S. forces in January 2020.
- Iran's retaliatory missile strike on Ain al-Asad Air Base in Iraq.

However, this study focuses on Iran's tourism sector during Rouhani's second term (2017-2021).

During Rouhani's re-election in 2017, the Iranian tourism industry had high hopes that his administration would enhance government support for private-sector investment, strengthen tourism infrastructure, and improve Iran's global image. The industry urged the government to:

- Play a stronger role in promoting Iran internationally.
- Expand infrastructure for tourism development.
- Leverage academic expertise in tourism planning.
- Strengthen human resources in tourism govern-



ance.

- Stabilize tourism policies to protect the industry from political fluctuations.

Despite these expectations, the political climate—including U.S. sanctions, security concerns, and diplomatic tensions—greatly affected the growth of international tourism in Iran (Donya-e-Eqtasad).

#### Tourism Industry in the Global Economy

The tourism industry holds a promising future and occupies a prestigious position in the global economy. As a result, tourism-oriented countries actively employ tourism diplomacy, strategic planning, specialized management, e-tourism, creativity, risk-taking, and innovation, along with developing essential infrastructure, to attract more tourists.

According to the United Nations World Tourism Organization (UNWTO), international tourism currently accounts for 7% of global trade, contributes 10% to the global GDP, and supports one in every eleven jobs worldwide (UNWTO).

#### A) Iran's Foreign Policy

Iran's foreign policy in modern history has experienced many ups and downs. Broadly, it can be divided into three historical periods:

1. The Qajar Era
2. The Pahlavi Era
3. The Islamic Republic

After the 1979 Islamic Revolution, Iran's foreign policy underwent a fundamental transformation, becoming largely shaped by the values of the Islamic governance system. Following the revolution, Iran severed ties with Israel due to its occupation of Palestinian territories and its lack of recognition by the Islamic Republic. Additionally, Iran's relationship with the United States became strained due to what Iran perceives as U.S. hegemonic and coercive policies (Mohseni et al., 2013: 13).

The 35-year experience of the Islamic Republic indicates that Iran's foreign policy discourse has significantly evolved over time (Ahmadi, Bagheri et al., 2014: 2). A key aspect of Iran's foreign policy has been its revolutionary identity, which influences all areas, including tourism. Iran's interaction with other nations directly affects the

attraction or repulsion of tourists, a phenomenon that has gained even greater importance in recent years, particularly over the last six years.

To analyze Iran's foreign policy, three primary factors must be considered:

1. Domestic Factors – These include internal political developments, such as the nature of the regime, the ideology of its leaders, and national needs (e.g., technology, military advancements, and industrial requirements). While Iran's past ideology was Western-aligned, the Islamic Revolution adopted a global Islamic approach (Moghtader, 1981: 227).

The key principles of the Islamic Republic's foreign policy, as outlined in the Iranian Constitution, include:

1. Emphasis on political independence in policy-making and governance.
2. Support for anti-dictatorship movements over dictatorial governments in international relations.
3. Maintaining an independent foreign policy.
4. Opposition to Israel and support for the Palestinian resistance.
5. Promoting political justice in international relations.
6. Strategic distancing from major global powers' interests.
7. Opposition to discriminatory laws (e.g., the UN veto power system).
8. A religiously driven foreign policy, as Iran's political power structure is ideologically rooted (Imani, Beijani et al., 2022: 39).

#### B) The Impact of Iran's Foreign Policy on Tourism in the Last Six Years

In the tourism industry, beyond infrastructure and legal frameworks, individual and group security is the most critical factor in attracting tourists. Although lack of security and restrictive regulations are among the main obstacles to tourism, the role of Iranian diplomats and ministers in embassies abroad is crucial in shaping international perceptions and encouraging tourism.

#### Iran's Tourism Potential



On August 3, 2021, Ebrahim Raisi assumed office, marking the beginning of the 13th government. With the mass vaccination rollout and the easing of pandemic restrictions, the tourism industry started to recover after two years of stagnation.

According to the World Travel & Tourism Council (WTTC):

- Iran's tourism sector grew by 40% in the second half of 2021.
- Foreign tourists spent \$2.5 billion in Iran that year.
- In contrast, global tourism saw an average growth of 21.7%.

The 13th government prioritized regional diplomacy, emphasizing stronger ties with neighboring countries and strategic partners to boost tourism (Islamic Republic News Agency).

One of the key achievements of Iran's foreign policy under Raisi's administration was the increase in inbound tourists from neighboring countries, China, and Russia. Statistics indicate that the majority of foreign tourists visiting Iran were from neighboring nations, reflecting the success of regional tourism diplomacy.

#### Tourism Statistics Under the 13th Government

According to Iran's Tourism Deputy Office:

- In 2022, 4.2 million tourists visited Iran, marking a 137.2% increase from 2021.
- In the first four months of 2023, 2.05 million tourists entered Iran, reflecting a 32.13% growth compared to the same period in 2022.

#### Conclusion

Despite Iran's foreign policy decisions, which in some cases could have negatively impacted international tourism, the overall trend has shown growth in tourist numbers.

The tourism industry remains resilient, benefiting from regional diplomacy, targeted tourism

policies, and Iran's rich cultural and historical attractions.

#### Conclusion

As discussed, the tourism industry is a highly productive and crucial sector for many countries, including Iran. Throughout history, Iran's political decisions have influenced the growth or decline of its tourism sector. However, despite fluctuations, Iran has never reached a zero level in attracting tourists.

In recent years, Iran has made critical foreign policy decisions, impacting various aspects of international relations. However, as the statistics and reports indicate, Iran's tourism sector is on an upward trajectory, showing continuous growth in tourist arrivals.

#### Recommendations for Enhancing Iran's Tourism Through Foreign Policy

To further boost tourism and attract more international visitors, the Islamic Republic of Iran should consider the following strategic actions:

1. Strengthening relations and diplomatic interactions with Western countries and Europe to improve Iran's global image.
2. Using advertising and soft power to attract culturally similar nations through targeted marketing campaigns.
3. Establishing international agreements focused on digital marketing to enhance Iran's presence in global tourism markets.
4. Investing in media and international outreach to promote Iran's attractions via foreign television channels and online platforms. Currently, Iran does not allocate sufficient funds for international tourism advertising, whereas in many other countries, tourism promotion is a government-sponsored effort rather than a direct commercial transaction.

By implementing these policy improvements, Iran can significantly increase its international

#### Tourism Under Hassan Rouhani's Administration (12th Government)

With the formation of Hassan Rouhani's second administration, the government took steps to strengthen Iran's tourism sector, recognizing tourism as a key driver for:

- Economic diversification
- Job creation, particularly in underdeveloped regions
- Boosting production and service industries

According to Iran's Ministry of Cultural Heritage, during Rouhani's eight-year tenure, 320 tourism projects were completed, with an additional 200 projects planned before the end of his administration (dolat.com).

Furthermore, Dr. Ali Asghar Mounesan, Iran's Minister of Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts, stated that 290 trillion rials (approximately \$7 billion) worth of tourism projects were completed under the 12th government (alef.ir).

These figures reflect the significant attention Rouhani's government placed on the tourism sector due to its economic and cultural importance.

However, external events significantly impacted Iran's tourism industry during Rouhani's second

term:

- The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), or nuclear deal, initially helped attract foreign tourists.
- In 2019, major events such as the downing of the Ukrainian airliner, the assassination of General Qasem Soleimani, and the outbreak of COVID-19 disrupted the tourism sector.

Despite these challenges, 2019 saw a record-breaking 8.83 million tourists visit Iran (LinkedIn.com).

The COVID-19 pandemic (2020) brought global tourism to a halt, and Iran was no exception. In 2020, only 558,000 foreign tourists visited the country due to global lockdowns and travel restrictions (LinkedIn.com).

By 2021, the final year of Rouhani's presidency, the number of tourists recovered slightly to 1.76 million. However, the pandemic, economic sanctions, and geopolitical tensions limited further growth.

#### Tourism Under Ebrahim Raisi's Administration (13th Government)





# جهان نما



tourist arrivals, revitalize its tourism industry, and boost economic growth through foreign visitor spending.

## References

1. Chak, Y. Gee (2006). Tourism in a Comprehensive Perspective. Translated by Ali Parsian & Seyed Mohammad A'rabi. Cultural Research Publications.
2. Nikbin, Ali et al. (2010). Modeling the Consequences of Sustainable Cultural Tourism Development. Mizan Online. (<https://www.mizanonline.ir/>)
3. Veisi, M. (2017). The Impact of Politics on Tourism.
4. ChamanKar, Mohammad Jafar (2007). Iran's Political Relations with the World. Tabriz Journal of Humanities and Social Sciences, No. 68, pp. 2-36.
5. Public Diplomacy of the Islamic Republic of Iran During the Principlist Era, Foreign Relations, Vol. 4, No. 2, Summer Issue, pp. 71-90.
6. Veisi, Mohammad (2017). Key Factors Affecting Tourism in Any Country.
7. Shakouri et al. (2017). The Impact of the Tourism Industry on Politics.
8. Donyaye-Eqtasad.com (<https://www.donya-eqtasad.com/>)
9. Rezvani, Ali (1995). Introduction to Tourism and Its Relationship with Politics.
10. Islamic Republic News Agency (IRNA) (<https://www.irna.ir/>)
11. World Travel & Tourism Council (WTTC) Reports.
12. Islamic Republic News Agency (IRNA) (<https://www.irna.ir/>)
13. Bagheri, Ahmadi (2014). Iran's Foreign Policy Developments in the Past Decade.
14. Imani, Mohammad et al. (2022). Principles of Iran's Foreign Policy.

